



پرونده ویژه

کودک
همسری

ماهنامه حقوقی

وکلا

● هما داودی :

مدیرانی می خواهیم که

از تکنولوژی نترسند

● بیانیه پایانی همایش تبریز

خروجی خرد جمعی

مدیران جامعه وکالت کشور

شماره اول، بهمن ۱۳۹۷
قیمت: ۵۰۰۰ تومان

ماهنامه حقوقی وکلا
www.vokalamag.ir



یادنامه زنده یاد
رضا صمدی



نویسنده کتاب «طنین سکوت»
ضرورت بستر سازی
فرهنگی در کنار اصلاح قانون



معاون دادستان مشهد
کودکی دوران رشد
آموزش و بازی است

چهار طبقه

● رئیس کل دادگستری خراسان رضوی: کاهش ۱۰ درصدی زمان رسیدگی به پرونده‌ها



رئیس کل دادگستری خراسان رضوی که در جلسه ویدئو کنفرانس مسئولان ستادی، دادستان‌ها و رؤسای حوزه‌های قضایی استان گفت: تلاش بی سابقه‌ای در زمینه کنترل ورودی پرونده‌ها به مجموعه قضایی و همچنین کاهش موجودی پرونده‌ها و نیز منطقی کردن زمان رسیدگی به پرونده‌ها به انجام رسیده و براین اساس شاهد کاهش ۱۰ درصدی زمان رسیدگی به پرونده‌ها در سال ۹۷ نسبت به سال ۹۶ هستیم.

حجت الاسلام مظفری همچنین با اشاره به دستورالعمل رئیس قوه قضائیه در مورد منع حبس محکومان پرداخت مهریه افزود: پس از صدور این بخشنامه و اعلام مواضع مراجع عظام؛ حتی یک نفر نیز نباید به این دلیل در زندان وجود داشته باشد. / میزان

● مرتضوی: هدف دستگاه قضایی؛ ارتقای امنیت اقتصادی



سید امیر مرتضوی، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان خراسان رضوی در بازدید از شهرک صنعتی فریمان که با حضور مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان و رئیس دادگستری و دادستان فریمان برگزار شد گفت: هدف دستگاه قضایی در تعامل با صنعت؛ ارتقاء امنیت اقتصادی است و با حمایت‌هایی که از طرف دادگستری استان و آسیب شناسی‌هایی که در نشست‌هایی که با دستگاه‌های خدمات رسان مانند دارایی، تأمین اجتماعی و بانک‌ها انجام شده، بیش از ۴۰ مشکل واحدهای صنعتی را احصا کردیم و حدود ۱۵ بخشنامه و دستور عمل‌های مختلفی در این زمینه برای تسهیل کار آن‌ها صادر شده است و از ابتدای امسال در این زمینه بیش از ۱۵۲ واحد تولیدی بدون تشکیل پرونده رفع رجوع شده و به چرخه تولید بازگشتند. / میزان

● حقدادی: کلینیک‌های مشاوره عملکرد مناسبی داشته‌اند



غلامحسین حقدادی معاون اجتماعی بهزیستی خراسان رضوی در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا، در رابطه با وضعیت مطالبه نفقه در مشهد گفت: از آنجایی که طرح مشاوره برای نفقه و تمکین تنها به مدت یک سال است که در مشهد و برخی از شهرهای استان اجرایی شده، نمی‌توان آماری از میزان نفقه و افزایش یا کاهش آن نسبت به گذشته ارائه داد.

وی افزود: در طول یک سال گذشته حدود ۹ هزار و ۵۰۰ نفر به مراکز مشاوره برای درخواست نفقه و تمکین مراجعه کردند که از مجموع این مراجعات ۵۵ درصد دعای مربوط به نفقه و ۴۵ درصد برای تمکین مراجعه و مشاوره دریافت کردند. گفتنی است با ارائه مشاوره حدود یک سوم این افراد از چرخه دادخواست خارج شدند. بنابراین کلینیک‌های مشاوره، عملکرد مناسبی داشته نتایج خوبی به دست آورده است.

وی همچنین گفت: براساس عملکرد مناسب این مشاوره‌ها، سازمان بهزیستی و دادگستری استان تصمیم گرفتند تا این طرح را به شهرهای بزرگ استان چون نیشابور، تربت حیدریه، قوچان، کاشمر، سبزوار و تربت جام تسری بخشند و در پنج شهر راه‌اندازی شده و نتایج خوبی به دست آورده است. / ایسنا

سرمقاله



سیاوش هوشیار وکیل پایه یک دادگستری

وکلا آمد

بسم الله الرحمن الرحيم.

ایستاده بر خاک سرزمین ادب و سخن، خراسان، و با کسب اجازه از محضر شریف ثامن الحجج این جریده را آغاز می‌کنیم.

شاید پرسیده شود که تحمل زحمت این راه برای ما و تحمیل آن به دیگران چه توجیهی دارد؟ حقیقتاً این برای خودمان هم جای سؤال است! در میان این همه حرف‌ها که گفته شده و می‌شود و این نشنیدن‌ها که بوده و خواهد بود، دوباره گفتن ما چه سودی خواهد داشت؟ قامت نحیف و فقیر ما در مقابل رسانه‌های معظم و ستبر که متصل به منابع عظیم بودجه عمومی و اقسام ویژه خوری‌هایند، چه فرصتی برای نمود خواهد داشت؟ در میان کهنه کاران سرکش، ما تازه‌کاران سر به زیر چه فرصتی برای بروز خواهیم یافت؟

با این همه، نه کلیشه «احساس تکلیف»، که بیشتر شاید برای آزمون بخت، سرمایه مال و جان و عرض در این راه نهاده‌ایم و به حد توان، نه برای ایفای تکلیف که برای استیفای حق خواهیم کوشید؛ حق اساسی آزادی مطبوعات و بیان که داریم و حق مردم که برای دانستن دارند، البته مخاطب ما در این جریده اختصاصاً «حقوق خوانندگان» اند و بیش از همه، همچنان که معلوم است، وکلا.

روزانه هزاران کلام و پیام در اقسام شبکه‌های مجازی درباره احوال «وکلا» نشر می‌شود و مدیران و مسئولان از یک سو و زعمای وکلا از سوی دیگر هر یک فارغ از این گفتگوها به کار خود مشغولند. اما تحولات عمیقی که این روزگار جامعه حقوقی کشور و مخصوصاً صنف وکلای دادگستری را قهراً متأثر داشته است، باز هم گفتگوهای بیشتری می‌طلبد.

سال‌هاست که به موجب قانون بخش عمومی از فعالیت رسانه‌ای ممنوع است و حتی صرف منابع و استفاده از کارکنان و امکانات عمومی در این زمینه در حکم تصرف غیر مجاز در اموال دولتی و جرم انگاشته شده است، با این حال عرصه رسانه و مطبوعات کشور همچنان در قبضه دولتی‌ها و شبه دولتی‌هاست.

«وکلا» با توان و هزینه شخصی تولید و منتشر می‌شود، تصور هم‌پایی این نشریه با رسانه‌های عظیمی که از بودجه و امکانات عمومی تأمین می‌شوند و رانت و منابع خبری ویژه در اختیار دارند کاملاً محال است، ولی باز هم به حد وسعتمان خواهیم کوشید به حرمت نگاه و توجه مخاطبان و قامت درختانی که برای چاپ این جریده بر زمین می‌افتند، به بهترین شکل رسالت مطبوعاتی خود را ایفا کنیم.

همواره از «استقلال» نهاد وکالت سخن گفته‌ایم و شنیده‌ایم، ولی این گفته‌ها و شنیده‌ها هرگز حاوی عناصر راهبردی نبوده‌اند و بیشتر در اندازه شعارهای تبلیغاتی بروز یافته‌اند، ما باور داریم که استقلال جز در سایه مشارکت همگانی وکلای دادگستری و بر بستر دموکراتیک تحقق یافتنی نیست و ساز و کار دموکراتیک نیز جز در «اتاق شیشه‌ای» محقق نخواهد شد، که یکی از اصلی‌ترین وسایل آن بی تردید «مطبوعات» هستند و هر چند راه‌های نوین ارتباطی امکان ایجاد رسانه‌های مستقل و مطالبه‌گر را در جامعه وکلا ایجاد کرده‌است که در جای خود منشأ آثار فراوانی هستند ولی شاید هنوز ضرورت وجود مطبوعات مستقل مخصوص وکلا تحقق نیافته‌است.

واقعیت این است که در سال‌های اخیر و با انفجار ورودی کانون‌های وکلا، نوعی انفعال در لایه‌های مدیریتی شکل گرفته که منجر به یک گسست نسلی شده است؛ در حالی که وکلای جوان و تازه‌کار درگیر مشکلات سخت معیشتی و تضییقات حرفه‌ای می‌باشند، مدیران ارشد در سطوح مختلف مشغول امور خود هستند.

در این شرایط جدید، مفهوم «استقلال» که پیش از این هم درگیر ابهام بود، نیازمند تعریف تازه‌ای است. پیشگامان استقلال وکالت، این مفهوم را در تشکیل کانون‌های وکلای مستقل متبلور می‌دیدند، اما امروز همین کانون‌ها با تبدیل شدن به سازمان‌های شبه دولتی و بروکراتیک، در برخی موارد مانعی برای پویایی و جوشش جامعه وکالت ایران شده‌اند.

در فضای حاضر، «وکلا» به طور مشخص خواهد کوشید تریبون صداهایی باشد که فرصتی برای شنیده شدن ندارند؛ صدای وکلای جوان و تحصیل‌کرده‌ای که هر یک در گوشه‌ای از این کشور و به دور از مراکز جمعیتی و اقتصادی، به انجام وظیفه وکالتی خود مشغولند؛ کسانی که آینده متعلق به آنان است.

در این میان آنچه می‌تواند افق روشن برای «وکلا» تصویر کند، حمایت و همراهی اساتید، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان حقوق و به‌ویژه وکلای دادگستری است.

امید داریم انتشار این نخستین شماره، تأکیدی بر عزم و اصرار «وکلا» برای ادامه این مسیر باشد.

سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد:

تدوین و ابلاغ آیین نامه موارد استجازه از رهبر انقلاب



موارد خاص مقرر در آیین نامه
تشکیل دبیرخانه در معاونت اول قوه قضائیه
ارجاع پرونده‌ها به محاکم ویژه در تهران و استان‌ها با نظر و نظارت معاون اول قوه قضائیه
تشکیل شعب ویژه در دادسرا، دادگاه و دیوان عالی کشور
تشکیل دادگاه‌های ویژه در دادگاه‌های انقلاب تهران و یا هر استانی که از سوی ریاست قوه تشخیص داده شود
صلاحیت عام و کشوری دادگاه‌های ویژه تهران
کاهش مهلت ابلاغ، اعتراض و تجدید نظر خواهی مثلاً مهلت اعتراض به قرار ابتدایی از ۱۰ روز به ۵ روز کاهش یافته است (میزان کاهش سایر مهلت‌ها اعلام نشده است)
به جز احکام اعدام، سایر احکام دادگاه‌های ویژه قطعی هستند
تعریف اصطلاحات «عمده»، «کلان»، «فراوان» و «خسارت گسترده» که در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی به کار برده شده اند
تکلیف دادستان و بازپرس به اعلام تشکیل پرونده ظرف ۲۴ ساعت به معاونت اول قوه قضائیه از طریق دبیرخانه مربوطه
اجازه دخالت وکلای دادگستری موضوع تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در پرونده های ویژه
شمول آیین نامه به پرونده های تشکیل شده قبلی که هنوز منتهی به صدور رای در دادگاه بدوی نشده باشد
قابلیت نقض احکام صادره در پرونده های مشمول آیین نامه که پس از اذن در دادگاه های دیگر رسیدگی شده باشند
اختیار دادگاه های ویژه برای رفع نقض احتمالی پرونده ها
تکلیف کلیه دستگاه ها و ضابطین اعم از عام و خاص به اجرای دستورات دادگاه های ویژه
تعیین تکلیف سریع کالاهای توقیف شده

۲۰ مرداد سال جاری، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری از نامه رئیس قوه قضائیه به رهبر انقلاب برای کسب اجازه اقدامات ویژه در برخورد با اخلاگران اقتصادی و موافقت معظم له با پیشنهادات مطروحه در نامه مذکور، خبر داده بود. براساس این استجازه، رئیس قوه قضائیه آیین نامه ای را تدوین و تصویب نموده است که برخی جزئیات آن توسط سخنگوی این قوه تشریح شد.

روابط عمومی دادستانی کل کشور ۱۶ آذر ۱۳۹۷ اعلام کرد که حجت الاسلام اژه ای در نشست دادستان ها با موضوع «بررسی مشکلات و چالش ها در رسیدگی به پرونده های جرایم اقتصادی» که در دادستانی کل کشور برگزار شده بود، از تدوین و ابلاغ آیین نامه ای برای موارد خاص مربوط به مبارزه با مفاسد اقتصادی خبر داده است.

معاون اول قوه قضائیه در این نشست در مورد دلایل تدوین این آیین نامه گفت: «با توجه به مشکلات و موانعی که در مبارزه با مفاسد اقتصادی وجود داشت، از سوی ریاست محترم قوه قضائیه طی نامه ای از مقام معظم رهبری موافقت را درخواست نمودند و مقام معظم رهبری با ملاحظه ای آن، موارد را تأیید کردند و پیش بینی شد آیین نامه ای برای این کار تنظیم شود که این آیین نامه در ۳۵ بند و ۸ تبصره در هفته گذشته به دستگاه های ذیربط و روسای کل دادگستری ها ابلاغ شده است و فعلاً مبنای استجازه و آیین نامه آن است که لازم الاجرا است و باید طبق آن عمل شود و در مورد هر چیزی که در آیین نامه مصرح نبود، طبق قوانین و مقررات عمل می شود.»

البته تاکنون متن کامل این آیین نامه منتشر نشده است ولی سخنگوی قوه قضائیه به مواردی از مفاد این آیین نامه اشاره کرده است.

۶۶

ظرف چندماه
گذشته ۶۳ فقره
کیفرخواست از
ناحیه شعب ویژه
بازپرسی و ۸ فقره
کیفرخواست در
مورد جمع آوری
دلائل ارزی صادر
شده است

دادستان تهران: اگر قرار بود قانون اصلاح شود به این زودی جواب نمی داد

جعفری دولت آبادی دادستان تهران نیز ۲۶ آذر ماه در سخنانی که در نشست «بررسی الزامات مبارزه با فساد» در دانشگاه علوم قضایی بیان کرد با ارائه گزارشی از اقدامات شعب ویژه دادسرای تهران گفت: «ظرف چند ماه گذشته ۱۷۰۰ نفر احضار و ۳۵۰ نفر دستگیر شدند؛ ۱۳۰ نفر در بازداشت هستند و بازپرسی برای شعب ویژه انتخاب شده اند که با تجربه و قوی هستند.»

دادستان تهران در ادامه افزود: «ظرف چندماه گذشته ۶۳ فقره کیفرخواست از ناحیه شعب ویژه بازپرسی و ۸ فقره کیفرخواست در مورد جمع آوری دلائل ارزی صادر شده است.»

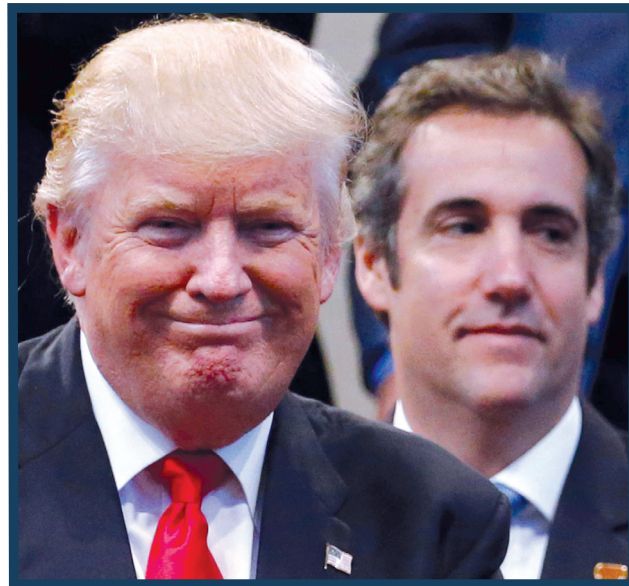
دادستان تهران در تشریح زمینه های انجام استجازه و تدوین آیین نامه گفت: «مطابق آیین دادرسی کیفری جدید مواعد و مهلت های زیادی در رسیدگی های قضایی پیش بینی شده که در رسیدگی ها اطلاع ایجاد کرده و هر پرونده ای که رای آن صادر می شود چندین بار مورد اعتراض و اعاده دادرسی قرار می گیرد. قوه قضائیه برای این که سرعت بیشتری به رسیدگی ها بدهد، راه اندازی شعب ویژه را با سه شاخص سرعت، دقت و قاطعیت مورد توجه قرار داد تا در روند رسیدگی تسریع شود؛ مهلت معقولی برای اقدامات ضروری پرونده لحاظ شود؛ رسیدگی توأم با دقت باشد و در مقوله قاطعیت نیز احکام صادره به استثنای حکم اعدام قطعی و اجرا شود.»

در این زمینه اگر قرار بود قانون اصلاح شود باید به مجلس شورای اسلامی می رفت و به این زودی جواب نمی داد؛ لذا قوه قضائیه شرحی به مقام معظم رهبری نوشت که معروف به استجازه شد و باعث گردید تحرک خوبی در رسیدگی ها رخ دهد.»

محکومیت مایکل کوهن
وکیل دادگستری آمریکایی

از جلال ترامپ تا افتضاح وزندان

آذین آذرتاش



ترامپ در کنار وکیلش
مایکل کوهن



کوهن بزرگترین قربانی تحقیقات مولر تاکنون است، علاوه بر این روابط نزدیک و طولانی او با ترامپ و تعهدش به ادامه همکاری با تحقیقات بازپرس ویژه رابرت مولر می تواند در آینده کوهن را به شاه کلید یک مصیبت واقعی برای ترامپ تبدیل کند.

کوهن متعهد به همکاری در تحقیقات ویژه در پرونده دخالت روسیه در انتخابات گذشته آمریکا شده است، اطلاعات ارزشمند کوهن که سال ها مشاور و از نزدیک ترین افراد به ترامپ بوده و در کمپین انتخاباتی او نیز فعالیت نزدیک داشته است حتما به روند تحقیقات کمک بزرگی خواهد کرد. با وجود اقرار کوهن مبنی بر این که ترامپ به او دستور داده این وجوه غیرقانونی را به عنوان حق السکوت به دو مدل مجله پلی بوی پرداخت کند، حقوقدانان آمریکایی می گویند پیگرد قضایی ترامپ در زمان ریاست جمهوری او امکان پذیر نیست و تنها راه برکناری او از این مقام، استیضاح اوست. باید به انتظار نشست و دید که جدال مولر و ترامپ سرنوشت سیاسی آمریکا را چگونه رقم خواهد زد و ترامپ تا به کجا مولر را برمی تابد.

زندانی کوهن، از جرایمی که او مرتکب شده سبکتر است اما همکاری او با دادگاه باعث تخفیف مجازاتش شده است، در عین حال صدور این حکم نشان می دهد تخلفاتی که در ستاد تبلیغاتی دونالد ترامپ در جریان انتخابات سال ۲۰۱۶ رخ داده است، تا چه اندازه جدی هستند.

تبعات محکومیت کوهن

این حکم ضربه سنگینی به مایکل کوهن ۵۲ ساله بود که زمانی از او به عنوان یکی از گزینه های جمهوری خواهان برای انتخابات ریاست جمهوری آتی آمریکا یاد می شد.

قانون را نقض کند. او وکیل بود و باید قانون را بلد باشد. به این می گویند (توصیه وکیل) و اگر وکیل اشتباه کند، مسئولیت سنگینی دارد. به همین دلیل است که پول می گیرند.»

دفتر دادستانی برای کوهن درخواست محکومیت زندان به مدت سه سال و نیم کرده و گفته بود که مایکل کوهن متهم به تقلب مالیاتی، دروغ گویی به بانک ها و کنگره، و تلاش برای تاثیرگذاری غیرقانونی بر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا است.

وکلا کوهن با استناد به همکاری او در جریان تحقیقات خواستار معافیت وی از مجازات زندان شده بودند، با این حال دادستانی فدرال نیویورک با استناد به شدت جرایم ارتكابی این درخواست را رد کرده بود و نهایتا دادگاه کوهن را به تحمل سه سال زندان محکوم کرد، او باید به زودی خود را برای تحمل کیفر به زندان معرفی کند.

علاوه بر این کوهن پذیرفته بود که در جریان تحقیقات کنگره آمریکا درباره دخالت روسیه در انتخابات نیز دروغ گفته و در مورد پروژه ساخت و ساز شرکت دونالد ترامپ در روسیه نمایندگان را گمراه کرده است، او به دلیل این جرم نیز به دو ماه زندان محکوم شده که همزمان با حکم قبلی اجرا خواهد شد.

کوهن بعد از شنیدن حکمش به قاضی دادگاه گفت: «ضعف و وفاداری کورکورانه من به این مرد (دونالد ترامپ) موجب شد تا این راه تاریک را به جای راه درست انتخاب کنم. فکر می کردم که وظیفه دارم همه خرابکاری های او را لایوشانی کنم.»

به نوشته رسانه های آمریکایی، حکم سه سال

وزارت دادگستری آمریکا در تاریخ ۱۷ می ۲۰۱۷، رابرت مولر رئیس سابق اف.بی.آی را به عنوان بازپرس ویژه تحقیق در مورد دخالت احتمالی روسیه و تبانی این کشور با ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا منصوب کرد.

مولر تاکنون چندین فرد نزدیک به ترامپ را به ارتكاب جرایم مختلف مالی و دروغ گویی متهم کرده است که برخی از آنان به تحمل زندان محکوم شده اند.

تحقیقات مولر به مایکل کوهن وکیل و از نزدیک ترین افراد به ترامپ نیز رسید و نهایتا او که ابتدا با اعتماد به نفس اتهامات را تکذیب می کرد، ناچار به اعتراف به جرایم خود و همکاری کامل با روند تحقیقات شد، امروز کوهن که در آستانه ورود به زندان برای تحمل مجازات سه ساله خود است، در قنات مردی شکست خورده و رسوا دیده می شود.

مأموران پلیس فدرال آمریکا (اف.بی.آی) در ماه آوریل ۲۰۱۸ به دفترکارو آپارتمان مایکل کوهن در یورش بردند و همه اسناد و مدارک او را ضبط کردند. مایکل کوهن حدود یک دهه وکیل شخصی ترامپ بود و پس از رسیدن وی به ریاست جمهوری آمریکا از او به شدت حمایت می کرد، تا جایی که گفته بود حاضر است خود را برای آقای ترامپ در برابر گلوله ها سیر قرار دهد. مایکل کوهن پس از آنکه هدف کمیته تحقیقات مولر قرار گرفت، نهایتا هشت اتهام مالی را پذیرفت و از جمله اقرار کرد که به زنان مدعی ارتباط جنسی با دونالد ترامپ حق السکوت پرداخته است.

در مقابل این ادعای کوهن، ترامپ ابتدا پرداخت حق السکوت را تکذیب کرد، ولی بعدا موضوع پرداخت پول را پذیرفت، اما گفت که این پول ربطی به هزینه های انتخاباتی نداشته و یک پرداخت شخصی بوده است.

ترامپ با انتشار تویییتی ضمن رد نکردن اصل ماجرای پرداخت حق السکوت گفت: «من هرگز از کوهن نخواستم که

۶۶

کوهن بعد از شنیدن
حکمش به قاضی
دادگاه گفت:

«ضعف و وفاداری
کورکورانه من به این
مرد (دونالد ترامپ)
موجب شد تا این راه
تاریک را به جای
راه درست
انتخاب کنم.»



سخنرانی استاد دکتر عبدالله شمس پیرامون موضوع مزایده، در آیین تجلیل ایشان

مزایده؛ مسأله‌ای فراگیر

در این نشست ابتدا دکتر زاهدیان ریاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد درباره جایگاه دکتر عبدالله شمس به عنوان پدر علم آیین دادرسی مدنی ایران گفت: جایگاه ویژه‌ای که آقای دکتر شمس در حوزه آیین دادرسی دارند نقش بی‌بدیلی است، تألیفات استاد شمس و آثار علمی ایشان هم به لحاظ کیفیت و هم به لحاظ کمیت بدون اغراق تحول و انقلابی در ادبیات حقوقی کشور در حوزه آیین دادرسی مدنی ایجاد کرده است. تألیفات متعدد هم به لحاظ کیفیت و هم کمیت و پرداختن به جزئیات و فروعاتی که با توجه به دانش حقوقی و تجربه فراوان ایشان که در آثارشان می‌بینیم و اشرافی که استاد به مباحث حقوق تطبیقی دارند با توجه به سابقه تحصیلشان، ایشان را تبدیل به مهم‌ترین منبع و مرجع در حوزه آیین دادرسی مدنی برای جامعه حقوقی ما در دانشگاه و در حوزه وکالت و قضاوت کرده است.

در ادامه دکتر رسول مقصودپور استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ضمن خوشامدگویی به حضار و تشکر از استاد شمس برای حضور در این مراسم گفت: یکی از مهم‌ترین خدماتی که استاد به نظام حقوقی کشور داشته‌اند ایجاد نظام نوین آیین دادرسی مدنی با دو جلد جدید کتاب‌های اجرای احکام مدنی است، چون استاد با یک جامعیت و با یک پلان بسیار منظم همه مباحث و فروض مختلف را مطرح کردند و همان طور که یک نظم نوین در آیین دادرسی مدنی ایجاد کرده بودند حالا با دو جلد کتاب اجرای احکام مدنی در زمینه اجرای احکام مدنی هم دوباره این اتفاق افتاد.

مزایده به عنوان بحثی مبتلا به

در ادامه مراسم دکتر عبدالله شمس در مورد موضوع مزایده به ایراد سخنرانی پرداخت. وی گفت: امروزه مزایده بحثی واقعاً مبتلا به شده است. تا پیش از سال ۵۷ وقتی بحث از مزایده مطرح می‌شد که علیه شخصی حکمی در دادگاه صادر و لازم الاجرا می‌شد و در اجرای حکم اموال او بازداشت شده و به فروش می‌رفت و فروش به صورت مزایده بود بنابراین بخش کمی از مردم با مزایده سرو کار داشتند یا حقوقشان در مزایده مطرح می‌شد اما با تصویب و لازم الاجرا شدن قانون افراز املاک مشاع که جریان ثبتی آن‌ها خاتمه یافته بحث مزایده گستره زیادی پیدا کرد و وارد زندگی تمام مردمی شد که ملکی مشاع داشتند و شریک یا شرکای آنها نه حاضرند سهمشان را بفروشند و نه سهم آن‌ها را بخرند و نه حاضرند همه بفروشند و پولش را تقسیم کنند و به ناچار به اداره ثبت مراجعه می‌کنند و اداره ثبت می‌گوید این ملک قابل افراز نیست مثلاً یک آپارتمان ۱۰۰ متری قابل افراز نیست و به دستور قانون افراز املاک مشاعی که ذکر شد این ملک باید در مزایده به فروش برسد و پول را به نسبت سهمشان تقسیم کنند و بنابراین اشخاص زیادی با این مشکل روبه‌رو می‌شوند.

مزایده و حراج یکی است

اولین بحث در مزایده این است که مزایده چه تفاوتی با حراج دارد؟ مزایده و حراج یکی است و هیچ تفاوتی ندارند حداقل در مقررات هیچ تفاوتی ندارند و در فرهنگ دهخدا نیز، حراج کلمه‌ای عربی نیست و لغتی است که مصریان قدیم استفاده می‌کردند و به همین

مفهومی که ما اکنون به کار می‌گیریم: مزایده، یعنی مال یا خدمتی را که می‌خواهیم به بالاترین قیمت به فروش برسد به معرض عموم می‌گذاریم و هرکس بالاترین قیمت را داد او را برنده اعلام می‌کنیم. اگر مالی بخواهد مورد مزایده قرار گیرد اگر طرفین روی قیمت توافق ندارند باید توسط کارشناس، کارشناسی شود قیمت آن مشخص شود البته نظر کارشناس قابل اعتراض است و قیمت که مشخص شد قیمت پایه می‌شود و آگهی مزایده علی‌القاعده در روزنامه درج می‌شود و عموم می‌توانند در جلسه مزایده که تاریخ روز محل و ساعت آن مشخص شده شرکت نمایند و آنجا هرکس بالاترین قیمت را داد برنده اعلام می‌شود. ماده ۱۲۹ قانون اجرای احکام این را پیش‌بینی می‌کند اما بحثی که می‌خواهم مطرح کنم این است که تخلفاتی که در جریان مزایده انجام می‌شود از زمانی که ملک بازداشت می‌شود آگهی مزایده درج می‌شود مشخصات ملک یا مال در مزایده درج می‌شود جلسه مزایده گذاشته می‌شود و برنده اعلام می‌شود و سند انتقال به نام برنده مزایده صادر می‌شود یا اگر مال منقول است مال مورد مزایده به او داده می‌شود و بعد از آن یک نفر می‌گوید یک جای این کار اشکال دارد، چگونه باید رسیدگی شود؟

تکلیف دادگاه برای صدور سند اجرایی

بعضی اقدامات واقعا باید به طرف ذینفع ابلاغ شود و از تاریخ ابلاغ مهلت اعتراض داد ولی خیلی از اقدامات ابلاغ نمی‌شود و حتی خود روز و ساعت تاریخ مزایده ابلاغ نمی‌شود بنابراین اگر تخلفاتی در مزایده انجام شود که معمولاً هم به ضرر محکوم علیه است و بعد هم یک هفته تمام شود، تکلیف چیست؟ دو نظر افراطی و تفریطی وجود دارد: یک نظر افراطی که مستند به قانون است می‌گوید مهلت اعتراض همان یک هفته است و بعد از آن دعوا را استماع نمی‌کند چون خارج از مهلت است و به این توجه نمی‌کند که این تخلف وارد هست یا نه؟ و نظر دوم این است که اگر مثلاً کارشناس ملک را زیر قیمت ارزیابی کرده و آگهی مزایده درج شده و ملک در مزایده به فروش رفته و سند انتقال اجرایی هم صادر شده و بعد چندین دست هم نقل و انتقال پیدا کرده و بعداً آخرین منتقل الیه یا یک ذینفع دیگر متوجه شود که در جریان مزایده تخلف صورت گرفته می‌تواند در دادگاه طبق ماده ۱۴۲ اعتراض کرده و دادگاه اگر اعتراض را وارد دید اقدامی را که خلاف مقررات انجام شده ابطال می‌کند و دستور مقتضی صادر می‌کند و همه نقل و انتقال‌هایی که صورت گرفته با همان دستور دادگاه ابطال می‌شود، این نظر نیز قابل قبول نیست و نظر من این است که قانونگذار در ماده ۱۴۲ می‌گوید دستوری که دادگاه صادر می‌کند در قبول یا رد اعتراضی که به جریان مزایده و عملیات اجرایی می‌شود، این دستور قطعی است اما ماده ۱۴۳ به کمک ما می‌آید که می‌گوید: دادگاه در صورت احراز صحت جریان مزایده دستور صدور سند انتقال را به نام خریدار می‌دهد و این دستور قطعی است، یعنی اگر جریان مزایده انجام و کسی اعتراض نکرد دادگاه باید دستور صدور سند انتقال اجرایی را بدهد ولی در صورتی که صحت جریان مزایده را احراز کند.

نکته این است که حتی اگر تخلفاتی در جریان مزایده از ابتدا تا انتها انجام شود و هیچ ذی‌نفعی به آن اعتراض نکند دادگاه مکلف است زمانی که می‌خواهد دستور صدور سند انتقال اجرایی را بدهد تمام جریان بازداشت ارزیابی مزایده و غیره را بررسی و اگر خلاقی در آن نبود دستور صدور سند اجرایی بدهد و این دستور قطعی است.

آن دسته دوم که نظرشان این بود که در هر زمانی اعتراض را وارد می‌دانستند به این استناد می‌کنند که چون دادگاه دستور تنظیم سند انتقال اجرایی را داده است دستور قابل عدول است و اصل این حرف درست است. قانونگذار می‌گوید دستور قطعی است اما قابل عدول است و منظور از قطعی یعنی که قابل شکایاتی که نسبت به رای می‌کنند نیست یعنی قابل تجدیدنظر و فرجام و اعاده دادرسی و اعتراض ثالث نیست اما قابل عدول است. بنابراین دادگاهی که جانشین دادگاه مثلاً ۲۰ سال قبل است که این کار را کرده است از دستور تنظیم سند انتقال اجرایی عدول می‌کند و ابطال می‌کند اما حرف من این است که می‌شود از دستور عدول کرد، اما دو تا قید دارم: اول این که اگر دادگاه از دستور عدول کرد به نظر من تخلف انتظامی اش محرز است و یا وقتی دستور را داده پرونده را خوب نخوانده یا حالا که عدول کرده خوب نخوانده مگر این که امر حادثی پیش آمده باشد که بتوان از دستور عدول کرد که اینگونه تخلف محسوب نمی‌شود و دیگر این که از دستور زمانی می‌توان عدول کرد که دستور اجرا نشده باشد، مثلاً اگر دادگاه دستور تجدید جلسه دادرسی را بدهد و بعداً بخواهد از دستور عدول کند اگر جلسه تشکیل نشده می‌تواند عدول کند و اگر جلسه تشکیل شد دیگر نمی‌تواند عدول کند چون دستور داده و جلسه هم تشکیل شده بنابراین دادگاه می‌تواند از

آیین بزرگداشت دکتر عبدالله شمس روز چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۷ با حضور اساتید و دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی مشهد در محل آمفی تئاتر این دانشکده برگزار شد.

۶۶

دکتر شمس:

دادگاه مکلف است

زمانی که می‌خواهد

دستور صدور سند

انتقال اجرایی را بدهد

تمام جریان بازداشت

ارزیابی مزایده و غیره را

بررسی و اگر خلاقی در

آن نبود دستور صدور

سند اجرایی بدهد



۶۶

دکتر مجتبی زاهدیان:

تألیفات متعدد و

پرداختن به جزئیات و

فروعاتی که در آثارشان

می‌بینیم، ایشان را

تبدیل به مهم‌ترین

منبع و مرجع در حوزه

آیین دادرسی مدنی

برای جامعه حقوقی ما

در دانشگاه و در حوزه

وکالت و قضاوت کرده

است.

دستور صدور سند انتقال اجرایی عدول کند در صورتی که سند انتقال اجرایی صادر نشده باشد. حاصل کلام که در کتاب اجرای احکام نیز گفته‌ام، این است که اگر در جریان بازداشت، مزایده و ارزیابی تخلفی صورت گیرد دو حالت دارد: یا ذینفع از این تخلف آگاه می‌شود و در ظرف مهلت ۷ روز اقدام می‌کند که دادگاه رسیدگی می‌کند و اگر آگاه شد و اعتراض نکرد یا آگاه نشد دو حالت دارد: اگر دادگاه دستور سند انتقال اجرایی را صادر نکرده باشد وقتی تخلف صورت گرفته نباید دستور را صادر کند از این نظر می‌گوییم اگر شکایت خارج از مهلت هم مطرح شود و دادگاه هنوز دستور صدور سند انتقال اجرایی صادر نکرده این شکایت در واقع تذکر است و دادگاه نباید دستور را صادر کند، اما اگر دستور صادر شده و هنوز سند انتقال اجرایی صادر نشده من معتقدم که باز هم می‌تواند عدول کند.

صندوق حمایت یا زحمت؟



اما غیرقابل تحمل تر زمانی است که بدانیم مدیران ادوار مختلف صندوق و هیأت مدیره کانون ها با علم به اینکه همکاران از وضع موجود رضایت ندارند اما هیچ تلاشی در جهت رفع این ظلم نکرده و اقدامی در جهت حذف تبصره یک ماده پنج ننموده اند.

البته ممکن است استدلال گردد که اگر این ضمانت اجرا وجود نداشته باشد ممکن است همکاران از پرداخت اقساط صندوق امتناع نموده و نهایتاً منجر به ورشکستگی صندوق گردد؛ که در پاسخ به این شبهه باید گفت از آنجایی که به موجب مواد ۱۱ و ۱۲ قانون تشکیل صندوق حمایت و ماده ۵ آیین نامه مذکور تجدید پروانه سالانه وکلا و نیز بهره مندی از مزایای بازنشستگی برای وکلایی که تقاضای بازنشستگی می کنند منوط به ارائه مفاد حساب پرداخت حق بیمه می باشد، تکلیف همکاران به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه ۲۵ درصد به هیچ وجه منصفانه نبوده و ضرورتی ندارد.

اما ایراد اساسی دیگری که بانوان وکیل مشمول قانون صندوق حمایت را بسیار نگران کرده، تبصره ۲ ماده ۱۹ آیین نامه ماده ۸ قانون تشکیل صندوق است که به موجب آن فرزندان بیمه شده زن، فقط به شرط آنکه پدر آنان در قید حیات نبوده و تحت کفالت وی (وکیل بانو) باشند می توانند از مستمری فوت بهره مند گردند.

به عبارتی اگر خانم وکیلی که ۳۰ سال حق بیمه را به صندوق حمایت پرداخته است فوت نماید در حالیکه قبلاً از همسر خود جدا شده باشد یا شوهرایشان شرایط مندرج در بند ۲ ماده ۱۹ را نداشته باشد و اما دارای فرزندان صغیری باشد، فرزندان ایشان از حقوق متصوره محروم گردیده و در واقع وکیل مذکور در حالی که ۳۰ سال حق بیمه پرداخت کرده است فرزندان صغیری و هیچ بهره ای از مزایای صندوق نخواهند برد.

البته براساس ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در خصوص میزان حقوق یا مستمری زوجه دائم متوفی و فرزندان و سایر ورثه قانونی وی و نحوه تقسیم آن در تمام صندوق های بازنشستگی اعم از کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی و سایر صندوق های خاص (از جمله صندوق حمایت وکلا) که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، برخی از نقایصی که متوجه بانوان وکیل شده بود، به لطف و همت نمایندگان مجلس مرتفع گردید که اگر منتظر اقدام مدیران صندوق و کانون ها بودیم می بایستی همچنان شاهد تبعیض و بی عدالتی بین ورثه وکلای آقا و خانم می بودیم.

به موجب بند ۳ ماده ۴۸ قانون مذکور فرزندان اناث در صورت نداشتن شغل یا شوهر و فرزندان ذکور تا سن ۲۰ سالگی و بعد از آن منحصراً در صورتی که معلول از کار افتاده نیازمند باشند یا اشتغال به تحصیلات دانشگاهی داشته باشند حسب مورد از کمک هزینه اولاد، بیمه و مستمری بازماندگان با حقوق وظیفه والدین خود برخوردار می گردند که بر این اساس تفاوتی بین ورثه مرد یا زن بیمه شده وجود ندارد.

۱) تبعیض فاحش بین قضات و کارمندان اداری بازنشسته که در اجرای ماده ۸ لایحه استقلال پروانه وکالت اخذ می نمایند با وکلای حرفه ای که از ابتدا به شغل وکالت روی آورده اند، به طوری که نامبردگان پس از بازنشستگی از سمت های قبلی و با

صندوق حمایت وکلا با هدف حمایت از وکلا و کارگشایان دادگستری تأسیس گردیده، در مسیر تشکیل با فراز و نشیب های گوناگونی مواجه بوده است.

اولین بار در ماده ۱۲ آیین نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب تیرماه ۱۳۴۱ که

به تصویب وزیر وقت دادگستری رسیده بود، وکلا مکلف گردیدند موقع پرداخت مالیات، معادل نصف آنچه بابت مالیات می پردازند برای صندوق تعاون وکلا به حسابداری دادگستری بپردازند که در پایان هرماه به کانون وکلای دادگستری پرداخت شود.

براساس آیین نامه ای که شش سال بعد توسط کانون وکلای دادگستری تنظیم و به تصویب وزارت دادگستری رسید تعهدات صندوق، پرداخت مساعده به معلولین و وکلای بیمار با شرایط خاصی تعیین شد.

اما در ۱۳۵۰/۲/۱۴ قانون تشکیل صندوق تعاون وکلا و تأمین هزینه های کانون وکلای دادگستری جایگزین آیین نامه مذکور شد و وظیفه این صندوق به کمک به وکلای دادگستری و کارگشایان در زمان پیری، از کار افتادگی و کمک به بازماندگان آنان و پرداخت مساعده به وکلای بیمار توسعه یافت. اما حمایت های صندوق به موجب این

قانون نیز به گونه ای نبود که رضایت وکلای دادگستری را جلب نماید. چرا که در مقایسه با سایر صندوق های حمایتی، مشمولان از حقوق بازنشستگی، از کار افتادگی و دریافت مستمری توسط بازماندگان برخوردار نبودند.

نهایتاً در تاریخ ۱۳۵۵/۱۰/۲۵ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری به تصویب مجلس شورای ملی و دو سال بعد یعنی در تاریخ ۱۳۵۷/۳/۹ اساسنامه صندوق حمایت وکلا به تصویب شورای تأمین اجتماعی رسید، اما آیین نامه اجرایی این قانون با تأخیر حدود ۲۰ ساله و پس از اصلاح ماده ۸ قانون در سال ۱۳۷۵، در تاریخ ۱۳۷۷/۱۲/۵ به تصویب هیأت وزیران رسید و صندوق حمایت وکلا در سال ۱۳۷۸ شروع به فعالیت نمود.

با این حال آنچه از قانون و آیین نامه و اساسنامه صندوق در عمل حاصل شد این بوده است که صندوق حمایت برخلاف نامش، نه تن ها حمایتی از وکلا و کارآموزان نمی کند بلکه به جهاتی سوهان روح مشمولان گردیده و موج عظیمی از نارضایتی ایجاد نموده است، در این بین مهمترین عامل نگرانی وکلا، عدم اقدام مناسب قانونی مدیران صندوق و هیأت مدیره کانون ها و نمایندگانی است که از طرف کانون ها به مجامع معرفی می گردند که می توانند با ارائه پیشنهاد و اقدام جهت رفع ایرادات و تغییر اساسنامه و آیین نامه به نفع وکلا و کارآموزان موجب رفع نگرانی و نارضایتی باشند.

برخی ایرادات اساسی که باعث نارضایتی وکلا و کارآموزان گردیده است عبارتند از:



وجود دریافت حقوق بازنشستگی از دستگاه مربوطه می توانند با اخذ پروانه وکالت مشغول به کار شوند اما وکلای دادگستری با وجود آنکه می توانسته اند به شغل قضاوت بپردازند اما عاشقانه کار وکالت را از ابتدا انتخاب نموده اند اما به حکم ماده ۱۴ قانون تشکیل صندوق حمایت پس از بازنشستگی یا از کار افتادگی دیگر حق وکالت ندارند و بایستی پروانه خود را تودیع نمایند.

۲) براساس حکم ماده ۵ آیین نامه آیین نامه اجرایی ماده ۸ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان، حق بیمه سهم بیمه شده حداقل هر سه ماه یک بار باید به حساب صندوق نزد یکی از بانک های معرفی شده واریز گردد و به موجب تبصره یک ماده ۵ آیین نامه مذکور در صورت تأخیر در پرداخت، حق بیمه سهم بیمه شده در مدت معوق به میزان ده درصد مأخذ وصول حق بیمه محاسبه و دریافت خواهد گردید. که عملاً این افزایش از ۸ درصد به ۱۰ درصد یعنی ۲۵ درصد سود و خسارت تأخیر در پرداخت اقساط آن هم برای حتی یک روز تأخیر در پرداخت آن.

ملاحظه می گردد که وقتی اکثریت همکاران نسبت به اصل پرداخت اقساط به دلیل عدم حمایت کافی و نیز پوشش نداشتن بیمه خدمات درمانی رضایت ندارند، حکم تبصره یک ماده ۵ آیین نامه که خسارت تأخیر تأدیه ۲۵ درصد را پیش بینی کرده است به هیچ وجه قابل پذیرش از سوی همکاران محترم اعم از وکلا و کارآموزان نمی باشد.

۶۶

مهمترین عامل
نگرانی وکلا، عدم
اقدام مناسب
قانونی مدیران
صندوق و هیأت
مدیره کانون ها و
نمایندگانی است
که از طرف کانون ها
به مجامع معرفی
می گردند



قانون تشکیل صندوق
حمایت وکلا و کارگشایان
دادگستری
www.yon.ir/v/1gts



آیین نامه ماده (۸)
قانون تشکیل صندوق
حمایت وکلا و کارگشایان
دادگستری
www.yon.ir/v/1a8

نقد و بررسی فیلم عرق سرد

زنان پشت مرزها

«عرق سرد» فیلمی به کارگردانی و نویسندگی سهیل بیرقی و تهیه‌کنندگی مهدی دآوری محصول سال ۱۳۹۶ است. داستان فیلم درباره «افروزاردستانی» (باران کوثری) کاپیتان تیم ملی فوتبال زنان ایران است. با گل زنی افروز تیم ملی برای اولین بار به فینال بازی‌های آسیایی راه پیدا می‌کند و عازم مالزی می‌شود اما در فرودگاه افروز پی می‌برد که توسط شوهرش (امیر جدیدی) ممنوع‌الخروج شده است. فیلم عرق سرد را با اندکی تسامح می‌توان «یک اثر فمینیستی» نام نهاد که به بحث مشکلات زنان در ایران برای خروج از کشور می‌پردازد.

نقد و بررسی شکلی

همچون بسیاری از ساخته‌های تلویزیونی و سینمایی، ایرادهای حقوقی بسیاری در فیلم وجود دارد. فیلم‌نامه مشاور حقوقی ندارد، هرچند حتی در فیلم‌هایی که می‌دانیم از مشاور حقوقی بهره گرفته‌اند هم اشکال‌های جدی مشاهده می‌شود. دلیل این امر می‌تواند تعصب نویسندگان و کارگردان به متن و جدی نگرفتن تذکر مشاور باشد. همچنین ممکن است مشاور راهنمای مناسبی در مورد موضوع فیلم نبوده باشد.

ایراد مهم و کلیدی در فیلم عرق سرد در سکانسی به چشم می‌خورد که همسر افروز رضایت‌نامه رفع ممنوع‌الخروجی را پس از تنظیم پاره می‌کند و گویا همه چیز کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود. حال باید بدانیم که ماهیت این رضایت‌نامه چیست؟ اگر گواهی امضایی بوده که زنان شوهردار در زمان اخذ اولیه گذرنامه باید دریافت کنند، با پاره کردن آن به دلیل اینکه چیزی در دفتر ثبت، مندرج نمی‌شود، گواهی باید دوباره گرفته شود و پاره کردن برگه حاکی از انصراف زوج از اذن خود است که در این صورت ایرادی بر فیلم‌نامه وارد نیست. اما ما در سکانس‌های اولیه دیدیم که شخصیت زن داستان گذرنامه داشته اما از سوی همسرش ممنوع‌الخروج شده است. در اینجا اگر همسر پس از ممنوع‌الخروج کردن رضایت یا وکالتی به زوجه مبنی بر خروج از کشور داده باشد، با پاره شدن سند مشکلی برای زن ایجاد نمی‌شود و می‌تواند مجدداً به دفتر ثبت مراجعه کند و رونوشت آن را اخذ کند.

ایراد شکلی بعدی به جلسه دادگاه طلاق مربوط می‌شود؛ قاضی در حین رسیدگی بارها از اصل بی‌طرفی به عنوان یک اصل مسلم در حقوق خارج می‌شود، برای مثال خطاب به زوج می‌گوید: «شما نه خرجی نمی‌دهی، نه کمک می‌زنی...»

قاضی در جلسه دادگاه سعی بر ایجاد صلح و سازش دارد که رویکردی مثبت است اما در همین حین اعلام می‌کند که اگر در این جلسه حکم طلاق صادر نشود، زن می‌تواند از کشور خارج شود. درحالی‌که در فیلم مشاهده می‌شود، طلاق به درخواست زوجه و طلاق یک‌طرفه بوده است. بنابراین حتی در فرض صدور رأی به نفع زوجه و توافق نکردن زوجین برای طلاق توافقی بحث رفع ممنوع‌الخروجی منتفی است، زیرا امکان اعتراض به رأی در دو مرحله تجدیدنظر و فرجام خواهی وجود دارد. پس از قطعیت حکم طلاق است که زن می‌تواند نسبت به جاری نمودن صیغه طلاق و ثبت آن و سپس رفع ممنوع‌الخروجی خود اقدام کند.

نقد و تحلیل ماهوی

بسیاری از نقدهای منتشر شده درباره فیلم عرق سرد، اصرار دارند آن را فیلمی «غیر فمینیستی» و «اجتماعی» جلوه دهند؛ امری که می‌تواند از کج‌فهمی یا بدفهمی

نسبت به «فمینیسم» در ایران و موضع‌گیری در برابر آن، بدون آشنایی کامل با موازین فکری این جنبش، ناشی شده باشد.

اگر فمینیست را «جنبشی برای به دست آوردن حقوق برابر با مردان برای زنان» بدانیم، این تعصب بر کلمه «فمینیستی» از بین می‌رود. نخله‌ها و گرایش‌های مختلف فمینیسم تنها یک چیز را بیان می‌کنند: مورد تبعیض قرار گرفتن، تجربه محرومیت و محدودیت زنان به دلیل جنسیت.

فیلم عرق سرد به یک معضل اجتماعی، حقوقی و فمینیستی اشاره می‌کند: محرومیت زن از خروج کشور یا لزوم کسب اجازه خروج از کشور به دلیل جنسیت. اولین بار زنان در سال ۱۳۴۲ شمسی وارد مجلس قانونگذاری شدند؛ اما با مذاقه در مسیر قانونگذاری و آمار نمایندگان زنی که از سال ۱۳۴۲ به مجلس راه پیدا کرده‌اند متوجه می‌شویم که قوانین ما همواره در یک مجلس قانونگذاری مردانه به تصویب رسیده است. مجلسی که با از دغدغه‌ها و رنجش زنان از نابرابری‌های موجود بی‌اطلاع بوده یا تمایلی به تغییر قانون نداشته است.

قانون گذرنامه در سال ۱۳۵۱ به تصویب رسیده است. در ماده ۱۸ این قانون برای سه گروه از افراد شرط کسب رضایت برای اخذ گذرنامه گذاشته شده است: اشخاص کمتر از ۱۸ سال (که غیربالغ محسوب می‌شوند) کسانی که تحت ولایت یا قیمومیت هستند (غیررشد و محجور و مجنون) با رضایت ولی و قیم و بالاخره زنان شوهردار با کسب رضایت شوهر. زنان هر ۵ سال یک‌بار برای گرفتن گذرنامه جدید به این رضایت‌نامه نیاز دارند.

در ماده ۱۹ قانون گذرنامه، حق عدول همسر از رضایتی که قبلاً اعلام کرده است وجود دارد و فیلم عرق سرد درواقع نقدی بر همین ماده است.

طرح اصلاح ماده ۱۹ قانون گذرنامه مصوب سال ۱۳۵۱ توسط فراکسیون زنان مجلس تهیه و در سال ۹۶ به مجلس ارائه شده است. در این طرح که یک سال پس از اعلام وصول همچنان سرنوشتش در هاله‌ای از ابهام قرار دارد پیش‌بینی شده که برای سفر حج تمتع، شرکت در مسابقات و همایش‌های علمی، بین‌المللی و اقتصادی زنانی که به نمایندگی از سوی ایران شرکت می‌کنند و با تأیید مراجع ذی‌ربط و موافقت دادستان می‌توانند از کشور خارج شوند.

این طرح هم اشکالات زیادی دارد؛ برای مثال اگر تأیید مراجع حاصل نشد (مانند موضوع فیلم) چه وضعیتی در انتظار زنان است؟ اگر زنی با هزینه شخصی و بدون آن که نماینده رسمی ایران باشد قصد شرکت در همایشی را داشته باشد، چه می‌شود؟

اذن و اجازه خروج از کشور از قوانین مردسالاری نشأت می‌گیرد که مرد را ولی، صاحب‌اختیار، قیم و سرپرست زن معرفی می‌کند. آیا زن امروز را می‌توان موجودی محجور و صغیر و نیازمند مداخله در تصمیم‌گیری‌هایش

در نظر گرفت؟ این حق از قوانین مردسالارانه‌ای حکایت می‌کند که زن را موجودی تابع و در تمکین مرد و نیازمند حمایت و سرپرستی مطرح می‌کند.

فیلم عرق سرد از منظر فمینیسم پست‌مدرن، مانند هر نخله دیگری از فمینیسم که به نابرابری و محرومیت زن به دلیل جنسیت اشاره می‌کند، قابل

نقد و بررسی است: فمینیسم پست‌مدرن دلیل انقیاد زنان در سلطه مردان را در تمرکز گفتمان، قدرت و ذهنیت در جامعه مردسالار می‌داند.

در بسیاری از دیالوگ‌های فیلم ما شاهد این گفتمان و ذهنیت و قدرت مردانه حتی در ادبیات و گفتمان بازیگران زن در فیلم هستیم. «خانم نوری» (سحر دولتشاهی) در نقش سرپرست تیم ملی، محصول تفکر مردانه است: تبلور زنانی که پذیرفته‌اند باید مطابق میل و خواسته مردان رفتار کنند، کلیشه زن خوب را پذیرفته‌اند، جنس دوم بودن و حقارت و در درجه پایین‌تر بودن خود را پذیرفته‌اند. سرپرست تیم، نماینده زنانی بود که باور سلطه مردانه را به عنوان امری مسلم پذیرفته است و حتی به زن خط‌شکن داستان انتقاد می‌کند، او را توبیخ می‌کند، پشت سر هم جنس خود حرف می‌زند و رفاقت هیچ زنی با هیچ زنی را

بادوام نمی‌داند. لیلی رشیدی در نقش وکیل مدافع هرچند به عنوان یک وکیل پویا و فعال معرفی شده، اما همچنان کلیشه «وکیل‌ها آدم‌های خوبی نیستند و به دنبال منافع خود هستند» را بازتولید می‌کند؛ موجی که چندین سال است که در رسانه‌های تصویری شروع شده و عرق سرد هم از آن بی‌نصیب نمانده است.

او وکیلی است که به جای وقت گرفتن از دادستان و استفاده از ظرفیت‌های قانونی، مصاحبه با شبکه‌های خارجی را انتخاب می‌کند و کمپین می‌سازد. گفتمان وکیل حتی در قسمتی از فیلم به گفتمان مردسالارانه تغییر پیدا می‌کند؛ وقتی که به موکل خود می‌گوید: «نمی‌شود از دادستان وقت بگیریم، او مرد است، برو و راضی‌اش کن، سیاست داشته باش». «سیاست» در این گفتمان به معنای یادگرفتن قواعد بازی برای کمتر کردن سلطه مردانه است که درنهایت به کسب حقوق طبیعی زنان منجر می‌شود.

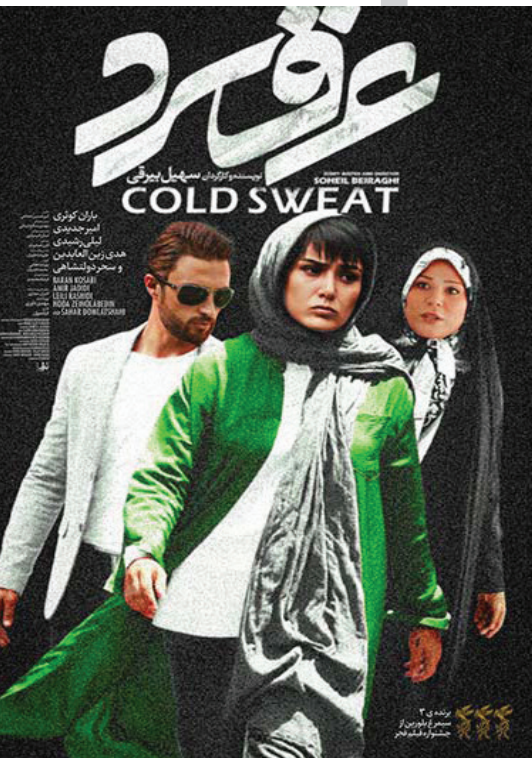
تجمع قدرت در نظام مردانه و قانون مردانه در گفتمان یاسر (امیر جدیدی) نیز مشهود است، وقتی که اعلام می‌کند: «این اجازه‌ای است که قانون به من داده و می‌خواهم از آن استفاده کنم». این جمله بیانگر قدرت مردانه و سوءاستفاده از قدرتی است که قانون به مرد داده است.

سکانس آخر فیلم زن قهرمانی را به تصویر می‌کشد که هم همسر است هم مادر و هم قهرمان و در همه این نقش‌ها موفق است. کلیشه «زن خوب» که از قهرمان داستان عرق سرد فاصله بسیاری دارد. این الگوی مطلوب گفتمان و ذهنیت مردسالارانه از زن است: کامل بودن در همه چیز، و درعین حال تحت سلطه و در اختیار مردان بودن.

نویسنده:

فرزانه واحد

وکیل پایه یک دادگستری



۶۶

ایراد مهم و کلیدی

در فیلم عرق سرد در

سکانسی به چشم

می‌خورد که همسر

افروز رضایت‌نامه

رفع ممنوع‌الخروجی

را پس از تنظیم پاره

می‌کند و گویا همه چیز

کان‌لم‌یکن تلقی

می‌شود

هما داودی در گفتگو با وکلا:

مدیرانی می خواهیم که از تکنولوژی نترسند



وکلا با سلام و سپاس، کلیت همایش اسکودا را چطور دیدید؟ چون واقعیت این است که ما خیلی بی خبریم.

همایش اسکودا از دید ما هم نقاط قوت و هم نقاط ضعفی داشت که به هر حال باید هر کدام در جای خود ارزیابی شود.

وکلا آن طور که من در سوابق شما می دیدم، شما پیشنهاد دهنده و طراح اصلاح اساسنامه اسکودا بودید. اساسنامه ای که در این همایش مطرح شد طرح شما بود یا نه؟

سؤال خوبی مطرح کردید. اتفاقاً فکر می کنم این موضوع جای بحث دارد و باید در اتحادیه بنشینیم و در این باره صحبت کنیم.

استارت اصلاح اساسنامه را این بار من زدم، به خاطر این که اشکالی ساختاری در اتحادیه می دیدیم و فکر می کردم تا آن اشکال برطرف نشود نمی توانیم به یک اتحادیه چابک دست پیدا کنیم. بر اساس طرح و ایده من، مصوبه ای از شورای اجرایی بهمن ماه ۱۳۹۵ گرفتیم و قرار شد که در همایش تهران اساسنامه اصلاح شود. کارگروه تشکیل شد، متن را هم آماده کردیم. همایش به میزبانی کانون مرکز که قرار بود اردیبهشت برگزار شود در مرداد برگزار شد. با همه این احوال، ما متن را آماده کردیم. در تعطیلات سال نوروی آن کار کردیم و به کانون ها فرستادیم. اصل طرح و ایده من این بود و کارگروه من هم روی این کار می کرد که نیابت ها و پست های نیابت رییس را در اساسنامه تبدیل به «معاونت» کنیم. این تغییر ساختاری باعث می شود که هم از تمرکز قدرت در اتحادیه جلوگیری شود و هم تقسیم کار انجام شود. ما نمی توانیم تمام وظایف اتحادیه و اسکودا، اعم از مشکلات ملی، چالش هایی که مرتباً نوع به نوع پدید می آید، مسائل داخلی خود اتحادیه، هماهنگی کانون ها و... را از یک نفر که رییس اتحادیه است

بخواهیم و توقع داشته باشیم بتواند همه را انجام دهد. در نظام مدیریتی امروز اصلاً قابل قبول نیست که یک نفر بخواهد همه این ها را انجام دهد.

در حال حاضر بر طبق اساسنامه نایب رییس ها زمانی می توانند فعال باشند که یا رییس امری را به آن ها ارجاع کند، یا رییس غایب باشد که در این صورت نیابت به نایب رییس اول و چنانچه هر دو نبودند به نایب رییس دوم واگذار می شود. طرح من این بود که این نیابت ها به معاونت تبدیل شود؛ تقسیم کار شود و هر بخشی از کار به عهده یک معاون قرار بگیرد. این معاون دیگر مثل نایب رییس نیست که هر زمان مورد ارجاع قرار گرفت فعال شود بلکه باید در اتحادیه حضور فعال داشته باشد. استارت کار اینطور زده شد. منتها در همایش تهران فقط ضرورت اصلاح اساسنامه تصویب شد و اجازه ندادند متن مطرح بشود، در حالی که هیچ جای اساسنامه نگفته که اول باید ضرورت تصویب شود و بعد در اجلاس بعدی، خود مواد اصلاحی، مورد بحث قرار بگیرد. در همایش اهواز هم که انتخابات بود، عملی نشد و به همایش تبریز موکول شد و می شود گفت که کلاً به محاق رفت. آقای دکتر شهنازی نیا که تشریف آوردند دوباره گفتند که اساسنامه باید اصلاح بشود اما این اصلاحاتی بود که ماهیتاً مد نظر من نبود و در این حد بود که سالی یک یا دوبار مطرح می شد و یا هیئت حل اختلافی تشکیل می شد که ضمانت اجرای رسیدگی آن هم اصلاً معلوم نبود و به طور کل می توان گفت که از دستور کار خارج شد.

دو بحث اینجا مطرح است؛ یکی اینکه اگر دستور کار هم خارج نمی شد، این ها ماهیتاً اصلاحاتی نبود که من به دنبال آن بودم و مورد دیگر اینکه چرا چیزی که در دستور کار قرار می گیرد باید از دستور کار خارج شود؟ چیزی که در دستور کار قرار می گیرد، حتماً باید کارشناسی شده باشد و اگر کارشناسی شده، دیگر چرا از دستور کار خارج می شود.

وکلا چیزی که مشخصاً ایجاد نگرانی کرده بود، ماده ۲۱ اصلاحی بود که به نوعی می خواست با مکانیسمی، مصوبات اسکودا را برای کانون ها الزام آور بکند.

نه اصلاً چنین چیزی نیست. اگر ما

خوب به کارکرد اتحادیه دقت بکنیم، این نگرانی مطلقاً جایی نداشت. این ماده ۲۱ اصلاحی که همان طور که گفتم ایده من هم نبود، گفته بود که ما باید توصیه کنیم که مصوبات را رعایت کنند و اگر کانونی رعایت نکرد به هیئت حل اختلاف گزارش شود تا آن ها رسیدگی کنند، ولی نگفته بود این رسیدگی چگونه صورت می گیرد و چه ضمانت اجرایی دارد و یا چه اتفاقی برای کانونی که مصوبات را اجرا نکند خواهد افتاد. در واقع ضمانت اجرایی نگذاشته بود. نهایتاً هم امری توصیه ای بود.

من ساختار اتحادیه و کانون ها را به ساختار حقوق بین الملل تشبیه می کنم؛ قواعد حقوق بین الملل قواعد تبعیت نیست، قواعد همکاری است و کشورها از روی نزاکت بین المللی با هم همکاری می کنند. در اتحادیه کانون های ما هم هیچ الزامی وجود ندارد که بخواهند از مصوبات اتحادیه پیروی کنند ولی از روی خرد جمعی به خاطر اینکه مصوبات قوت بیشتری داشته باشد و بتوانند در مقابل چالش های بیرونی بایستند، به این همکاری و به این قواعد، به صورت توصیه ای عمل می کنند.

وکلا شما همیشه در استفاده از ابزارهای نوین و خدمات الکترونیکی پیشگام بوده اید؛ چه فعالیت هایی که در کانون البرز داشتید و چه در اسکودا، چیزی که معمولاً در برابرش مقاومت شده است. آیا شما قائل به این هستید که ما در جامعه وکلا مشکل شکاف نسل ها را داریم و مدیریت کانون ها نیاز به جوان شدن و به روز شدن دارند؟

صرف جوان بودن خوب نیست و صرف مسن و پیر بودن هم بد نیست. این ها هیچ کدامشان به تنهایی نباید ارزیابی شوند. ما مدیرانی می خواهیم که فکرشان به روز باشد، قدرت مدیریت داشته باشند و ایده های نو را اجرا کنند، از تکنولوژی نترسند، از مدرن کردن مدیریت و مجموعه شان نترسند، آینده نگر باشند، راهبردی فکر کنند، استراتژی داشته باشند. ما چنین مدیرانی می خواهیم و می توانیم هم در میان جوان ها و هم در مسن ترها آن ها را پیدا کنیم.

وکلا این آسیبی را که در اثر مقاومت در برابر الکترونیکی کردن خدمات و استفاده از ابزارهای نوین ایجاد شده یا می شود را چطور ارزیابی می کنید؟

این مورد جدا از جامعه نیست. در کل جامعه ما همیشه یک «تکنوفوبیا» وجود داشته است. هر وقت تکنولوژی آمده، آن را به طریقی به رمل و جادو و سحر متصل کرده ایم. ما در ابتدا به تکنولوژی مشکوکیم در حالی که بعد آن را می پذیریم. مثلاً همین تلفن همراه وقتی اول وارد این مملکت شد، همه فکر می کردند که چقدر ممکن است خطرناک باشد ولی الان دست همه هست.



تغییر رویکرد دولت در استفاده از وکلای دادگستری

آیین نامه «ساماندهی حق الوکاله و حق المشاوره خدمات وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی در دستگاه های اجرایی»

۱) مورد معین

در این حالت، دستگاه های دولتی می توانند برای یک مورد خاص با وکلای دادگستری قرارداد منعقد کنند، بر اساس ماده ۲ حق الوکاله اصولاً به میزان مقرر در آیین نامه تعرفه حق الوکاله و ... مصوب ۱۳۸۵ تعیین می شود، ولی تبصره ذیل همین ماده اجازه داده است تا در «موارد خاص»، «متناسب با اهمیت موضوع و حجم کار و بهای خواسته در دعاوی مالی» حق الوکاله به میزان بیشتر از مقرر در آیین نامه تعرفه حق الوکاله نیز پرداخت شود، البته در آیین نامه مرجع یا شیوه تعیین «موارد خاص» بیان نشده است، و باید قائل بر این شد که در هر مورد که با پرداخت حق الوکاله مازاد بر میزان تعرفه موافقت شود، آن مورد از موارد خاص بوده است، تصویب و پرداخت حق الوکاله در «موارد خاص» به دو شکل انجام می شود:

۲) مدت معین

ماده ۳ آیین نامه حداکثر مدت قرارداد با وکلا را یک سال تعیین کرده که قابل تمدید است، سیاق ماده و تبصره ذیل آن به گونه ایست که اصولاً وکیل طرف قرارداد در مدت قرارداد مکلف به انجام امور وکالتی سازمان دولتی در ازای مبلغ ثابت مقرر در قرار خواهد بود و فقط در صورت تصریح در قرارداد ممکن است «در مورد هر دعوی چنانچه حکم نهایی به نفع دولت صادر گردد و محکوم علیه به تأدیه حق الوکاله محکوم و حق الوکاله مربوط وصول شود، تا پنجاه درصد آن از محل اعتبار مصوب مربوط، به وکیل یا وکلایی که در دعوی مداخله داشته اند، پرداخت شود»، بر این اساس و برخلاف قرارداد های مودی، وکلایی که با قرارداد های مدت معین حداکثر یک ساله با دولت همکاری می کنند نهایتاً می توانند علاوه بر مبلغ ثابت قرارداد خود تحت شرایط خاص پیش بینی شده در تبصره ذیل ماده ۳ آیین نامه به میزان نیمی از حق الوکاله بر مبنای آیین نامه تعرفه حق الوکاله و ... مصوب ۱۳۸۵ را آن هم پس از وصول از محکوم علیه و واریز به خزانه و از محل اعتبارات سازمان مربوطه دریافت کنند.

آیین نامه مصوب ۱۳۹۷ مشخص نکرده است که اجرت وکیل در قرارداد های مدت معین بر چه اساس تعیین می شوند، بند ۵ تصویب نامه ۱۳۴۵ تعیین حق الوکاله یا حق المشاوره ماهانه در قرارداد های معین را بر عهده هیات وزیران گذاشته بود، ماده ۶ تصویب نامه ۱۳۵۷ هم تعیین آن را بر عهده وزیر دادگستری و وزیر امور اقتصادی و دارایی و وزیر مربوطه قرار داده بود.

ممکن است سکوت در مورد میزان اجرت وکیل در قرارداد های مدت معین به تسری اطلاق ماده ۲ آیین نامه منجر شود و مبلغ قرارداد بر اساس آیین نامه تعرفه حق الوکاله و ... مصوب ۱۳۸۵ تعیین شود، حق المشاوره وکیل در آیین نامه تعرفه حق الوکاله و ... اصولاً «حق الوکاله ماهانه» نه در آیین نامه تعرفه حق الوکاله و ... ذکر شده است و نه اصولاً با طبیعت کار وکالت در دعاوی تناسب دارد، وکیل دادگستری مخصوصاً برای دخالت در دعاوی مالی فارغ از توافقی که با موکل دارد توسط خود دولت مکلف به ابطال تمبر مالیاتی به میزانی حداقل معادل مقرر در آیین نامه تعرفه حق الوکاله و ... می شود، حال فرض کنید یک وکیل دادگستری با سازمانی دولتی قراردادی یکساله و با مبلغی ثابت منعقد کند و در طول این یک سال دعاوی متعدد با خواسته های مالی به او ارجاع شود، در این حالت وکیل با شرایطی مواجه خواهد شد که نه تنها برای کار خود اجرتی دریافت نکرده است بلکه چیزی هم از جیب خود به موکل - که دولت است - پرداخته است!

هیات وزیران در جلسه ۱۳۹۷/۹/۱۸ خود بنا بر پیشنهاد معاونت حقوقی رییس جمهور «آیین نامه ساماندهی حق الوکاله و حق المشاوره خدمات وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی در دستگاه های اجرایی» را تصویب کرد.

سابقه؛ صرفه جویی دولت در پرداخت حق الوکاله

پیش از این مقررات دیگری در مورد شیوه استفاده دستگاه های دولتی از خدمات وکلای دادگستری تصویب شده بود، آخرین آن بخشنامه شماره ۴۴۲۵۳/۲۷۴۳۳ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۰ معاون اول رییس جمهور بود، صدر این بخشنامه در تبیین مقصود از تصویب آن آمده بود «به منظور ساماندهی استفاده دستگاه های اجرایی از خدمات حقوقی اشخاص حقیقی و حقوقی و در اجرای بخشنامه شماره ۱۵۰۸۸ / ۴۴۲۵۳ مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۵ و برای کاهش هزینه های جاری دولت، موارد زیر جهت اجرا ابلاغ می شود»، بند ۳ بخشنامه نیز پرداخت حق الوکاله مازاد بر تعرفه را کلاً ممنوع اعلام کرده بود و از سوی دیگر در بند یک همین بخشنامه بر استفاده از «نمایندگان قضایی تأیید صلاحیت شده» توسط سازمان های دولتی در اقامه و پیگیری دعاوی تأکید شده بود که نهایتاً در صورتی که در پیشبرد دعوی مؤثر می بودند مستحق دریافت معادل نصف حق الوکاله به عنوان حق الزحمه بر اساس قانون اجازه پرداخت پنجاه درصد از حق الوکاله های وصولی به نمایندگان قضایی و کارمندان مؤثر در پیشرفت دعاوی دولت مصوب ۱۳۴۴ می شدند.

رویکرد جدید دولت؛ پذیرش صرفه استفاده از وکلای دادگستری در برابر هزینه حق الوکاله

بر این اساس رویکرد دولت در بخشنامه مصوب ۱۳۹۰ ظاهراً صرفه جویی و کاهش هزینه های جاری دولت از طریق محدود کردن استفاده از وکلا و همچنین محدود کردن پرداخت حق الوکاله به آنان در حد تعرفه مقرر در آیین نامه مصوب ۱۳۸۵ بوده است، ولی این طور که پیداست در پی اتخاذ این سیاست امروز دولت به این نتیجه رسیده است که استفاده از وکلای دادگستری در اقامه و دفاع از دعاوی و پرداخت میزان واقعی ما به ازای خدمات آنان را نباید به عنوان یک هزینه زائد بلکه به عنوان وسیله ای برای تأمین حداکثری منافع دولت نگاه کند.

ماده یک آیین نامه مصوب ۱۳۹۷ به دستگاه های دولتی اجازه داده است تا به دو شکل از خدمات وکلای دادگستری استفاده کنند:



الف) اگر حق الوکاله تا پنج برابر نصاب معاملات کوچک موضوع بند (۱) ماده (۳) قانون برگزاری مناقصات باشد، با تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی ب) اگر حق الوکاله بالاتر از مبلغ موضوع بند (الف) تا پنج برابر نصاب معاملات متوسط موضوع بند (۲) ماده (۳) قانون برگزاری باشد با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرایی و تأیید هیاتی مرکب از معاون حقوقی رییس جمهور (رییس)، وزرای دادگستری و امور اقتصادی و دارایی، رییس سازمان برنامه و بودجه کشور (یا یکی از معاونان آنان) و حسب مورد بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی ربط به موجب تبصره یک ماده ۳ قانون برگزاری مناقصات «وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است در ابتدای هر سال نصاب معاملات را بر اساس شاخص بهای کالاها و خدمات اعلام شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، جهت تصویب به هیات وزیران پیشنهاد نماید»، هیات وزیران برای سال ۱۳۹۷ نصاب معاملات کوچک را ۲۵۰ میلیون ریال و نصاب معاملات متوسط را ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال تعیین کرده است.

بنا بر این در سال ۱۳۹۷ انعقاد قرارداد وکالتی با دولت با مبلغ حق الوکاله به میزان ۷ و نیم میلیارد تومان

نویسنده:

فرزانه صفری

وکیل پایه یک دادگستری



۶۶

ماده آیین نامه مصوب ۱۳۹۷ به دستگاه های دولتی اجازه داده است به دو شکل از خدمات وکلای دادگستری استفاده کنند:

۱. مورد معین

۲. مدت معین



آیین نامه «ساماندهی حق الوکاله و حق المشاوره خدمات وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی در دستگاه های اجرایی»
www.yon.ir/v/ahv

دکتر رضا معبودی در نخستین جلسه حقوقی هفته پژوهش:

چالش های نظام حقوقی ایران در روش های دوستانه حل اختلافات



نویسنده:
فرناز محمدیان



۶۶

طرق
جایگزین

حل اختلاف به اشخاص اجازه می دهد روشی انتخاب کنند که اولاً اراده آنها در گزینش روش، موثر باشد و ثانیاً کیفیت حل اختلاف را به نحوی که می خواهند قرار دهند.

۶۶

در سایر نظام های حقوقی برای طرق دوستانه حل اختلاف مانند میانجیگری، رسیدگی های مختصر، کارشناسی و غیره مقررات وضع شده و مورد حمایت اجرایی قرار گرفته است

امروزه روش های جایگزین حل اختلاف و طرق غیرقضایی در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا به عنوان راهکار موثر حل و فصل اختلافات به کار می رود. باتوجه به اهمیت مسئله در نظام حقوقی کشور، نخستین جلسه از سلسله جلسات هفته پژوهش ۲۴ آذرماه در دانشگاه فردوسی مشهد به همین موضوع اختصاص یافت و دکتر رضا معبودی، استادیار دانشگاه فردوسی و وکیل پایه یک دادگستری، به سخنرانی حول این محور پرداخت که با استقبال مخاطبین مواجه شد. ایشان با طرح یک سوال سخن خود را آغاز کرد: «تظلم خواهی نزد دادگاه های دولتی از حقوق اولیه هر شخصی است اما آیا واقعا وضعیت مراجعات اشخاص به دادگستری دولتی مطلوب و بهینه است؟ آیا به طور کلی از ارجاع دعاوی به محاکم دولتی رضایت عمومی وجود دارد؟ قطعاً پاسخ منفی است. دستگاه قضا هرچند که بسیار برنامه ریزی شده عمل کند، با ۱۷ میلیون پرونده نمی تواند به نتیجه مطلوب دست یابد.

متأسفانه آن قدر تفکر دولتی بر ما حاکم شده است که احساس می کنیم مرجع رسیدگی لزوماً باید تحت کنترل حاکمیت باشد. اما اگر تحت حاکمیت حکومت نباشد چه پیش خواهد آمد؟ در برهه ای از زمان این تفکر حاکم بود که بسیاری از عرصه ها - که بعدها در اثر قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش خصوصی واگذار شد - خصوصی شدنی نیستند. در بسیاری نظام ها این عرصه ها خصوصی شدند و وضعیت بهینه و مطلوبی ایجاد کردند و در نهایت دولت را در جایگاه واقعی حاکمیتی خود قرار دادند».

دکتر معبودی درمورد هدف از ایجاد این طرق گفت: «طرق جایگزین حل اختلاف یا ADR (Alternative Dispute Resolution) درصدد خصوصی سازی

حل اختلاف برآمده است تا اجازه دهد اشخاص با صلاح دید و برخی مولفه های مدنظر خود اقدام به انتخاب روشی نمایند که اولاً اراده آنها در گزینش روش، موثر باشد و ثانیاً کیفیت حل اختلاف را به نحوی که می خواهند قرار دهند. رسیدگی به دعاوی در دادگاه های حقوقی موضوعات بسیار متنوعی را شامل می شود. مگر یک شخص تا چه اندازه می تواند بر موضوعات مختلف، تسلط و تعمق داشته باشد تا به خوبی به پرونده رسیدگی کند؟ طبق آمار، ورودی پرونده ها به شعبه های دادگاه های حقوقی به طور متوسط ۲۰۰ پرونده در ماه است که باید در حدود ۲۵ روز کاری مورد رسیدگی قرار گیرد. حال آن که سابقه نداشته است پرونده ای در ۲۵ روز مورد رسیدگی قرار گیرد و مختومه شود. در دعاوی کیفری - که جنبه های حاکمیتی برجسته است - آیین نامه میانجیگری کیفری مصوب شده است. در دعاوی حقوقی که جنبه حاکمیتی و نظم عمومی کم رنگ تر از دعاوی کیفری است، باید از این شیوه های جایگزین بهره ببریم».

وی هم چنین به معرفی مختصر طرق دوستانه حل اختلاف پرداخت: «در سایر نظام های حقوقی برای طرق دوستانه حل اختلاف مانند میانجیگری، رسیدگی های مختصر، کارشناسی و غیره مقررات تبیین شده و مورد حمایت اجرایی قرار گرفته است. میانجیگری یا سازش به عنوان یکی از اصلی ترین طرق حل اختلاف است که در نظام های حقوقی مختلف مورد استفاده قرار می گیرند. آن چه که تحت عنوان سازش و میانجیگری داریم عبارت است از این که طرفین اختلاف خود را از سوی یک شخص ثالث و به طریق مصالحه حل و فصل نمایند و نتیجه تا زمانی که مورد تراضی طرفین قرار نگیرد، الزام آور نباشد.

برخی از نظام ها تفاوتی میان سازش و میانجیگری در نظر نمی گیرند. برخی دیگر تفاوت ظریفی میان این دو بیان

کردند که در میانجیگری میانجی باید برای ایجاد مصالحه میان طرفین طرح و پروپوزال داشته باشد در حالی که در سازش، سازش دهنده منفعل است و طرح سازش توسط خود طرفین پیشنهاد می شود تا در نهایت به نتیجه مسالمت آمیز ختم شود. از نظر قانون نمونه آنسیترال تفاوتی میان سازش و میانجیگری وجود ندارد. کارشناسی از دیگر طرق است. کارشناسی هم از طرق توافقی و هم از طرق دوستانه محسوب می شود. وقتی ماهیت اختلاف طرفین صرفاً جنبه فنی دارد و طرفین اختلاف حقوقی با یک دیگر ندارند، می توانند به کارشناس مراجعه کنند و به طریق دوستانه یا الزام آور حل و فصل کنند. مورد بعدی، رسیدگی های مختصر است؛ طرفین اختلاف به شخص ثالثی مراجعه می کنند و ثالث میان طرفین جلسه محاکماتی برگزار می کند اما منجر به صدور هیچ گونه رای نمی شود و صرفاً طرفین وضعیت یک دیگر را از لحاظ قوت ادله می سنجند و تصمیم می گیرند که با این اوضاع و احوال وارد رسیدگی توافقی بشوند یا خیر. اکثر این رسیدگی ها منجر به سازش طرفین می شود.

مزیت طرق دوستانه حل اختلاف (به جز داوری) در این است که با طرق توافقی حل اختلاف قابل جمع هستند. در روش مذکور این ریسک وجود دارد که طرفین نگران درزا اطلاعاتی باشند که بعداً علیه خودشان استفاده شود. قطعاً برای تضمین حقوق طرفین در این زمینه وجود مقررات لازم است».

دکتر معبودی با بررسی موردی هر یک از طرق مذکور در نظام حقوقی ایران گفت: «در نظام حقوقی ایران درمورد طرق دوستانه حل اختلاف، جزاً سکوت مطلق و جزاً نقص مقررات داریم؛ برای مثال در قانون آیین دادرسی تاحدی به سازش پرداخته شده است. طبق قانون، سازش زمانی الزام آور است که در دادگاه طرح شده باشد. قواعد سازش آنسیترال همچنان مورد پذیرش ایران واقع نشده است به همین دلیل در حال حاضر مراجعه به سازش دوباره کاری محسوب می شود؛ چرا که نهایتاً حاصل سازش در حد یک قرارداد خواهد بود و باید به دادگاه مراجعه شود تا به نتیجه برسد.

قانون نمونه درمورد اعتبار اجرایی سازش نامه معتقد است نظام حقوقی که بر این مبنا رسیدگی می کند، می تواند برای سازش نامه اعتبار اجرایی

پیش بینی کند. متأسفانه سازش نامه در قانون ایران از اعتبار اجرایی برخوردار نیست. قانون نمونه آنسیترال حتی در راستای نگرانی مراجعین درمورد از دست دادن مهلت، بحث توقف مرور زمان را مطرح کرده است؛ طبق این قانون زمانی که فرآیند سازش یا میانجیگری آغاز می شود، مرور زمان متوقف است تا زمانی که سازش دهنده یا میانجی اعلام شکست کند. در قانون ایران چنین امری پیش بینی نشده است.

وضعیت کارشناسی هم در کشور ما وضعیت مشابهی دارد و طریق مستقلی شناخته نشده است؛ چرا که صدور اجرائیه برای آن ممکن نیست. در نظام حقوقی ما کارشناس صرفاً ابزاری در اختیار دادگاه است تا جهات فنی موضوع را احراز کند و البته برای دادگاه الزامی نیست.

قانون ما به دادرسی مختصر نیز نپرداخته است. سایر نظام های حقوقی، تضمیناتی را برای جلب اطمینان طرفین در نظر گرفته اند، نخست اینکه قانون نمونه سازش بین المللی درمورد حفظ اسرار تجاری و تجار و بازرگانان صراحتاً بیان کرده است که اطلاعات مربوط به سازش باید توسط طرفین، وکلای آنها، مطلعین در جلسه و سازش دهنده محرمانه تلقی شود. هرچند ضمانت اجرا جبران خسارت مالی است اما صرف وجود آن می تواند باعث جلب اعتماد طرفین شود. دوم، مطابق مقررات آنسیترال، ادله ای که در جریان رسیدگی طرح می شود قابلیت طرح در داوری یا دادرسی در دادگاه متعاقب را ندارد. البته باید ثابت شود که طرف مقابل قبلاً به این اسناد دسترسی نداشته و در جریان سازش از آن مطلع شده است. کلیه اظهارات و اقاریر طرفین در جریان سازش، قابل تمسک نیست».

ایشان به عنوان جمع بندی اظهار داشت: «متأسفانه در ایران بسیاری از اشخاص بر اساس پیش شرط حل اختلاف در قراردادهای، در محاکم طرح دعوا می کنند و با اولین ایراد خواننده، دعوا رد می شود؛ چرا که طبق اصل لزوم عقود، ابتدا باید طرف مقابل به مذاکره دعوت شود و باید اظهارنامه ای وجود داشته باشد که البته همین امر کفایت نمی کند و ابزاری در دست خواننده است تا اجازه ندهد قفل به جریان افتادن دادرسی گشوده شود. لذا در صورت درج چنین پیش شرطی در قراردادهای، باید بازه زمانی جهت مذاکره قید شود.



افزایش ظرفیت و کاهش داوطلبان

آزمون وکالت ۱۳۹۷ برگزار شد

آزمون وکالت سال ۱۳۹۷ صبح روز جمعه ۹ آذرماه جاری در سراسر کشور به طور همزمان برگزار شد. افزایش زمان پاسخگویی به سوالات، تعیین بالاترین ظرفیت پذیرش در همه ادوار آزمون وکالت و توقف روند فزاینده تعداد داوطلبان از ویژگی های «آزمون پذیرش متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت کانون های وکلای دادگستری ایران در سال ۱۳۹۷» یا به زبان ساده همان آزمون وکالت ۹۷ هستند.

افزایش زمان پاسخگویی به سوالات

زمان پاسخگویی به سوالات آزمون امسال ۱۳۵ دقیقه، یعنی ۱۵ دقیقه بیشتر از سال های قبل بود. رئیس اسکودا این افزایش زمان را «پاسخی به درخواست های داوطلبان آزمون» و برای «افزایش دقت و آرامش آن ها در پاسخگویی به سوالات» اعلام کرده بود.

افزایش ظرفیت پذیرش در بیشتر کانون های

در آزمون امسال کل ظرفیت اعلام شده برای کانون های سراسر کشور در بالاترین حد ادوار گذشته به میزان ۳۰۸۰ نفر بود که نسبت به ظرفیت آزمون سال ۹۶ (۲۴۶۰ نفر) حدود ۲۵ درصد افزایش نشان می داد. در واقع به جز دو کانون چهار محال و بختیاری و گلستان که تصمیم بر کاهش ظرفیت گرفتند و دو کانون آذربایجان شرقی و همدان که ظرفیت اعلامی آن ها تغییری نداشت، سایر کانون ها به شکل چشمگیری ظرفیت خود را افزایش دادند که در این میان ظرفیت پذیرش کانون قم با افزایش بیش از ۲۰۰ درصدی از ۳۰ نفر در آزمون سال ۹۶ به ۱۰۰ نفر در آزمون سال ۹۷ رسید و همین مساله از سوی دیگر باعث اقبال زیاد داوطلبان به این کانون و افزایش دوبرابری ثبت نام کنندگان در کانون قم شد. دکتر شهبازی نیا دلیل این افزایش ظرفیت را «ایجاد امید و انگیزه در جوانان» عنوان کرده بود؛ هرچند که به نظر می رسد فشارهای برخی مخالفان آزمون وکالت

که در یکی دو سال اخیر به اوج خود رسیده است نیز در این تصمیم گیری ها بی تأثیر نبوده است.

کاهش شرکت کنندگان در آزمون وکالت ۹۷

در مجموع ۷۲۶۱۶ نفر داوطلب شرکت در آزمون وکالت ۹۷ شده بودند که این تعداد علی رغم افزایش کلی ظرفیت پذیرش کارآموز، نسبت به سال گذشته حدود ۳۶۰۰ نفر یعنی تقریباً ۵ درصد کاهش نشان می دهد، این کاهش در تعداد شرکت کنندگان آزمون وکالت ۹۷ در حالی رخ می دهد که دست کم از آزمون

جدول تعداد شرکت کنندگان و ظرفیت آزمون های وکالت ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۰

کانون	آزمون وکالت ۱۳۹۰	آزمون وکالت ۱۳۹۱	آزمون وکالت ۱۳۹۲	آزمون وکالت ۱۳۹۳	آزمون وکالت ۱۳۹۴	آزمون وکالت ۱۳۹۵	آزمون وکالت ۱۳۹۶	آزمون وکالت ۱۳۹۷
مرکز	۱۱۴۴۳	۱۲۲۰	۱۳۲۰۷	۱۰۰۰	۱۹۰۱۳	۱۲۵۰	۱۵۸۰۲	۱۰۰۰
اسنان های تهران، سمنان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان	۹۱ و ۹۰	۹۱ و ۹۰	۹۱ و ۹۰	۹۱ و ۹۰	۹۱ و ۹۰	۹۱ و ۹۰	۹۱ و ۹۰	۹۱ و ۹۰
آذربایجان شرقی	۲۳۴۸	۶۰	۲۸۵۱	۲۰۰	۳۷۸۷	۲۰۰	۳۷۸۷	۲۰۰
فارس و کهگیلویه	۳۳۵۵	۱۶۰	۳۱۲۴	۱۶۰	۳۳۲۷	۱۶۰	۳۳۲۷	۱۶۰
اصفهان	۲۹۱۶	۱۸۰	۲۹۳۳	۱۸۰	۲۹۳۳	۱۸۰	۲۹۳۳	۱۸۰
آذربایجان غربی	۸۷۲	۸۷۲	۱۸۱۱	۷۵	۲۱۰۶	۵۴	۲۱۰۶	۵۴
مازندران	۱۲۲۱	۵۰	۱۰۸۸	۶۰	۱۲۸۹	۵۲	۱۲۸۹	۵۲
خراسان (جنوب، رضوی، شمالی)	۲۰۶۱	۱۰۰	۲۳۳۱	۱۱۰	۲۳۵۴	۱۲۰	۲۳۵۴	۱۲۰
گیلان	۱۳۵۷	۵۰	۱۳۹۸	۵۰	۱۶۵۹	۴۰	۱۶۵۹	۴۰
قزوین	۱۰۱۴	۴۰	۸۵۵	۶۰	۱۲۹۰	۶۴	۱۲۹۰	۶۴
خوزستان	۱۲۱۳	۳۵	۲۷۱۳	۱۰۰	۲۷۱۳	۱۰۰	۲۷۱۳	۱۰۰
کرمانشاه و ایلام	۱۱۱۶	۴۰	۱۱۱۶	۴۰	۱۲۷۲	۴۰	۱۲۷۲	۴۰
همدان	۶۳۵	۳۵	۷۲۷	۴۰	۸۸۵	۳۵	۸۸۵	۳۵
قم	۴۲۱	۲۵	۴۱۳	۲۵	۴۲۸	۲۰	۴۲۸	۲۰
کردستان	۵۶۶	۲۱	۹۸۵	۴۰	۸۸۴	۴۰	۸۸۴	۴۰
گلستان	۷۱۵	۲۱	۹۷۸	۵۰	۱۸۸۷	۴۵	۱۸۸۷	۴۵
اردبیل	۷۶۸	۳۰	۷۹۹	۲۵	۱۰۲۳	۳۰	۱۰۲۳	۳۰
مرکزی (اراک)	۴۵۱	۲۵	۴۶۰	۱۵	۷۱۴	۲۵	۷۱۴	۲۵
بوشهر	۱۵۱۰	۶۰	۱۳۰۳	۷۵	۱۱۱۹	۴۰	۱۱۱۹	۴۰
زنجان	۵۱۲	۳۰	۵۱۳	۳۰	۶۳۴	۳۰	۶۳۴	۳۰
لرستان	۱۰۱۵	۴۰	۱۱۱۶	۴۰	۹۷۶	۴۰	۹۷۶	۴۰
کرمان	۹۴۴	۳۰	۹۴۴	۳۰	۱۲۲۲	۳۰	۱۲۲۲	۳۰
البرز	۲۱۹۰	۸۰	۲۱۹۰	۸۰	۲۱۹۰	۸۰	۲۱۹۰	۸۰
چهار محال و بختیاری	۷۲۶	۲۵	۷۲۶	۲۵	۷۲۶	۲۵	۷۲۶	۲۵
یزد	۲۳۸۸	۸۵	۲۳۸۸	۸۵	۲۳۸۸	۸۵	۲۳۸۸	۸۵
ایلام	۳۶۷۲	۲۲۸۱	۴۵۶۵۸	۲۵۵۴	۵۹۱۰۳	۳۸۱۴	۵۵۵۱۸	۲۵۷۰
جمع	۳۰۸۰	۷۲۶۱۶	۲۴۶۰	۷۲۶۱۶	۱۷۰۰	۶۹۶۲۰	۲۲۱۳	۶۴۵۲۸

حاشیه های

آزمون وکالت ۹۷ در کانون وکلای

دادگستری ایلام

اختصاص ۱۵ دقیقه وقت بیشتر به آزمون وکالت امسال در کانون وکلای ایلام با حاشیه هایی همراه شد.

در نخستین ساعات پس از پایان آزمون وکالت در برخی کانال ها و گروه های تلگرامی نوشته ای منتشر شد که نام نویسنده یا نویسندگان آن مشخص نبود، در این متن چنین آمده است که پس از پایان زمان آزمون، برخی از داوطلبان با طرح این ادعا که ۱۵ دقیقه زمان بیشتر باید برای آزمون در نظر گرفته شود به پاسخگویی ادامه دادند، در حالی که سایر داوطلبان پاسخنامه های خود را تحویل داده و محل امتحان را ترک کرده اند.

رئیس کانون وکلای دادگستری ایلام در واکنش به این ادعاها اظهار کرد مشکلی با کیفیتی که در برخی کانال های تلگرامی طرح شده در آزمون وکالت کانون ایلام رخ نداده و آزمون در سلامت کامل برگزار شده است. اما از دیگر سو مصطفی نعمت، نماینده سازمان سنجش آموزش کشور در دانشگاه ایلام تأیید کرد که بعد از تحویل گرفتن برگه های داوطلبان، در برخی کلاس ها تعدادی از شرکت کنندگان همچنان در حال پاسخگویی به سوالات بوده اند.

او اظهار داشت که تخلف رخ داده در حدی نبوده است که روی نتیجه آزمون اثرگذار باشد زیرا اولاً این افراد که حدوداً سی چهل نفر بودند، در حدود هفت هشت دقیقه بیشتر از سایرین زمان داشتند و ثانیاً در میان سروصدا و اعتراضات سایر داوطلبان عملاً امکان تمرکز و دقت در پاسخگویی نداشتند.

در عین حال آقای نعمت با تأکید بر این که صورتجلسه کامل این آزمون به سازمان سنجش منعکس شده است افزود: سازمان سنجش از ما، نماینده سازمان، حفاظت آزمون و کارشناس ها گزارش اخذ کرده و در مجموع همه این ها در جلسه ای بررسی و جمع بندی خواهد شد. زمان اعلام تصمیم سازمان در این خصوص مشخص نیست.

۶۶

در آزمون امسال کل

ظرفیت اعلام شده

برای کانون های

سراسر کشور در

بالاترین حد ادوار

گذشته بود که

نسبت به ظرفیت

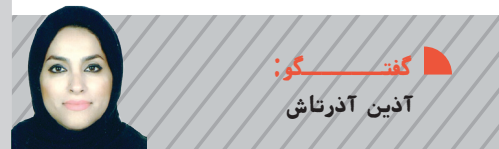
آزمون سال ۹۶

حدود ۲۵ درصد

افزایش نشان می داد

نیره عابدین زاده
معاون دادستان مشهد
در گفتگو با وکلا:

کودکی دوران رشد، آموزش و بازی است



گفتگو:

آذین آذرتاش

خانم نیره عابدین زاده، متولد مشهد و فارغ التحصیل دانشکده علوم قضایی تهران در حال حاضر معاون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان رضوی است که سمت هایی چون قاضی تحقیق در استان گیلان، دادیار دادسرای عمومی و انقلاب تهران، دادیار دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، دادیار حوزه پیشگیری از وقوع جرم مشهد را در کارنامه کاری خود دارد و نیز دارای حدود ۱۹ سابقه فعالیت در قوه قضاییه می باشد. وی در سال ۱۳۸۱ با دکتر عبدالله خدابخشی از اساتید و نویسندگان برجسته حقوقی کشور ازدواج کرده است. وقتی بخواهیم راجع به پدیده کودک همسری بگوییم و بنویسیم، قطعاً خانم عابدین زاده یکی از اولین کسانی است که نامش به ذهن متبادر می شود، و دست کم در سطح استان خراسان کسی به اندازه وی مخصوصاً با توجه به مسئولیت قضایی که دارد، در این حوزه خبرساز نبوده است، به همین جهت با ایشان به گفتگو پرداخته ایم:

پدیده کودک همسری را چطور تعریف می کنید و پیامدهای آن از نظر شما چه می تواند باشد؟

«عقد ازدواج دختر زیر ۱۳ سال و یا پسر زیر ۱۵ سال که بدون اجازه دادگاه و بدون رعایت مصلحت انجام شود، تحت عنوان پدیده کودک همسری تعریف می شود. در قانون مدنی ماده ۱۰۴۱ نیز ازدواج زیر این سنین مشروط تعریف می گردد. تغییرات قانون در زمان های متفاوت و تغییر سن ازدواج نوعی توجه به نیازها و مطالبات جامعه بوده است که البته این تغییرات بعضاً نتوانسته نیاز جامعه را تأمین کند. اینگونه ازدواج ها معمولاً در شرایط عرفی و معمول اتفاق نمی افتد. فقر فرهنگی، نیازهای اقتصادی، عرف مناطق و عدم اطلاع نسبت به قانون را می توان از جمله علل این پدیده عنوان کرد.

ما در علم حقوق اصلی داریم تحت عنوان «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست» و باید دید نوع انتشار قوانین ما، البته قوانینی که رویکرد اجتماعی دارند در وضع موجود برای افراد عادی جامعه و نه حقوقدانان، آیا تأمین کننده نیاز آنها به علم و آگاهی کافی به قوانین است؟ کودک دوانی است که کودک باید به رشد، آموزش، بازی، تفریح و... بپردازد و ولی و یا سایر افرادی که سرپرستی کودک را برعهده دارند، وظیفه حفظ و نگهداری از کودک را در این دوران برعهده دارند. حال کودک که در معرض ازدواج زودهنگام بدون توجه به نیازهای طبیعی دوران کودک قرار می گیرد در واقع این دوران طلایی خود را از دست داده و در شرایط ناعادلانه نسبت به سایر کودکان جامعه قرار می گیرد. نه در ردیف بزرگسالان است نه در جامعه کودکان دیگر جایی دارد. وظایف و تکالیف خانوادگی ناشی از ازدواج بر او بار می گردد و این تعارض قاعدتاً زمینه ساز آسیب های اجتماعی متعدد خواهد شد.

رویه فعلی برای صدور اجازه ازدواج کودکان و نوجوانان در دادگاه ها چگونه است و در این خصوص چه مسائلی مورد توجه قضات قرار می گیرد؟

«متأسفانه بیشتر محاکم با این پدیده مواجه می شوند که عقد شرعی و غیررسمی انجام شده و خانواده ها برای ثبت آن مراجعه می کنند. حال یا برای بارانه مواجه با مشکل می شوند یا محضر آنها را برای ثبت واقعه ازدواج به دادگاه را همراهی می کنند. لذا

۶۶ قاعدتاً خانواده پدری کودک که عوامل برگزاری مراسم بدون اطلاع مادر و حضور پدر بودند به نظر بنده بزه کودک آزاری را مرتکب شده اند

محاکم مواجه خواهند بود با این واقعه که عدم اجازه ازدواج باعث آسیب به دختر با توجه به عقد شرعی و مراودات پس از عقد می گردد و اجاه ازدواج نیز ممکن است با لحاظ رعایت مصلحت کودک سازگار نباشد.

سایر نهادهای حمایتی مانند سازمان بهزیستی و اورژانس اجتماعی در زمینه مقابله با آسیب های اجتماعی ازدواج کودکان با دادگستری تعامل قابل قبولی داشته اند؟ اقدامات این نهادها را چطور ارزیابی می کنید؟

«سایر ارگان ها در حال آمادگی جهت همکاری مؤثر می باشند. ولی به نظر من تا مطلوب خیلی فاصله داریم. بنده ملاحظه می کنم که تا کنون اقدام مؤثر و جدی و عملیاتی در جهت کنترل این آسیب صورت نگرفته است و کنترل این آسیب تنها با رویکرد مجازات گونه انجام نخواهد شد. باید اقدامات فرهنگی، اجتماعی، آموزشی در کنار برخورد قانونی خاصه در مناطق پر آسیب قرار گیرد.»

آیا در دادگستری خراسان رضوی برنامه و تشکیلات خاصی برای ساماندهی و حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض آسیب و یا آسیب دیده از ازدواج زودهنگام وجود دارد؟ اگر بله بازده و عملکرد آن را چطور ارزیابی می کنید؟

«سازمان یا تشکیلات خاصی وجود ندارد. ما سعی می کنیم از عمومات وظایف دادستان در کنترل آسیب های اجتماعی استفاده کنیم و آن را در قالب اقدامات کمیته ساماندهی زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی و در معرض آسیب تعریف کرده و اقداماتی را در جهت کنترل این آسیب انجام می دهیم.»

در مورد کودک ۹ ساله اخیر، از حیث قضائی چه اتفاقی برای مرتکبین این امر افتاد؟ آیا کسی تعقیب شد؟

«چون ازدواج این دختر به صورت صیغه بود، تا عقد دائم انجام شود، و نیز مواردی چون عدم حضور پدر جهت اجاره ازدواج و عدم اطلاع مادر از ازدواج وجود داشت لذا اقدام در زمان مناسب مانع آسیب گردید، این مورد چون بسیار خاص بود ما سعی کردیم از همکاری خانواده جهت کنترل آسیب استفاده کنیم. قاعدتاً خانواده پدری کودک که عوامل برگزاری مراسم بدون اطلاع مادر و حضور پدر بودند به نظر بنده بزه کودک آزاری را مرتکب شده اند. ولی اعلام این جرم جهت رسیدگی در محاکم با رعایت اصل مصلحت کودک در وقت مناسب انجام خواهد گردید.»

چه میزان گزارش های مشابه به دادستانی واصل می شود؟

«چون ما اقدامات آموزشی مناسبی برای اولیای دانش آموزان مناطق محروم داشتیم و نیز کارگاه های آموزشی برای بانوان حاشیه شهر جهت ممنوعیت های قانونی ازدواج دختران، لذا اطلاع و آگاهی مردم در حال گسترش است و مواردی جهت حمایت داشتیم چه از جانب دختران چه از ناحیه اعضای خانواده.

آنچه رسانه ها باید به آن توجه داشته

باشند، رعایت اصلی است که فکر کنم تمام قوانین و ضوابط حول محور آن تصویب و اجرا می گردد و آن هم رعایت حریم خصوصی افراد و احترام به حریم خصوصی و حمایت از آن... لذا رعایت این اصل باعث شد بنده تمام زوایای این ازدواج را که تقریباً ۳ ماه زمان برد تا وضعیت دختر به ثبات برسد را جزء حریم خصوصی او تلقی کرده و از اطلاع رسانی یا مصاحبه با خانواده کودک چه افرادی که همراهی کردند جهت کنترل آسیب و چه افرادی که عامل این واقعه بودند ممانعت نمایم که چه بسا رسانه ای کردن بیش از آنچه بنده اعلام کردم باعث نقض این حریم خصوصی می گردید. این واقعه یک نشانه داشت و آن هم اینکه ما توجه داریم به حقوق کودکان ولی تلاش برخی مطبوعات جهت اطلاعاتی خصوصی دختر و خانواده نه تنها اثری برای جامعه ندارد بلکه باعث نشانه گذاری آسیب بر روی یک کودک دختر کم سن می گردید که هیچ اخلاق و و قانونی آن را نمی پسندد.»

به نظر شما چه زمینه هایی باعث پیششازاری خراسان رضوی در کودک همسری شده است؟

«یکی از علل می تواند حضور مهاجرین و اتباع خارجی در استان باشد. همچنین ازدواج بانوان ایرانی با اتباع خارجی که ثبت نشده و متعاقباً باعث بدون هویت باقی ماندن کودکان و محرومیت کودکان از تحصیل و در نتیجه اجبار کودکان به ازدواج است. شیوه ازدواج زودهنگام زمینه ساز شکست قبح این اقدام شده و خطرناکیت به دیگر اقشار جامعه دارد. در بحث اتباع خارجی که در داخل کشور حضور دارند، خاصه در استان خراسان، که شاید بیشتر با این موضوع مواجه باشیم، بعضاً اینها احساس می کنند که وقتی در یک کشور دیگر زندگی می کنند، می توانند ازدواج ها را به عرف و سنت کشور خودشان انجام بدهند. حال آنکه بحث ازدواج جزء قواعد حاکمیتی کشور ما هست و باید منطبق بر مبانی قانونی کشور ما انجام شود و لذا در واقع با اطلاع و آگاهی ندارند و یا توجیه نشدند و شاید هم تا کنون برخوردهای خوبی با آنها صورت نگرفته که با توجه به انجام یک برخورد قاطع زمینه آگاهی دیگران به این موضوع می تواند فراهم شده باشد که بحث کودکان انقدر اهمیت دارد که ما به موقع و در زمان خودش راجع به آسیب های آنها وارد بشویم و اقدام به موقع انجام بدهیم و آنها را نجاتشان بدهیم. یکی دیگر از آسیب های بحث ازدواج های زودهنگام این است که وقتی که انجام می شود، جامعه احساس می کند مجبور است آن را قبول کند. بعد از مدتی همه آن را به فراموشی می سپارند و آن فرد می ماند و آسیب هایی که با آن مواجه می شود. یا آنها را تحمل می کند و صبر می کند ممکن است زندگی خوبی داشته باشد، ممکن است زندگی خوبی نداشته باشد ولی صبر کنند و ممکن است به جدایی کشیده بشود و یا آسیب های دیگری در کنار ازدواج بوجود بیاید. لذا ما تلاشمان این است که ازدواج ها آگاهانه باشند یعنی دختر و پسر به حدی از رشد عقلی و فکری برسند که بتوانند انتخاب آگاهانه ای را داشته باشند و زمانی نرسد که وقتی به بلوغ عقلی و فکری رسیدند، احساس ضرر کنند.»

واگویی‌های کودک همسران دیروز



گزارش
سیده نسرین حسین پور

مسئولیت سخت زندگی را برعهده ام گذاشتند. اکنون دختر بزرگش ۱۴ ساله است و خانواده اش می گویند عروسش کن ولی می گویند دخترم را عروس نمی کنم. می خواهم دخترم کودکی کند فرزند بزرگش پسری ۱۸ ساله است. پسری که سال ها رفتار پدر را دیده و حالا از او الگوبرداری می کند و می گویند پدرم نیز همین کارها را می کرده است. نفیسه می گوید سال ها درگیر اعمال همسرش بوده و حالا درگیر فرزندش است که از پدرش الگو گرفته و سختی ها تمامی ندارد. اکنون نفیسه در این کارگاه خوداشتغالی کار می کند.

مریم زن دیگری که در این کارگاه کار می کند و دل پر دردی دارد. می گوید: در ۱۴ سالگی او را به عقد مردی درآوردند که سال ها بزرگ تراز او بود و ۶ فرزند داشت. می پرسم راضی بودی و می گوید رضایت من تأثیری نداشت و اصولاً در اینجا دخترها تصمیم گیرنده نیستند خانواده ها قرار می گذارند و همه چیز تمام می شود. بسیار بزرگ تراز سنش به نظر می رسد، در ۴۰ سالگی موهایش تقریباً سفید شده است.

می گوید ۲۰ ساله بودم که دو فرزند پسر داشتم و همسرم فوت کرد و در ۲۱ سالگی با مردی هم سن و سال خودم ازدواج کردم و این بار فکر می کردم به آرزوهای خودم رسیده ام ولی کمی بعد، طلاق گرفتم، چون همسرم خشن بود و در خانه حبسم می کرد. بعد از آن هرگز ازدواج نکردم و مجبور بودم کار کنم. هر کاری کردم، از کارگری و ظرفشویی در رستوران ها گرفته تا خیاطی و اکنون که در این کارگاه خوداشتغالی کار می کنم.

می گوید در خیاطی مهارت دارد ولی به خاطر اینکه سواد و تحصیلات ندارد با حقوق بسیار اندکی او را استخدام می کنند. می پرسم به ادامه تحصیل فکر کرده ای و می گوید خیلی دوست دارم ولی از عهده مخارجش بر نمی آیم چون اکنون فرزندانم بزرگ شده اند و باید به فکر آینده و ازدواج آنها باشم. می گوید: دختر ندارم ولی اگر دختر داشتم در سن پایین عروسش نمی کردم.

در این کارگاه زنانی کار می کنند که همگی در کودکی به اجبار خانواده ها عروس شدند. می گویند: ما به فروش نرسیدیم، ولی قربانی خرافات و عقاید نادرست خانواده ها شدیم.

نبودم، ولی چاره دیگری نداشتم. می گوید در این گونه ازدواج ها رضایت دختر اهمیتی ندارد و حتی از رضایت او سوال نمی پرسند. وقتی خانواده ها و ریش سفیدان به وصلت رضایت دهند ازدواج صورت می گیرد. از کودکی آنها را به نام هم کرده بودند و وقتی ۱۳ ساله شد و همسرش ۱۸ ساله بود به عقد او درش آوردند. می گوید روزهایی که تازه ۱۳ ساله شده بود خانواده همسرش با پدرش صحبت کرده و پدر گفته که ما می خواهیم حلقه بیاوریم و پدر بدون صحبت با دختر اجازه داده بود که حلقه بیاورند و همان روزها قول و قرارها بین خانواده ها گذاشته شد و در مدت کوتاهی به خانه بخت رفته بود. از روزگار سختی می گوید که گذرانده و اشک در چشمانش حلقه می زند، به واسطه ازدواج ترک تحصیل کرده.

می گوید همسرش اعتیاد داشته و از همان اوایل ازدواج دائماً درگیر این موضوع بوده و سال ها با همسری معناد و بی مسئولیت زندگی کرده تا بعد از سال ها همسرش را ترک کرده است. می گوید همسرش علاوه

بر مصرف مواد افیونی، به زندگی خانوادگی هم متعهد نبوده و خیانت می کرده و مجبور بوده که با این موضوع نیز بسازد چون چاره دیگری نداشته و بعلاوه ۳ فرزند نیز داشته و نه تحصیلاتی داشته و نه مهارتی تا بتواند کار کند و به علاوه برای جدایی از طرف خانواده نیز حمایت نمی شده است؛ زیرا ازدواج در جایی که او زندگی می کند به معنی رفتن با لباس سفید و برگشتن با کفن است.

می پرسم در حال حاضر از زندگی راضی هستی می گوید: اکنون همسرم اعتیادش را ترک کرده و به زندگی نیز متعهد شده ولی بهترین سال های عمرم بسیار سخت و غم انگیز بوده و سال هایی که هم سن و سال های من مشغول بازی و تفریح و درس خواندن بودند من درگیر زندگی بسیار سخت بوده ام. از دنیای کودکی بیرونم آوردند و

برای دیدار با زنانی که در سنینی بسیار پایین تر از هجده سال ازدواج کرده اند به یک کارگاه خیاطی در حاشیه شهر می روم. در این کارگاه با نفیسه و مریم آشنا می شوم؛ زنانی با سن کم ولی تجربیات بسیار طولانی. همه زنانی که در این کارگاه به کار مشغولند در خردسالی و نوجوانی ازدواج کرده اند. اکنون همگی جوان هستند ولی چهره هایشان، بیشتر از سن واقعی شان نشان می دهد و به بانوان میانسال شباهت دارند.

نفیسه همراه با دختر کوچکش آنجاست. او از خاطرات تلخ سال های دور

می گوید. روزی را به خاطر دارد که در ۱۳ سالگی وی را به عقد مردی از فامیل درآوردند. می گوید: راضی به ازدواج

آیا آماری از تعداد کودکانی که دادگاه مجوز ازدواج آن ها را صادر کرده است، وجود دارد؟

«ما متأسفانه آمار دقیقی از ازدواج های اینچنین نداریم، بنا به چند دلیل؛ یکی اینکه خیلی از این ازدواج ها به هیچ عنوان ثبت نمی شوند و ترجیح می دهند به صورت عقد شرعی غیررسمی زندگی را ادامه بدهند. خیلی از اینها زمانی به ما مراجعه می کنند که عقد شرعیشان انجام شده و در واقع فقط برای اجازه ثبت ازدواج به محاکم مراجعه می کنند. محکمه مواجه می شود با عقد شرعی که انجام شده است و ۶ ماه، یک سال، دو سال، سه سال این زوج با هم زندگی کرده اند و بعد این مدت فقط برای گرفتن اجازه ثبت آن ازدواج مراجعه کرده اند.

ماجرای کودکی که از ازدواج او جلوگیری شد، جزئیات خاصی داشت و از ۹۷/۶/۶ که این اتفاق رخ داد دارای جزئیات و زوایای خاص و متفاوتی بود که قطعاً اخلاق حرفه ای ما به لحاظ حقوقی برای مردم متصور هستیم، اجازه طرح آن را نخواهد داد. چه حقوقی که برای شاکی و چه حقوقی که حتی برای متهم قائل هستیم. لازم به ذکر است که این اقدام چند بازخورد خوب و خوشایند داشت؛ یک اینکه مردم دانستند در آن ساعت از شبانه روز هم ما هستیم. دوم اینکه کسانی که این آسیب ها را اطلاع بدهند اسم آنها محرمانه خواهد بود یعنی در مواجهه با این موضوع باور بفرمایید که کسی غیر از بنده در خط مقدم قرار نگرفت و اجازه این را نداریم که نگرانی که اطلاع دادند، دلسوز بودند، پیگیر بودند، آسیبی بهشان وارد شود و ما خودمان خط مقدم بودیم و به عنوان مدعی العموم این امر را پیگیری کردیم. از طرف دیگر مردم راجع به این موضوع اطلاع پیدا کردند که فکر می کنم خیلی ها راجع به بحث کودک همسری مطلع نبودند و این اطلاع

رسانی پیام خوبی داشت طوری که بعد از آن گزارش های مشابه زیادی را دریافت کردیم که خیلی من را خوشحال کرد.»



ضرورت بسترسازی فرهنگی در کنار اصلاح قانون

با قانون اسلامی، قوانین ازدواج نیز مورد بازنگری قرار گرفت و سن ازدواج را برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۳ سال در نظر گرفتند. در دوره‌ای دیگر بر اثر مقاومت‌هایی که انجام شد سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال در نظر گرفته شد که با رعایت مصلحت کودک و اذن ولی به زیر ۱۳ سال هم می‌تواند برسد و برای پسران هم ۱۵ سال در نظر گرفته شد. به تازگی طرحی از سوی کمیسیون زنان مجلس شورای اسلامی تهیه شده که من نیز افتخار همکاری با این طرح را داشته‌ام و سن ازدواج را برای دختران ۱۶ سال تمام قرار داده است.

این طرح اتفاق خوبی است، هرچند می‌دانم که طرح کاملی نیست و در نهایت رسیدن به سن ۱۸ سال طبق قوانین بین‌المللی واقعاً منطقی و عادلانه است ولی با در نظر گرفتن شرایط کنونی و نبود بسترسازی مناسب، ارتقا از ۱۳ سال به ۱۶ سال نیز می‌تواند بسیاری از صدمات وارده به جسم و روان دختر بچه‌ها و پسر بچه‌ها را کاهش دهد و این گامی بزرگ است.

توصیه من در پروژه‌های تحقیقی و پژوهش اجتماعی همیشه این بوده که بهتر است که بسترسازی فرهنگی آماده شود و قانون را به آن پیوند دهید، اما چیزی که در عمل در رسیدگی به آسیب‌ها اتفاق می‌افتد این است که قانون تصویب می‌شود و دست نخورده باقی می‌ماند و برنامه حمایتی و برنامه پیشگیری و برنامه آموزشی در موردش اجرا نمی‌شود.

اگر بسترسازی فرهنگی پیش از تصویب قانون هم شروع نشود، حداقل باید هم‌گام و هم‌سو با اصلاح قانون موجود در دستور کار قرار گیرد، در غیر این صورت ممکن است صدمات زیادی را به ساختار

وکلا کدام استان‌های ایران بیشترین درگیری را با این مسئله دارند؟

استان خراسان رضوی در طی سال‌های متمادی بالاترین درصد ازدواج کودکان را دارا بوده و در رتبه بعدی آذربایجان شرقی قرار دارد. در سال‌های اخیر استان اردبیل یا استان زنجان جای خود را با استان آذربایجان غربی عوض کرده‌اند ولی منطقه خراسانات همواره در صدر ازدواج کودکان در ایران بوده است. این وضعیت از یک سو به دلیل بافت بسیار سنتی حاکم بر شهرستان‌ها و روستاهای این استان است و از سوی دیگر به دلیل قشر مهاجر ساکن در مشهد و حومه مشهد است، به علاوه مهاجران غیرایرانی که در آنجا با اتباع ایرانی ازدواج می‌کنند.

وکلا آقای احمدی طرح افزایش سن ازدواج که از چندی پیش در مجلس شورای اسلامی مطرح شده را چگونه می‌بینید؟ به نظر شما تصویب قانون برای پایان دادن به ازدواج کودکان کافی است؟

سن ازدواج در ایران در طول زمان دستخوش تغییرات زیادی بوده است؛ قبل انقلاب سن ازدواج ۱۸ سال برای دختران و ۲۱ سال برای پسران تعیین شده بود که البته چندان مجری نبوده و خیلی از خانواده‌ها از آن تبعیت نمی‌کردند. برای مثال اغلب هم‌نسلان پدران و مادران مادر سنی کم‌تر از آن چه در قانون در نظر گرفته شده بود ازدواج کرده‌اند و این نشان می‌دهد که قانون به تنهایی نمی‌تواند کارساز باشد.

بعد از انقلاب این قانون دستخوش تحولاتی شد و با مطرح شدن بحث انقلاب فرهنگی و تطبیق قوانین کشور

وکلا آقای احمدی در حال حاضر وضعیت کودک‌همسری را در ایران چگونه می‌بینید؟ با توجه به اینکه حضور زنان در عرصه‌های عمومی به مراتب بیشتر شده است، آمار کودک‌همسری سیر نزولی داشته است یا صعودی؟

ازدواج کودکان طبق جامعه آماری ما بیشتر در سه گروه اجتماعی دیده می‌شود: جامعه روستایی، حومه شهرهای بزرگ و خانواده‌هایی که ازدواج در سن پایین در آنها رایج است. بیشتر ازدواج‌های کودکان در مناطق روستایی اتفاق می‌افتد که از فقر اقتصادی و فرهنگی نیز رنج می‌برند. چنان که از آمارها پیداست ازدواج کودکان سال به سال کاهش نسبی داشته ولی همچنان به قوت خود باقی است و مثلاً در سنین ۱۲ تا ۱۶ سال در ده سال اخیر، معمولاً از یک درصد قابل توجهی کمتر نشده و مقاومت خود را در نمودارهای آماری نشان داده است. این به این معناست که این سنت همچنان قوی و پابرجاست و بنابراین مؤلفه‌های زندگی مدرن یا سبکی که ما در ایران به آن «سنتی رو به مدرن» می‌گوییم در این ازدواج‌ها تأثیر چندانی نداشته است. براساس نتایج تحقیقاتی که داشته‌ام ازدواج کودکان بیشتر در جامعه روستایی رخ داده و در جامعه هدف در بین ۷ استان، بیشتر در روستاها و فقط ۲ مورد در حومه شهر بوده است.

گفتگو:

سیده نسرین حسین پور



کامیل احمدی پژوهشگر و مردم‌شناس، فارغ‌التحصیل رشته مردم‌شناسی اجتماعی و مردم‌نگاری تصویری از دانشگاه کنت کانتربری انگلستان و نویسنده کتاب «طنین سکوت؛ پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران» است.

آقای احمدی در تهیه طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کمیسیون زنان مجلس شورای اسلامی همکاری داشته است؛ طرحی که براساس آن حداقل سن ازدواج در دختران ۱۶ و در پسران ۱۸ سال تمام شمسی است و عقد ازدواج بین سنین ۱۳ تا ۱۶ سالگی در دختران و ۱۶ تا ۱۸ سالگی در پسران، منوط به اذن ولی و رعایت مصلحت و تشخیص دادگاه به شرط داشتن صحت جسمی برای تزویج با نظر پزشکی قانونی خواهد بود.

«وکلا» در مصاحبه‌ای اختصاصی با آقای احمدی درباره وضعیت ازدواج کودکان در ایران و ریشه‌های آن به گفت‌وگو نشست.

«هندی و هرمز» تراژدی کودک همسری، کودک بیوگی و مرگ

هندی و هرمز نام فیلمی از سینمای هنر و تجربه به کارگردانی عباس امینی داستان دو کودک (هندی دختری ۱۳ ساله و هرمز پسر ۱۶ ساله) که بنا به سنت‌ها و با رسیدن به سن قانونی برای ازدواج در ایران با یکدیگر ازدواج می‌کنند. داستان از شب عروسی آغاز می‌شود، شبی که دو کودک را به یکباره از دنیای کودکی به دنیای ناشناخته بزرگسالی وارد می‌کنند. عروس و داماد شب عروسی با یکدیگر حرف نمی‌زنند و نمیتوانند ارتباط برقرار کنند روزها نیز همینگونه است تا اینکه مادر هندی به هندی می‌گوید که باید با همسرش صحبت کند. روزها تازه عروس به مدرسه می‌رود و تازه داماد به دنبال کار و تأمین معیشت خانواده است اما مسیر برای آنان بسیار سخت و ناهموار است چرا که آنان به اقتضای سن آمادگی ورود به دنیای بزرگسالان را ندارند و مهارت‌های بزرگسالان را نیز ندارند. دختر بچه داستان از سوی مدرسه تهدید به اخراج می‌شود و به او گفته می‌شود که نباید در مدرسه با همکلاسی‌هایش از مسائل ازدواج صحبت کند نباید حلقه دستش کند و همسرش نباید جلو مدرسه به دنبالش بیاید. به راستی چرا؟ مگر جز این است که ازدواج برای کودکان نیست. هندی و هرمز آنقدر کودک هستند که توانایی و مهارت ارتباط برقرار کردن و صحبت کردن با یکدیگر را ندارند؛ لذا وقتی هرمز برخلاف خواست مدیر بعد از تعطیلی مدرسه به دنبال هندی می‌آید اولین اختلاف بین آنها اتفاق می‌افتد و با یکدیگر درگیر می‌شوند و هندی کودکانه هرمز را کتک می‌زند و مواهیش را می‌کشد و دعوا با وساطت مادر زن پایان می‌یابد اما هرمز قهر می‌کند و شب به خانه نمی‌آید.



پرونده



اشتغال سالم برای توسعه پایدار اجتماعی آگاهی بخشی انجام شود. تصور می‌کنم زمان آن رسیده است که با یک نگاه عقلانی به این موضوع پرداخته شود و با دیدگاه علمی در مورد آن پژوهش شود و در نهایت آن قوانینی که قوانین ناقصی برای زمانه ما هستند، تغییر کند. فقه شیعه یک فقه پویاست و با کمک آن بعضی از موانع فقهی و شرعی و حتی حقوقی برگرفته از شرع را می‌توان حل کرد تا دختر و پسر در شرایطی آگاه‌تر و مستقل‌تر انتخاب کنند و وارد زندگی زناشویی شوند.

اصلاح این قوانین روی آمار طلاق و کودکان بدسرپرست و موضوعاتی مانند کودک ییوگی نیز تأثیر دارد و می‌توان این آسیب‌ها را در کنار هم درمان کرد. طرح افزایش سن ازدواج، یک گام کوچک اما مثبت است، امیدوارم به همین جا بسنده نکنیم و در گام‌های بعدی سن ازدواج به ۱۸ سال برسد.

فرهنگ سنتی غلبه بیشتری دارد پسر بچه را هم از سن خیلی پایین وارد مقوله ازدواج می‌کنند، یک شبه به عنوان یک مرد بر تخت سلطنت می‌نشانند و فردا او وارد خانواده می‌شود و مسئولیت‌های متعدد اجتماعی و عرفی را به عنوان شوهر و پدر باید اجرا کند. ممکن است در فرم و شکل فرق زیادی بین ازدواج پسر بچه‌ها و دختر بچه‌ها نباشد ولی تبعات این امر بر روی دختر بچه خیلی بیشتر از پسر بچه است و آن بازوهای حمایتی که برای پسر وجود دارد برای دختر وجود ندارد، چون دختر معمولاً از خانواده خود جدا شده و به خانواده دیگری می‌پیوندد. در حالی که پسر در همان خانواده خود می‌ماند و چه بسا به خاطر سن اندکش از حمایت بیشتری نیز برخوردار شود. به همین دلیل این دو موضوع با وجود درهم‌تنیدگی‌هایی که دارند، دو مسئله متفاوت هستند.

و صحبت پایانی؟

کنونسیون حقوق کودک که ایران هم به آن پیوسته، ازدواج کودکان را به قوانین شرعی و عرفی واگذار کرده است ولی این موضوعی است که سالیان سال که در جامعه ایران مورد بحث بوده و با توجه به شرایط فرهنگی حاکم بر فضای جامعه و نسل جوان و تحصیل کرده و جامعه مدنی پویایی که داریم و تمام مسائل را رصد می‌کند فکر می‌کنم زمان آن رسیده که یک بار برای همیشه به آن پرداخته و تمهیداتی در نظر گرفته شود که از طریق آموزش همگانی و آموزش و پرورش و دیگر امکانات و نهادهای موجود، درباره سن ازدواج و خطرات ازدواج زودهنگام، مانند حاملگی زودرس و مرگ و میر مادر، مشکلات جسمی و جنسی و روانی، ترک تحصیل و محروم شدن از تحصیل و نیز ضرورت روی آوردن به

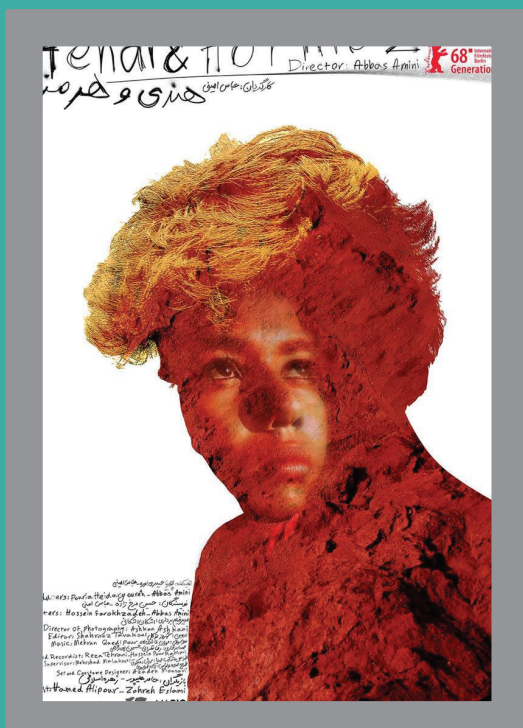
اجتماع وارد کند و معضل را به نوعی «زیرزمینی» کند. البته در مورد ازدواج کودکان تصویب همین قانون می‌تواند شروع خوبی باشد برای اینکه بستر سازی فرهنگی انجام شود.

وکلا یکی از استدلال‌های مخالفان این طرح این است که بالا رفتن سن قانونی ازدواج منجر به عدم ثبت ازدواج کودکان می‌شود و خود این ثبت نکردن هم آسیب‌زا خواهد بود.

به نظر شما این نقد درست است؟ بله، شاید در یک مقطع زمانی و تا وقتی که بستر سازی فرهنگی رخ بدهد، شاهد چنین وقایعی باشیم ولی تصور نمی‌کنم آمار آن آنقدر چشمگیر باشد که بتوان به عنوان یک آسیب به آن نگاه کرد. چون این موضوع را هم اکنون هم می‌بینیم که دختران زیر ۱۳ سال زادی برای اینکه وارد پروسه قانونی و دادگاه و دیگر مسائل نشوند به صورت غیر رسمی ازدواج می‌کنند و عاقد پشت جلد قرآن این را می‌نویسد. در کارهای میدانی‌ام من شاهد ازدواج‌های زیادی بوده‌ام که با گذشت سالیان طولانی و ازدواج فرزندان متعدد هم هرگز ثبت نشده‌اند. در جوامع روستایی و جوامعی که فقر فرهنگی و بی‌سوادی حاکم است این موارد کم نیستند.

اگر استدلال مخالفان طرح این باشد که در صورت تصویب و اجرای این قانون ممکن هست بعضی موارد ازدواج زیرزمینی شود، من فکر می‌کنم تا زمانی که بحث آموزشی این طرح وارد بستر فرهنگی شود، شاید در مواردی اتفاق بیفتد ولی اگر آن را آسیبی بدانند که به خاطرش نباید سن ازدواج تغییر کند، به نظر من بزرگ‌نمایی ماجراست.

دلایل وقوع کودک همسری در پسران با دلایل وقوع آن در دختران تفاوتی دارد؟ دلیل وقوع آن در مورد پسرها متفاوت نیست ولی صدماتی که پسر بچه‌ها می‌بینند در مقایسه با صدماتی که دختر بچه‌ها می‌بینند یا موضوعیت ندارد یا خیلی کم است. در محیط‌هایی که



هندی و هرمز در نهایت با بازی کردن می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و رابطه عاطفی و جنسی بگیرند و شروع ارتباط جنسی دو کودک همراه با آسیب‌های جسمی و روانی بر بدن آنان است و خون ریزی نشانی از این آسیب هاست. هندی به علت رابطه جنسی آسیب می‌بیند و هرمز در جستجوی وافر برای کار، تنک می‌خورد و دچار خونریزی می‌شود.

هندی دائماً در ترس اخراج از مدرسه و هرمز در جستجوی کار و با نگاه حسرت بار به موتور نو و مدل بالا، باید زندگی بزرگسالی را با سختی بگذرانند. اوضاع زمانی بغرنج‌تر می‌شود که متوجه می‌شوند هندی باردار است؛ چرا که هیچ کدام آموزش جنسی مناسب نداشته‌اند و با این اتفاق هندی از مدرسه اخراج می‌شود و مجبور به ترک تحصیل می‌گردد و هرمز ناامید از یافتن کار مناسب به کار سیاه مثل قاچاق و فروش خاک هرمز روی می‌آورد چرا که اکنون باید به عنوان همسر و پدر، معیشت زندگی را تأمین کند.

هرمز در تلاشی نافرجام برای فروش خاک به دریا می‌رود و جسد او به ساحل می‌رسد و زندگی و آینده هندی که اکنون کودک بیوه‌ای همراه با یک بچه است، در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد هر چند پوشیدن لباس مدرسه و رفتن هندی با بچه‌اش به مدرسه، شاید کورسوی امیدی را در دل بیننده روشن می‌کند. آینده‌ای که با تجربه ازدواج، مرگ همسر و به دنیا آوردن فرزند به تنهایی در کودکی نشان از راهی بسیار سخت برای دختر بچه دارد.

مقاله زیر برگردانی از نتیجه پژوهش پنج صاحب‌نظر غیرایرانی در حوزه کودک همسری است که اکتبر ۲۰۱۷ منتشر شده است و برای نخستین بار به زبان فارسی در ماهنامه حقوقی وکلا منتشر می‌شود. این مقاله در واقع چکیده پژوهش گسترده‌ایست که توسط چند سازمان بین‌المللی به عنوان بخشی از برنامه‌ای درباره تأثیرات اقتصادی کودک همسری و نقش قوانین، سیاست‌ها و مداخلات در پایان دادن به آن، انجام شده است.

دورنما

اگرچه کودک همسری بیشتر در کشورهای رایج است که سطح درآمدی پایین و کم‌تر از متوسط دارند اما در کشورهای دیگر نیز مشاهده می‌شود. خطرهای بسیاری سلامت دخترانی را که در سن پایین ازدواج می‌کنند، تهدید می‌کند؛ در سنین پایین صاحب فرزند می‌شوند که هنوز آمادگی فرزند پروری را ندارند، از مدرسه و تحصیل باز می‌مانند، و در طول زندگی‌شان در مقایسه با افراد هم سن و سالشان که در سنین بالاتری ازدواج کرده‌اند درآمد کمتری کسب می‌کنند.

علاوه بر این احتمال تجربه خشونت همسر برای دخترانی که در سن پایین ازدواج می‌کنند بیشتر است. آن‌ها تحرک فیزیکی محدود و توانایی تصمیم‌گیری ضعیفی خواهند داشت. مهم‌تر از همه دخترانی که در سن پایین ازدواج می‌کنند به طرق گوناگون توانمندی‌هایشان سلب می‌شود، به نحوی که از حقوق اساسی خویش به سلامت، تحصیل و امنیت محروم می‌شوند. این مسائل نه فقط بر خود دختران، بلکه بر محیط خانواده و کودکان آنها و نیز بر اجتماع آنان و تمامی جوامع تأثیر خواهد داشت.

کودک همسری در بسیاری از کشورها، نقض حقوق بشر و نوعی خشونت در حق دختران محسوب می‌شود. با این حال سرمایه‌گذاری‌ها برای پایان بخشیدن به این سنت محدودند. در سراسر جهان مسئله کودک همسری با سرعت بسیار کندی کاهش می‌یابد. علاوه بر این در بسیاری از کشورها ازدواج با دختری که هنوز به سن ۱۸ سالگی نرسیده قانونی است و حتی در کشورهایی که ازدواج پیش از سن ۱۸ سال غیرقانونی است، دختران بسیاری در سن پایین ازدواج می‌کنند.

ارزیابی‌ها نشان می‌دهند که نه تنها در بسیاری از کشورها هنوز به صورت مؤثر از دختران در برابر کودک همسری حمایت نمی‌شود، بلکه اصلاحات قانونی برای پایان بخشیدن به این سنت کفایت نمی‌کنند؛ چنانکه در بسیاری از کشورهایی که حمایت‌های قانونی در حال اجراست، دختران بسیاری به صورت غیرقانونی ازدواج می‌کنند. اگرچه حمایت از دختران در مقابل کودک همسری نخستین گام و حایز اهمیت است اما، برای جلوگیری از کودک همسری به مداخلات بیشتری نیاز است.

فقدان حمایت قانونی در مقابل کودک همسری

در سطح جهانی، مرز کودکی و بزرگسالی در کودک همسری، ۱۸ سالگی تعریف شده است. این مرز در کنوانسیون‌ها، قراردادها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی متعددی تصریح شده است، از جمله کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و اعلامیه جهانی حقوق بشر.

این مرز به چند دلیل منطقی و معقول است؛ نخست، پژوهش‌ها حاکی از آن است که پسران و دختران کوچک‌تر از ۱۸ سال هنوز آمادگی ورود به مرحله زناشویی، جنسی و تولید مثلی را ندارند. ازدواج پیش از ۱۸ سالگی ممکن است تأثیرات منفی بسیاری بر دختران و فرزندان‌شان داشته باشد و طیف وسیعی از عواقب را به همراه داشته باشد. برای مثال، در بسیاری از کشورها پایان دوره دبیرستان در ۱۸ سالگی است. هنگامی که دختران زودتر ازدواج می‌کنند احتمال به پایان رساندن تحصیلات دوره دبیرستان کم می‌شود. به علاوه، دختران جوان معمولاً امکان آن را نمی‌یابند که با رضایت کامل و آزادانه درباره ازدواج خود تصمیم‌گیری کنند.

در اغلب کشورها قوانین ملی کودک همسری را منع کرده است. درست است که اکثر کشورها ۱۸ سالگی را به عنوان سن قانونی برای ازدواج دختران تعیین کرده‌اند و در برخی کشورها سن قانونی ازدواج از این هم بیشتر است، اما کشورهایی هم هستند که سن قانونی ازدواج در آنان کمتر است. به علاوه، حتی در مواردی که سن قانونی ۱۸ سالگی یا بیشتر است، بسیاری از کشورها به دختران اجازه می‌دهند اگر والدینشان موافقت کردند یا با مجوز دستگاه قضایی پیش از ۱۸ سالگی ازدواج کنند. این حقیقت که در بسیاری از کشورها هیچ‌گونه مجازات قانونی برای کسانی که با مسائل کودک همسری سروکار دارند در نظر گرفته نشده است، باعث پیچیده‌تر شدن مسائل می‌شود.

در جایی که هیچ مجازاتی تعیین نشده است، تأثیرگذاری قانون به عنوان عامل بازدارنده کمتر می‌شود. در نهایت، در برخی کشورها حداقل سن ازدواج بر اساس قوانین مذهبی یا سنتی و مرسوم کمتر از سنی است که قانون ملی تعیین کرده است که این مسئله حمایت‌های قانونی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. بنا

به این دلایل، معمولاً قانون در مقابل کودک همسری حمایت محدودی برای دختران فراهم می‌کند.

سه تعریف از سن ازدواج در هر کشور به کار می‌رود: ۱. سن قانونی ازدواج بدون نیاز به رضایت والدین یا دستگاه قضایی؛ ۲. حداقل سن ازدواج با اجازه والدین؛ و ۳. حداقل سن ازدواج با تصدیق دستگاه قضایی.

در اینجا ما داده‌های سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ را ارائه می‌کنیم. بین این دو سال از میان ۱۱۲ کشور ده کشور تغییراتی در قوانین خود اعمال کردند.

در ۹ کشور از این ۱۰ کشور (چاد، کاستاریکا، اکوادور، گواتمالا، مالاوی، مکزیک، نپال، پاناما و زیمبابوه) حداقل سن ازدواج افزایش یافت. از جمله این تغییرات، حذف یا کاهش استثنائات ازدواج با رضایت والدین یا دستگاه قضایی بود. در بنگلادش، حداقل سن ازدواج با آمیزه‌ای از رضایت والدین و دستگاه قضایی کاهش یافت.

در سطح جهانی، تنها با در نظر گرفتن سن قانونی و صرف‌نظر از استثنائات رضایت والدین یا دستگاه قضایی، بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷، تعداد دخترانی که تحت حمایت قانونی نبودند از ۱۱٫۳ میلیون نفر به ۱۱٫۵ میلیون نفر افزایش یافت. با در نظر گرفتن استثنائات رضایت والدین، تعداد دخترانی که تحت حمایت نبودند بسیار بیشتر است و طی این دو سال از ۵۲٫۵ میلیون نفر به ۵۸ میلیون نفر افزایش داشته است.

با در نظر گرفتن اجازه دستگاه قضایی، فقط داده‌های مربوط به سال ۲۰۱۷ در دسترس است. در آن سال، ۸۲٫۸ میلیون دختر تحت حمایت قانونی نبودند. در نهایت، با در نظر گرفتن ترکیبی از استثنائات رضایت والدین و دستگاه قضایی با توجه به حداقل سن برای هر دو نوع استثناء، تعداد دخترانی که تحت حمایت نیستند در سال ۲۰۱۷ حدود ۹۶٫۱ میلیون نفر تخمین زده شده است. از آنجا که تمامی کشورها مد نظر قرار نگرفته‌اند، این برآورد در سرتاسر جهان تعداد بیشتری را در بر خواهد گرفت.

از جمله دلایل کلیدی افزایش تعداد دخترانی که تحت حمایت نیستند، رشد جمعیت در طول زمان است. اگرچه برخی از کشورها حداقل سن ازدواج را افزایش داده‌اند، اما تعداد بسیاری این کار را نکرده‌اند و تعداد دخترانی که تحت حمایت نیستند در سطح جهانی همچنان رو به افزایش است. به علاوه، در افزایش آمار ازدواج با رضایت والدین، تغییرات جدید قانون بنگلادش نقش مهمی ایفا می‌کند.

کودک همسری؛

قوانین و محدودیت‌های آن

پایانی بر کودک همسری

ضعیف‌ترین حمایت‌های قانونی در خاورمیانه و شمال آفریقا مشاهده می‌شود؛ جایی که در سال ۲۰۱۷ سه نفر از هر چهار دختر ۱۰ تا ۱۷ ساله (۷۳٫۳ درصد) در مقابل کودک همسری از حمایت قانونی بی‌بهره می‌مانند. در جنوب آسیا از هر دو دختر یک نفر (۴۷٫۷ درصد) از حمایت قانونی بی‌بهره است.

منطقه آمریکای لاتین و کارائیب بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ در افزایش حمایت قانونی در مقابل کودک همسری بیشترین پیشرفت را داشته است. در این منطقه، آمار دختران بی‌بهره از حمایت قانونی از ۳۶٫۶ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۲۲٫۷ درصد در سال ۲۰۱۷ کاهش یافته است. دلیل این امر آن است که پنج کشور از نه کشوری که سن قانونی ازدواج را افزایش داده‌اند در این منطقه قرار دارند (کاستاریکا، اکوادور، گواتمالا، مکزیکو، پاناما).

در مقابل، به خاطر تغییراتی که در قانون بنگلادش روی داد میزان دختران بی‌بهره از حمایت قانونی در جنوب آسیا، با در نظر گرفتن رضایت والدین از ۳۳٫۴ درصد به ۴۷٫۷ درصد افزایش پیدا کرد. نکته جالب توجه آن است که حمایت در کشورهای با درآمد پایین بهتر از کشورهایی در دیگر گروه‌های درآمدی جواب می‌دهد.

ازدواج‌های

غیرقانونی کودکان

به منظور تخمین و محاسبه روندها/الگوها در ازدواج‌های غیرقانونی، از داده‌های بیشتری استفاده کردیم که از بررسی‌های ملی سلامت و جمعیت و بررسی‌های شاخص‌های چندگانه به دست آمده بود. این بررسی‌ها اطلاعاتی را در باب سن ازدواج اول زنان (زناشویی رسمی یا غیررسمی) در اختیار ما قرار داد. ارزیابی بر روی زیرمجموعه‌ای از ۷۴ کشور انجام شد. این ۷۴ کشور بدان علت برگزیده شده‌اند که: اولاً جزو ۱۱۲ کشوری هستند که جدیدترین داده‌ها در مورد حداقل سن ازدواج طبق توصیفات پیشین برای آنان ذکر شده و ثانیاً، داده‌های حاصل از بررسی‌ها یا سرشماری‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته تا تعداد دخترانی تخمین زده شود که پیش از رسیدن به حداقل سن ازدواج در کشورشان ازدواج کرده‌اند.

برای آنکه یک ازدواج «ازدواج غیرقانونی» محسوب شود می‌بایست دختر کم‌تر از ۱۸ سال داشته و ازدواجش قبل از حداقل سن ازدواج کشورش صورت گرفته



۶۶ امروزه قریب به ۱۰۰ میلیون دختر در مقابل کودک همسری از حمایت های قانونی بی بهره اند

متحول کننده جنسیتی از جمله عوامل کلیدی هستند که می توانند آینده ای بهتر را برای دختران و کشورهای تهمین کنند. در سطح جهانی، مرز کودکی و نابرابری کودک همسری، ۱۸ سالگی تعریف شده است. این مرز در کنوانسیون ها، قراردادها و توافق نامه های بین المللی متعددی تصریح شده است، از جمله کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و اعلامیه جهانی حقوق بشر.

ضعیف ترین حمایت های قانونی در خاورمیانه و شمال آفریقا مشاهده می شود؛ جایی که در سال ۲۰۱۷ سه نفر از هر چهار دختر ۱۰ تا ۱۷ ساله (۷۳٫۳ درصد) در مقابل کودک همسری از حمایت قانونی بی بهره می مانند.

امروزه قریب به ۱۰۰ میلیون دختر در مقابل کودک همسری از حمایت های قانونی بی بهره اند

در سطح جهانی، حتی با در نظر گرفتن استثنائات وارد به سن قانونی که ازدواج با رضایت والدین یا مجوز قضایی را مجاز می شمرد، سالانه ۷٫۵ میلیون دختر به صورت غیرقانونی ازدواج می کنند و این مسئله ۶۸ درصد از کودک همسری را تشکیل می دهد. این آمار چیزی بیش از ۲۰ هزار دختر در هر روز است.

را تشکیل می دهد. این آمار چیزی بیش از ۲۰ هزار دختر در هر روز است.

همچنین درون گروه ها نیز تفاوت هایی می شود. برای مثال، آفریقای مرکزی و غربی منطقه ای است که کشورهای بسیاری با بالاترین نرخ های کودک همسری در سطح جهانی در آن قرار گرفته اند. تنها در این منطقه، هر ساله ۱٫۷ میلیون کودک همسری در سنی کمتر از حداقل سن تعیین شده ملی رخ می دهد - از بالاترین آمار در سطح جهان است.

در نمونه ما، کشورهای با سطح درآمدی کمتر از متوسط (که شامل هند هم می شود) ۶۱٫۶ درصد از میزان کودک همسری را به خود اختصاص داده اند، در حالیکه این میزان کشورهای با درآمد پایین برابر با ۲۴٫۴ درصد، در کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط ۱۳٫۶ درصد و در کشورهای با درآمد بالا ۰٫۴ درصد است.

از ۱۱ میلیون ازدواج های زودهنگام کودکان که در نمونه ۷۴ کشوری مشاهده شد، ۷٫۵ میلیون یا ۶۸ درصد با در نظر گرفتن قوانین ملی غیرقانونی محسوب می شوند حتی اگر احتمال رضایت والدین یا قوه قضاییه را نیز مد نظر قرار گیرد. نرخ ازدواج های غیرقانونی کودکان میان مناطق و گروه های درآمدی کشورها متفاوت است اما به خاطر داشته باشیم که تفسیر این نرخ ها باید با دقت فراوان انجام شود. کشورهای که با کسب رضایت والدین یا قوه قضایی سن قانونی ازدواج پایین تری دارند نیز نرخ پایین تری از ازدواج های غیرقانونی دارند، اما این آمار لزوماً بیانگر نرخ پایین تر کودک همسری نیست. به بیان دیگر، نرخ پایین ازدواج های غیرقانونی نباید به نرخ پایین کودک همسری تعبیر شود.

یکی از بهترین راه های جلوگیری از ازدواج زودهنگام دختران، نگه داشتن ایشان در مدرسه است. دختران اغلب ترجیح می دهند تحصیلاتشان را ادامه دهند تا اینکه ازدواج کنند، والدین نیز ادامه تحصیل در مقطع دبیرستان را جایگزین مناسبی برای ازدواج می دانند. اما برای نگه داشتن دختران در مدرسه باید تلاش کرد تا به تبعیض ها و هنجارهای اجتماعی پرداخته شود که در تعیین فرصت ها و ساخت آینده دختران تأثیر می گذارند به علاوه، مدارس می بایست امن باشند، تجهیزات کافی برای رفع نیازهای دختران و پسران داشته باشند، قابل دسترس بوده، شهریه های قابل پرداخت داشته باشند و تحصیلات باکیفیتی ارائه کنند.

مداخلات امیدبخش جهت حفظ دختران در مدرسه، مانعت از کودک همسری، کار با گروه های ذی نفع برای پایان بخشیدن به دیدگاه ها و هنجارهای اجتماعی زبان آفرین و فرصت آفرینی برای دختران نوجوان از جمله مواردی هستند که در کشورهای بسیاری آزمایش و پیاده سازی می شود. سرمایه گذاری در چنین مداخلاتی، مکتوب کردن تأثیرات آنان و پیاده سازی طیف وسیعی از سیاست های

باشد که شامل استثنائات مربوط به رضایت والدین و مجوز دستگاه قضایی نیز می شود. توجه داشته باشید برخی از ازدواج هایی که ما در ارزیابی هایمان «غیرقانونی» می شمیریم با توجه به شیوه ای که کودک همسری در بررسی های ملی سلامت و جمعیت و بررسی های شاخص های چندانگانه سنجیده می شود، ازدواج های غیررسمی هستند. ممکن است برخی استدلال کنند که این ازدواج های «غیررسمی» تحت شمول قانون قرار نمی گیرند و بنابراین نمی توان آنان را «غیرقانونی» شمرد. درعین حال، محتوای قوانین کودک همسری حمایت و پشتیبانی از تمام دختران در برابر ازدواج زودهنگام است، خواه رسمی و خواه غیررسمی.

به علاوه در بسیاری از کشورها پیوندهای زناشویی غیررسمی طبق قوانین عرفی و سنتی ازدواج محسوب می شوند. بنا به همین دلایل در این نوشته و پیشینه پژوهشی تمامی پیوندهای زناشویی را، چه رسمی و چه غیررسمی، غیرقانونی در نظرمی گیریم اگر دختران از سن قانونی ازدواج یا سن مورد رضایت والدین یا دستگاه قضایی کوچکتر باشند.

برای در نظر گرفتن میزان ازدواج های غیرقانونی در طی زمان به عنوان یک شاخص پیشرفت کشورها، باید با احتیاط عمل کرد؛ زمانی که در کشوری سن ازدواج کاهش می یابد، چه سن کلی ازدواج و چه سن ازدواج با رضایت والدین و دستگاه قضایی، با این کار تعداد ازدواج های غیرقانونی کم تر می شود. اما در مقابل، زمانی که یک کشور حداقل سن ازدواج را افزایش می دهد، دست کم برای مدتی کوتاه، احتمال دارد تعداد ازدواج های غیرقانونی افزایش یابد. هنگام مشاهده کاهش یا افزایش در شمار ازدواج های غیرقانونی در طی زمان، مهم است ارزیابی کنیم که آیا این کاهش یا افزایش به دلیل تغییری در قانون بوده یا عامل دیگری موجب آن شده است.

همین مطلب در مورد مقایسه میان گروه ها صدق می کند. برخی کشورها ممکن است به خاطر قانون هایی که برای حمایت از دختران در مقابل کودک همسری اتخاذ کرده اند، نرخ بالاتری از ازدواج غیرقانونی داشته باشند و این نکته خوبی است. هنگام سنجش روندهای ازدواج های غیرقانونی، یا در مقایسه کشورها یا گروه های درون کشورها، این نکته بدان معنا نیست که حمایت های قانونی را کاهش دهیم یا کشورها را از افزایش حمایت ها بر حذر داریم. دلیل اصلی سنجش ازدواج های غیرقانونی این است که نشان دهیم تنها اصلاحات قانونی برای خاتمه بخشیدن به کودک همسری کفایت نمی کند.

اجرای قوانین حداقل سن ازدواج دشوار است و برای خاتمه بخشیدن بر کودک همسری مجموعه گسترده تری از سیاست ها و مداخلات نیاز است. آمارهای مربوط به ازدواج های غیرقانونی این مطلب را به خوبی روشن می سازند. در سطح جهانی، حتی با در نظر گرفتن استثنائات وارد به سن قانونی که ازدواج با رضایت والدین یا مجوز قضایی را مجاز می شمرد، سالانه ۷٫۵ میلیون دختر به صورت غیرقانونی ازدواج می کنند و این مسئله ۶۸ درصد از کودک همسری

نتیجه گیری

کودک همسری تأثیرات بسیاری بر عوامل رشدی دخترانی می گذارد که زودهنگام ازدواج می کنند. کودک همسری نه تنها بر دختران، که بر فرزندان و خانواده هایشان، و در مقیاس وسیع تر بر جوامع نیز تأثیر می گذارد.

امروزه قریب به ۱۰۰ میلیون دختر در مقابل کودک همسری از حمایت های قانونی بی بهره اند. در کشورهایی که حداقل سن ازدواج کمتر از ۱۸ سال است، قوانین باید ۱۸ سال را به عنوان حداقل سن مجاز برای ازدواج تعیین کنند، استثنائاتی همچون رضایت والدین یا قوه قضایی را حذف کنند و تناقضات موجود در قوانین مذهبی و سنتی با قوانین کشور را برطرف کنند.

درعین حال، اگرچه پیاده سازی اصلاحات

مرضیه محبی در همایش منع خشونت علیه زنان:

مسئله زنان مسئله انسان وبشر است

روز شنبه سوم آذرماه ۱۳۹۷ نشست با عنوان «زنان، صلح و آبادانی جهانی» در آمفی تئاتر هتل پردیسان مشهد برگزار شد.

در این نشست که به مناسبت ۲۵ نوامبر، روز جهانی منع خشونت علیه زنان و به همت جمعیت مردم نهاد سپهرداد طوس، کانون زنان حقوقدان سورا و دوهفته نامه شهربانو برگزار شده بود، حمیده زرآبادی نماینده مجلس شورای اسلامی، دکترهما داودی عضو هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری البرز، حجت الاسلام مهدی سجادی امین عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده و خانم مرضیه محبی وکیل دادگستری و مدیرعامل کانون زنان حقوقدان سورا سخنرانی کردند. در ابتدای همایش مرضیه محبی، وکیل دادگستری و مدیرعامل کانون زنان حقوقدان سورا، مسئله زنان را مسئله انسان و بشردانست، گفت: این زبان خشن ما که چونان چاقویی تاریخی انسان ها را می درد و جدا می کند و هریک را به عرصه ای می افکند، این فرهنگ که هنوز انسان ها را بر عرصه های پست و بلند تقسیم می کند، این ساختارهای اجتماعی که هنوز نیمی از انسان ها را لایق و شایسته اجتماع و مشارکت سیاسی و اقتصادی نمی داند، مسئله ای مردانه هم هست. محبی با برشمردن برخی مصادیق خشونت علیه زنان ادامه داد: وقتی میزها مردانه است، خیابان ها و گذرگاه ها و مقام ها و معابر مردانه است، وقتی زنان به سادگی به طلاق و جدایی از فرزندان و منع اشتغال تهدید می شوند، همه این ها کاشتن بذر خشونت است.

در ادامه همایش حمیده زرآبادی نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه امسال چهارمین همایش منع خشونت علیه زنان در مشهد برگزار می شود گفت: خشونت علیه زنان هر عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت است که منجر به آزار جسمی روحی و روانی برای زنان گردد و می تواند در همه ابعاد زندگی اجتماعی و زندگی خصوصی زنان تأثیر گذارد.

سخنگوی فراکسیون زنان مجلس با اشاره به آغاز تدوین لایحه تأمین امنیت زنان در دولت دهم گفت: در ابتدای دولت یازدهم توسط خانم مولاوردی فرآیند پیگیری این لایحه سرعت بیشتری گرفت و در حال حاضر این موضوع در قوه قضاییه بررسی می شود. از ۹۱ ماده لایحه ۴۱ ماده به دلایلی حذف شده و مواد دیگر آن به تصویب رسیده که ۳ رویکرد یا ۳ بخش دارد: رویکرد پیشگیرانه؛ رویکرد حفاظتی و رویکرد حمایتی. در بخش هایی از این لایحه جرم انگاری هایی هم انجام شده است چون متأسفانه درباره بعضی موارد که موجب آسیب های روحی و روانی برای زنان می شود قانونی موجود نیست یا درباره برخی جرایم، مثل اسیدپاشی، مجازات قانونی فعلی مجازات بازدارنده ای نیست.

در ادامه همایش دکتر هما داودی عضو هیئت مدیره کانون وکلای البرز و نایب رئیس سابق اسکودا با تبریک میلاد پیامبر (ص) به عنوان مدافع حقوق زنان در عصر جاهلیت گفت: از یک شخص یا نهاد یا ساختار

نباید انتظار کار در حوزه برابری و رفع خشونت علیه زنان را داشته باشیم؛ چراکه این بار برعهده افراد و نهادهای مختلفی است. در درجه اول قانونگذار است که باید قوانین و مقرراتی با رویکرد مبارزه با خشونت را وضع کند. مهم تر از این اما جامعه مدنی و مشارکت یکایک شهروندان است. مبارزه با خشونت محقق نمی شود مگر اینکه اول جلوه های خشونت را بشناسیم. خشونت فقط یک «چشم نبود» نیست. در گذشته مفهوم خشونت بیشتر مفهوم خشونت فیزیکی را به ذهن متبادر می کرد اما امروز آنقدر این مفهوم توسعه پیدا کرده که حتی مفاهیمی مثل خشونت اقتصادی را شامل می شود. کار سمن هایی که در حوزه زنان کار می کنند گسترش فرهنگ صلح و مدارا در جامعه است. مصادیق خشونت را باید شناسایی کرد و در جهت زدودن آنها قدم برداشت. سازمان های مردم نهاد یکی از این پتانسیل های بزرگ بدنه اجتماعند. در قانون ما بحث میانجیگری کیفری مطرح شده و قانونگذار خواسته که با میانجیگری بین بزهکار و بزه دیده برخی از مسائل حل شوند تا بسیاری از افراد، به ویژه آنها که برای بار اول مرتکب جرم می شوند اصلاً در تماس با دستگاه عدالت کیفری قرار نگیرند. سیاست جنایی مشارکتی یعنی اینکه ما از نیروهای اجتماع و از مردم کمک بگیریم. قرار نیست که دولت به تمام جرایم و خشونت ها و انحراف ها پاسخ دهد.

از طرفی بحث دیگری داریم به نام «بزه دیده شناسی حمایتی» که چند دهه است که در حوزه بزهکاری مطرح شده و بزه دیده جای خود را در پرونده های کیفری باز کرده است. سمن ها می توانند در این حوزه نیز به خوبی ایفای نقش کنند. بنا به تصریح ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، سمن هایی که ثبت شده اند و در زمینه های مختلف از جمله زنان و کودکان کار

می کنند می توانند به عنوان شاکی و اعلام کننده جرم از زنان خشونت دیده و کودکان آسیب دیده که قادر به طرح شکایت و پیگیری دعوای خود نیستند حمایت کنند. قبلاً سمن ها فقط در جایگاه اعلام کننده می توانستند وارد دعوا شوند ولی امروز می توانند با شرکت در دادرسی در دفاع از فرد آسیب دیده نقش مؤثری ایفا کنند.

داودی «آموزش حقوق به زبان ساده» را زمینه دیگری برای فعالیت سمن ها دانست و اضافه کرد: در ساختار معاضدت قضایی ۴ بخش داریم: بخش اول تأمین خدمات وکالتی رایگان برای افراد نیازمند است؛ بخش دوم آموزش همگانی حقوقی به زبان ساده؛ بخش سوم کلینیک های حقوقی و بخش چهارم خدمات پروبونو.

در ساختار قضایی ما فقط به معاضدت قضایی به صورت وکالت رایگان به افراد نیازمند توجه شده و آموزش های حقوقی و کلینیک های حقوقی و خدمات پروبونو به شکل رسمی و قانونی نداریم، اما می بینیم که در لایه های اجتماع و نظام حقوقی رگه هایی از اینها دارد اتفاق می افتد مثلاً کلینیک های حقوقی در یکی دو تا از دانشگاهها داریم و در کانون البرز هم مدتی برقرار کردیم اما به خاطر تغییر مدیران ادامه پیدا نکرد. متولی آموزش حقوق به زبان ساده می توانند سمن ها و کانون های وکلا باشند. کلینیک های حقوقی با رویکرد مشاوره درمانی به خصوص برای زنان و کودکان آسیب دیده می توانند بسیار مؤثر باشند و امیدوارم در دانشگاه ها و در کانون های وکلا راه اندازی شوند. اما خدمات پروبونو (رایگان) که همیشه در ایران بوده و می بینیم که صاحبان تمام مشاغل بخشی از درآمد را به مستمندان اختصاص می دهند، مثل وکلایی که رایگان کار می کنند که این با خدمات معاضدت رایگان متفاوت است. خدمات معاضدت رایگان این است که هر وکیل سالی ۳ پرونده معاضدت به طور رایگان انجام می دهد ولی خدمات پروبونو آن است که به حکم دل خودش خدمات رایگان و خیرخواهانه انجام دهد و اینها انرژی هایی هستند که اگر هدایت شوند می توانیم در بحث خشونت علیه زنان از آنها استفاده کنیم.

در ادامه حجت الاسلام مهدی سجادی عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده با تأکید بر لزوم انجام کارشناسی دقیق درباره لایحه منع خشونت علیه



بازداشت امیرسالار داوودی؛ بدون روتوش

امیر سالار داوودی وکیل دادگستری روز ۲۹ آبان ۱۳۹۷ در محل کارش بازداشت شد. داوودی نزد وکلای دادگستری بیشتر با کانال تلگرامی «بدون روتوش» که در آن فعالان به موضوعات صنفی وکلای می پرداخت شناخته شده است. به گفته وحید مشگانی فراهانی وکیل امیر سالار داوودی، این پرونده از سال گذشته در جریان بوده و من سال گذشته در پرونده اعلام وکالت کردم. سال گذشته موکلم به اتهام توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام در دو دادسرا (دادسرای رسانه و امنیت) احضار شد با این وصف که آقای قاسم زاده بازپرس محترم شعبه دوم دادسرای رسانه طی تشریفات پرونده را به دادسرای امنیت فرستاد و آن زمان پرونده ملغی شد و موکلم از سال گذشته مکرراً جهت بازجویی به دادسرا می‌رفت ولی ۲۹ آبان ضابطان او را در محل کارش بازداشت کردند.

وی با بیان اینکه بازپرس پرونده حکم جلب را صادر کرده و بازداشت موکلم هم ناظر به این پرونده است، گفت: اتهامات موکلم اجتماع و تبانی، تبلیغ علیه نظام و اهانت به رهبری است و قرار بازداشت یک ماهه برای موکلم صادر شده که به این قرار بازداشت هم اعتراض نکرده است. وی با بیان اینکه موکلم در بند ۲۴۱ اوین در بازداشت است، گفت: موکلم دو دسته فعالیت داشته است؛ یکی دفاع از متهمان سیاسی و امنیتی بوده که اقلیت‌های دینی و افراد سیاسی را در بر می‌گرفته و فعالیت دیگرش ناظر به فعالیت در یک صفحه تلگرامی و صفحه اینستاگرامش بوده است که در آنجا نقطه نظرات سیاسی و اجتماعی خودش را اعلام می‌کرده است. (منبع خبر: ایسنا)

عبدالفتاح سلطانی؛

آزادی مشروط پس از ۸ سال حبس

عبدالفتاح سلطانی در تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۹۷ با قید آزادی مشروط از زندان آزاد شد. سلطانی پس از تحمل بیش از ۸ سال از محکومیت حبس ۱۰ ساله خود از سوی دادگاه مشمول آزادی مشروط شده است.

سلطانی ۱۳ مرداد برای شرکت در مراسم درگذشت ناگهانی دخترش به مرخصی رفته بود که این مرخصی ۴۰ روز ادامه یافت، با توجه به طولانی شدن مرخصی و همچنین اعلام وکلایش مبنی بر اینکه مسوولان قضایی نسبت به آزادی مشروط سلطانی قول مساعد داده اند، آزادی وی پس از بازگشت به زندان دور از انتظار نبود. (منبع خبر: ایرنا)

محمد نجفی؛

محاکمه و محکومیت در شازند و اراک

صبح دوشنبه ۵ آذرماه ۱۳۹۷ دادگاه محمد نجفی وکیل دادگستری در شعبه اول دادگاه انقلاب اراک تشکیل شد. پیام درفشان وکیل محمد نجفی، با بیان اینکه موکلم در زندان به سر می‌برد، افزود: پیشتر شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی اراک، نجفی را در پرونده متهمان اعتراضات دی سال ۹۶، به اتهام فعالیت تبلیغی به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام، به یکسال حبس، بابت توهین به مقام معظم رهبری به دو سال حبس و به اتهام همکاری با دول متخاصم از طریق انتقال اخبار و اطلاعات از طریق مصاحبه به ۱۰ سال حبس محکوم کرده است که طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در صورت قطعیت یافتن این حکم، مجازات اشد،

یعنی ۱۰ سال حبس قابلیت اجرا دارد؛ البته نسبت به این حکم اعتراض کرده ایم تا پرونده در محاکم تجدیدنظر استان مرکزی مورد بررسی قرار گیرد. این وکیل دادگستری افزود: چند هفته پیش هم در پرونده دیگری، شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو دادگستری شهرستان شازند وی را به اتهام تشویش اذهان عمومی از طریق درج مطالب در رسانه‌های مجازی به یکسال حبس تعزیری محکوم کرد. (منبع خبر: ایرنا)

آرش کیخسروی و قاسم شعله

سعدی؛

محاکمه و آزادی به قید

وثیقه



۱۱ آذرماه جلسه رسیدگی به پرونده آرش کیخسروی و قاسم شعله سعدی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد ابودر نصراللهی وکیل آرش کیخسروی اظهار کرده است: موکلم به اتهام اجتماع و تبانی به ۵ سال و نیز به اتهام فعالیت تبلیغی برضد نظام به یک سال حبس محکوم شده است که یکی از این دو حکم اعمال می‌شود، وی افزود: به رای اعتراض خواهیم کرد و امیدواریم دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی را نقض کند. لازم به ذکر است که قاسم شعله سعدی نیز به همین مجازات‌ها محکوم شده است.

آرش کیخسروی و قاسم شعله سعدی ۲ وکیل دادگستری ۲۷ مردادماه سال جاری در پی حضور در مقابل مجلس شورای اسلامی، به اتهام اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ملی بازداشت شدند.

روز ۱۳ آذرماه محمد حسین آقاسی وکیل قاسم شعله سعدی از آزادی موکلمش با تودیع وثیقه ۳۰۰ میلیونی و کفالت ۱۰۰ میلیونی خبرداد و آرش کیخسروی نیز در تاریخ ۲۰ آذرماه ۹۷ با تودیع وثیقه ۳۰۰ میلیونی آزاد شد. (منبع خبر: ایسنا)

نسرین ستوده

نسرین ستوده وکیل دادگستری به ۵ سال حبس محکوم شده و هم‌اکنون در زندان به سر می‌برد.

پیام درفشان وکیل مدافع نسرین ستوده اعلام کرد: نسرین ستوده دو پرونده مطرح در دادسرای امنیت داشته

که یک پرونده مربوط به شکایت بازپرس دادسرای کاشان از اوست و پرونده دیگر

نیز تحت عنوان اتهامی عضویت او در

کمپین لگام (لغو گام به گام اعدام) تشکیل شده است. وکیل مدافع

نسرین ستوده با اشاره به شکایت

قبلی موکلمش از قاضی به خاطر

صدور حکم برخلاف کیفرخواست

گفت: در پرونده ای که موکلم در حال

حاضر بابت آن به صورت غیابی به ۵

سال حبس محکوم شده، قاضی خارج

از کیفرخواست صادره، برای موکلم به اتهام

جاسوسی ۵ سال حبس صادر کرده بود که نسبت به این

موضوع اعتراض کردیم و دادیار اجرای احکام دادسرای امنیت

نیز به موضوع ایراد گرفت اما قاضی توجه نکرد.

وی اضافه کرد: نهایتاً به خاطر صدور حکم خارج از

کیفرخواست، از قاضی پرونده به دادسرای انتظامی قضات

شکایت کردیم و پیرو این شکایت، قاضی پرونده را از اجرای

احکام پس گرفت و حکم خود را در خصوص نوع اتهام موکل،



خبر ایرنا

زنان گفت: در بحث فقهی و حقوقی در مورد «خشونت» تعاریف متعددی بیان شده ولی همه آنها بر چند نکته تأکید دارند؛ یکی از آنها قصد و عمد است یعنی رفتاری که عامدانه انجام شده باشد. نکته دوم آزار یا تهدید به آزار است. بحث بعدی غیرقانونی بودن است، یعنی کسی با سوء استفاده از قدرت بخواهد به حريم ديگران تجاوز کند و با محدوديت برای آزادی ديگران ايجاد کند و آخرين مورد نيز استفاده از زور است. در حقيقت خشونت را می‌توان این‌گونه تعريف کرد: «رفتاری تعرض‌آمیز به ديگران به قصد آسیب‌رساندن جسمانی یا روانی یا تهدید به این دو.»

خشونت خانگی علیه زنان می‌تواند شامل ۶ گونه رفتار باشد: ۱. تهدیدهای متفاوت و ایجاد مخاطره و تشویش ذهن مثل تهدید به کشتن یا آزار و اذیت همسر و فرزندان و تهدید به ترک خانه یا تهدید به خرجی ندادن؛ ۲. خشونت فیزیکی مثل کتک‌زدن، حبس کردن، رفتار جنسی آزار دهنده و شکستن اشیاء؛ ۳. خشونت روانی یا کلامی مثل بددهانی، توهین و مسخره کردن، بهانه‌گیری، عیب‌جویی و تهمت؛ ۴. خشونت‌های جنسی و ناموسی مثل مجبور کردن زن به سقط جنین، رعایت نکردن بهداشت، داشتن روابطی که منجر به آسیب به همسر شود و متهم کردن همسر به بی‌مبالایی در روابط زناشویی؛ ۵. خشونت اقتصادی و مالی مثل خرجی ندادن یا پول کافی ندادن و در مضیقه گذاشتن، دخل و تصرف در اموال همسر یا انکار مهریه؛ ۶. خشونت حقوقی یعنی وادار کردن همسر به کارهای خلاف شرع و قانون و یا استفاده از حقوق قانونی خودش با هدف آزار رساندن به زن.

وی با اشاره به این که آیات قرآنی فراوانی ناظر بر نفی خشونت به‌طور کلی هستند افزود: در رابطه با نفی خشونت علیه زنان نیز آیه‌های زیادی وجود دارد که در حقیقت برای تقبیح تبعیض‌های جنسیتی و خشونت‌هایی که در عصر نزول قرآن وجود داشته نازل شده‌اند، مثل تقبیح شدید زنده‌به‌گور کردن دختران، محدود کردن دفعات طلاق دادن یک زن به ۳ مرتبه، تقبیح ایلاء و تقبیح ظهار. هم در روایات متعدد و هم در سیره پیامبر مبارزه با خشونت علیه زنان را می‌بینیم؛ خود پیامبر شخصیتی به دور از خشونت داشته و خدواند متعال به ایشان می‌فرماید تو «رحمت للعالَمین» هستی. سیره پیامبر نمونه بارز خودداری از خشونت علیه زنان است، آنچنان که می‌فرماید: «بهترین شما کسی است که بهترین رفتار را با همسر و فرزندانش داشته باشد.»

همایش سی و یکم اسکودا در تبریز برگزار شد

حاشیه ها پررنگ تر از متن

همایش حضور یافتند. ویژگی دیگر همایش سی و یکم در دستور کار داشتن تغییر اساسنامه اسکودا بود، هرچند به طور رسمی جزئیات تغییر یا اصلاحات مورد نظر انتشار نیافته است ولی بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی منابع غیررسمی مواد الحاقی با شماره های ۲۱ تا ۲۳ به اساسنامه اسکودا که ساز و کار خاصی را برای ایجاد التزام قانون های وکلا به مصوبات «هیات عمومی، شورای روسای کانون ها و شورای اجرایی» پیش بینی کرده بود به جهت تعارضی که با اصل استقلال کانون های وکلای دادگستری داشت، نگرانی هایی را ایجاد کرده بود که نهایتاً نیز با پیشنهاد رئیس اسکودا و رای اکثریت هیات عمومی کلا از دستور کار خارج شد. همایش نهایتاً بعد از ظهر پنجشنبه ۲۴ آبان ۱۳۹۷ با صدور بیانیه پایانی در ۸ بند به کار خود پایان داد.

سی و یکمین همایش اتحادیه سراسری کانون های ایران در روزهای ۲۳ و ۲۴ آبان ماه ۱۳۹۷ به میزبانی کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی در شهر تبریز برگزار شد. همایش صبح روز ۲۳ آبان در مرکز همایش های بین المللی تبریز گشایش یافت و از ساعت ۱۷ همان روز در هتل پنج ستاره کایای تبریز ادامه یافت. آنچه همایش سی و یکم را ویژه کرده بود، تحریم آن توسط کانون وکلای مرکز بود، هیات مدیره کانون وکلای مرکز تقریباً یک هفته پیش از برگزاری همایش در اقدامی بی سابقه با انتشار نامه ای خطاب به میزبان همایش رییس کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی اعلام کرد که اعضای هیات مدیره این کانون «به نشانه اعتراض به عملکرد مدیریتی اتحادیه» در همایش شرکت نخواهند کرد، البته بعداً چند تن از اعضای هیات مدیره کانون وکلای مرکز به طور مستقل در

تحریم تبریز

حاشیه پررنگ همایش سی و یکم

اعلام عدم حضور اعضای هیات مدیره کانون وکلای مرکز در همایش اسکودا

گشایش همایش حضور یافتند، و آقای سیدمهدی حجتی در انتخاب هیات رئیسه مجمع عمومی به عنوان ناظر انتخاب شد.

در چهلمین جلسه هیات مدیره کانون وکلای مرکز که در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۱ تشکیل شده است بحث هایی در موضوع تعامل با اسکودا انجام شده است، هنوز صورتجلسات بعدی هیات مدیره کانون مرکز منتشر نشده است تا بدینهم اعضای هیات مدیره در موقع تصویب نامه تحریم همایش اسکودا چه نظرانی داشته اند.

با این حال اظهار نظرات اعضای هیات مدیره در جلسه چهلم بیانگر برخی دیدگاه های منتهی به این تصمیم گیری است:

دکتر عیسی امینی

(رییس کانون وکلای مرکز):

«عرض کرده بودم احتمالاً من و نواب محترم در جلسه آبان ماه اسکودا شرکت نخواهیم کرد. دلیلش این است که گفتیم برای جلوگیری از افزایش هزینه ها سالی یک مرتبه همایش کافی است ولی به رای نگذاشتند و سالها حرف کانون مرکز را تهاول می کنند. با وزیر به کمیسیون قضایی می روند و ما خبر نداریم. آموزش را موازی کاری می کنند، IBA می رویم و به طور ناگهانی در آنجا می فهمیم رییس IBA بدون اطلاع به ما دعوت شده اند اما نمایندگان اجرایی و هیات رییس خود اسکودا خبر نداشتند و ما هم خبر نداشتیم. موازی کاری به ریختن آبروی کانون منجر می شود و پنهان کاری می شود، یا ملاقات هایی صورت می گیرد که با وجود حساسیت ما، نمایندگان ما جناب آقای ثابت قدم و دکتر مالکی بی اطلاع اند. باید بدانیم از هزینه ای که این سفر بر جامعه وکالت تحمیل می کند چه بدست می آوریم.

بقیه مواد را بخوانید و ببینید که باید فقط به دنبال رد اساسنامه ای برویم که ذاتاً مردود است. در واقع با این هزینه ها و تجمعات برای رفتن به نقطه صفر، می رویم. در اساسنامه آمده است که اسکودا مرجع حل اختلاف بین کانون ها باشد و تصمیم بگیرد. یعنی چه؟ از استقلال کانون ها و آن هم کانون مرکز چه می ماند؟ این مهمانی ها یکبار در سال قابل تحمل

شرکت در رأی گیری اخیر، عدم امکان به رأی گذاری این موضوع و تبدیل آن به مصوبه بوده است.» علی رغم این تصمیم هیات مدیره کانون وکلای



مرکز بنابر تصاویر انتشار یافته از سوی روابط عمومی کانون وکلای آذربایجان شرقی، چند تن از اعضای هیئت مدیره کانون مرکز (دکتر امیر حسین آبادی، دکتر بهشید ارفع نیا، دکتر کامران آقایی، سید مهدی حجتی، سعید باقری و دکتر میترا ضرابی) در مراسم



اعلام عدم حضور اعضای هیات مدیره کانون وکلای مرکز در شهر تبریز برای شرکت در همایش اسکودا اتفاقی بی سابقه بود که حواشی زیادی تولید کرد. این تصمیم عجیب با انتشار نامه ای به تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۹۷ با امضای دکتر عیسی امینی رییس کانون وکلای مرکز خطاب به حسن عظیم زاده رییس کانون وکلای آذربایجان شرقی که میزبان همایش سی و یکم بود اعلام شد.

در این نامه ضمن عذرخواهی از میزبان همایش به جهت عدم حضور، آمده بود که با تصویب اکثریت اعضای هیات مدیره کانون وکلای مرکز «به نشانه اعتراض به عملکرد مدیریتی اتحادیه» در همایش پیش رو شرکت نخواهند کرد.

علت این تصمیم «موازی کاری در انجام وظایف اسکودا با کانون مرکز»، «نارضایتی از عملکرد اتحادیه در دوره پیش رو» و «عدم توجه به پیشنهاد اعضای هیات مدیره کانون مرکز در اجلاس قبلی مبنی بر برگزاری این اجلاس پر هزینه به صورت سالی یک بار» اعلام شده است.

پیشنهاد بررسی و تصویب عدم شرکت در همایش اسکودا از سوی برخی اعضای هیات مدیره دوره سی ام کانون وکلای دادگستری مرکز مطرح شده و در جلسه تشکیل شده، آقایان حسین آبادی و حجتی و آقای و خانم ارفع نیا علی رغم مخالفت با مصوبه، در رأی گیری شرکت نکردند و مصوبه مذکور با ۷ رأی موافق و ۱ رأی ممتنع به تصویب رسیده است.

سیدمهدی حجتی در تشریح علت شرکت نکردن در رأی گیری برای این مصوبه چنین نوشت: «هیأت عمومی اتحادیه مرکب از اعضای اصلی هیأت های مدیره کانون هاست که این اعضا به اعتبار عضویتشان در هیأت های مدیره کانون ها که منبعث از آراء وکلاست، حق شرکت در این اجلاس و حق رأی دارند نه به اعتبار نمایندگی از کانون متبوع خویش و بدین ترتیب، همچنانکه بعضی از اعضا هیأت مدیره یک کانون نمی تواند عضو یا اعضا دیگر را مجبور و مکلف نماید که مثلاً در انتخاب رئیس اتحادیه به جای x به y رأی دهند به همان ترتیب نیز نمی توانند در اراده آزاد اعضای دیگر هیأت مدیره دخالت و ایشان را از شرکت در اجلاسی که حضور در آن و اعلام رأی، حق هریک از ایشان است باز دارند؛ از این رو علت عدم

۶۶

اعلام عدم حضور
اعضای هیات
مدیره کانون وکلای

مرکز در شهر تبریز
برای شرکت در
همایش اسکودا
اتفاقی بی سابقه
بود که حواشی
زیادی تولید کرد

بیانیه پایانی همایش تبریز

خروجی خرد جمعی

مدیران جامعه وکالت کشور

هیات عمومی اسکودا غروب پنج شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۹۷ با انتشار بیانیه پایانی ۸ ماده ای کار خود در همایش سی و یکم را در شهر تبریز خاتمه داد.

بیانیه پایانی همایش همان طور که در صدر آن اشاره شده است «پس از مذاکره و تبادل نظر مجمع عمومی در خصوص نیازها و چالش های موجود» تنظیم و منتشر شده است، و به نوعی باید آن را چکیده تبادل نظر و تدبیر بیش از ۱۵۰ نفر از مدیران جامعه وکالت کشور دانست، با این حال این بیانیه - مشابه بیانیه های همایش های اخیر- فاقد استحکام و قوتی است که بتوان آن را به عنوان یک سند راهبردی برای جامعه وکالت کشور تصور کرد.

طبق بند الف ماده ۹ اساسنامه اسکودا وظیفه هیات عمومی «تعیین خط مشی کلی و سیاست های اصلی اسکودا» است، که اسکودا خود دارای وظایف و اهداف گسترده ای از حفظ و حراست استقلال نهاد وکالت تا تعامل با قوای سه گانه و سازمان های داخلی و بین المللی است، بر همین اساس بیانیه پایانی همایش هیات عمومی باید در مقام سند راهبردی وکالت کشور دارای ویژگی ها و وزن قابل قبولی باشد.

وکلا دادگستری در بند از قوه محترم قضاییه انتظار دارد نسبت به بازنگری در پرونده همکاران مذکور که ادامه بازداشت آنها مغایر با اصل آزادی بیان، مصونیت حرفه ای و حقوق شهروندی مصرح در قانون اساسی است اقدام نماید.

۵. نظریه کثرت روز افزون جمعیت وکلا دادگستری و جذب همه ساله دانش آموختگان حقوق در کانون های وکلا که موازنه ظرفیت و اشتغال را بر هم زده و موجب مضیق و محدودیت های شدید مالی، معیشتی وکلا به ویژه همکاران جوان بر سیاستگذاری مناسب از جمله الزامی شدن وکالت در تمامی دعاوی و استفاده دستگاه اجرایی و نهاد های عمومی از خدمات وکلا دادگستری تاکید می نماید.

۶. نظریه اینکه برابری اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأمین اجتماعی نظیر خدمات درمانی و حمایتی در موارد از کار افتادگی و حوادث حرفه ای و ... از وظایف دولت است و این خدمات باید از محل درآمد های عمومی تأمین گردد و نظریه خدمات عمومی وکلا دادگستری به جامعه و اینکه درآمد های معمول و موجود کانون های وکلا تکافوی تأمین خدمات درمانی و حمایتی مذکور را ندارد، اهتمام به این امر مهم از سوی دولت محترم مورد درخواست می باشد.

۷. کانون های وکلا دادگستری سراسر کشور اعتراض شدید خود را نسبت به پذیرش بی رویه و غیر استاندارد دانشجویان رشته حقوق در دانشگاه ها و مراکز آموزشی فاقد کیفیت عمومی اعلام می دارد و از مقامات متولی و متصدی امر درخواست دارد از ادامه این روند جلوگیری نماید.

۸. اتحادیه همواره بر ضرورت حفظ اتحاد و انسجام کانون های وکلا تاکید می نماید و در این برهه حساس نیز همه همکاران را به حفظ این اصل ضروری و حیاتی دعوت می نماید.

این بیانیه در ۸ بند به تصویب مجمع عمومی کانون های وکلا سراسر کشور رسید و مجمع ضمن قدردانی از میزبانی مهربانانه کانون کهن آذربایجان شرقی محل برگزاری همایش اردیبهشت ۹۸ اتحادیه را شهر یزد به میزبانی کانون وکلا دادگستری یزد تعیین و اعلام نمود.

بیانیه پایانی همایش سی و یکم اسکودا به این شرح است:

بیانیه پایانی سی و یکمین همایش اتحادیه سراسری کانون های وکلا دادگستری ایران
بسم الله الرحمن الرحیم

سی و یکمین همایش اتحادیه سراسری کانون های وکلا دادگستری ایران (اسکودا) در مورخه ۲۳ و ۲۴ آبان ماه ۱۳۹۷ به میزبانی کانون محترم آذربایجان شرقی در تبریز تشکیل و پس از مذاکره و تبادل نظر مجمع عمومی در خصوص نیازها و چالش های موجود بیانیه پایانی همایش به شرح ذیل اعلام گردید.

۱. اتحادیه ضمن اظهار خشنودی از پیروزی تیم حقوقی ایران در دعوی مطروحه در دیوان بین المللی دادگستری، تحریم های نامشروع و اقدامات مغایر با مقررات بین المللی ایالات متحده آمریکا علیه کشور و ملت ایران را که به ویژه در مواردی نظیر غذا و دارو با اصول حقوق بشر در تعارض است محکوم می کند و آمادگی کانون های وکلا دادگستری را برای احقاق حقوق مسلم و مشروع ملت ایران در مراجع بین المللی اعلام می دارد.

۲. کانون های وکلا سراسر کشور کماکان بر مغایرت تبصره ماده ۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری با قانون اساسی و حق دفاع آزادانه تاکید می کند و بر حذف تبصره مذکور اصرار دارد.

۳. کانون های وکلا سراسری کشور ضمن تأیید دیدگاه ها و بیانات مقامات رسمی حاضر در آیین گشایش همایش تبریز مبنی بر حمایت و صیانت از استقلال نهاد وکالت بر صلاحیت ویژه کانون های وکلا دادگستری، جهت تبیین و تدوین اصلاحات مورد نیاز در قوانین موجود تاکید می نماید و مخالفت خود را با هر گونه اقدامی که مغایر استقلال کانون وکلا و مالاً منافی مصالح ملی شهروندان است اعلام می دارد.

۴. اتحادیه ضمن اعتراض به شیوه برخورد نامناسب با

است، بیش از این قابل تحمل نیست. حتی سوال نمی کنید چرا اصلاح بند چ ماده ۸۸ با این تسامح و پنهان کاری ها و آن هم بی سروصدا در مجلس رد شد و باز باید آزمون مشاوران برگزار شود. ما باید تلاش کنیم با رایزنی با مدیران محترم کانون ها، راهی پیدا کنیم که اتحادیه در راستای اتحاد و حل مشکلات گام بردارد. با مهمانی رفتن و خرج های کلان بر جامعه وکالت به کجا می رسیدیم؟»

دکتر امیر حسین آبادی

(رییس سابق کانون وکلا مرکز):

«جای تأسف است که از ابتدای این دوره رییس کانون در مقابل اتحادیه موضعی گرفته است که نه تنها اتحادی میان وکلا صورت نمی گیرد بلکه موجب نفاق و تفرقه است. تصویری که در ذهن ایشان است به صورت واقعیت مطرح می کنند و این برای حرفه وکالت بسیار مضر و زیان آور است. به ایشان توصیه می شود که در رفتار و گفتار خود تجدید نظر کنند. در وضعیتی که کانون ها قرار دارند ما بیشتر نیاز به اتحاد داریم. برای این نفاق و جدایی و مسائلی که مطرح می شود در آینده باید جوابگو باشید.»

دکتر محمدرضا پاسبان:

«عرض کردم این واقعیتی است که انگیزه تشکیل اتحادیه چیست؟ دیوار از اول کج گذاشته شد. اتفاقاتی که در انتخابات افتاد و جدایی را تشدید کرد، قابل انکار نیست. ما در شورای اجرایی اتحادیه شرکت کردیم. فرمی دادند به عنوان پیشنهاد اصلاح اساسنامه که باید این را از قبل به ما می دادند. به همه کانون ها از قبل داده بودند اما به ما نداده بودند، این ایرادات است. بخشی از آن، شیطنت افراد است. بخشی هم بی توجهی است. من معتقدم این کمیسیون هایی که الان وجود دارد، باید جمع شود.»

دکتر میترا ضرابی:

«تحریم کردن و نرفتن در شأن ما نیست. ما همانجا می توانیم اگر اعتراضی داریم بیان کنیم. اهانتی به کانون مرکز شود من سرتاپا می ایستم اما بگذارید که حضور به هم رسانیم تا نتیجه را ببینیم.»

سعید باقری:

«من معتقدم هرگونه درگیری و ایجاد هزینه برای کانون مرکز در شرایطی که مشکلات مهمتری داریم کاملاً مخالف با مصالح کانون است. شما مرتباً ایراد به انتخابات اسکودا وارد می کنید، اگر معتقدید که خلاف صورت گرفته است، اقدام کنید. اگر نتیجه انتخابات را پذیرفتید، پس بگذارید کارشان را انجام دهند. نباید دیگران را تخطئه کنید. کار درستی نیست. باید حرف آنها را بشنوید. یک طرفه سخن گفتن، خلاف اصول دموکراتیک است. باید به آراء کانون ها احترام بگذارید. در غیاب، اینهمه هجمه می کنید چرا اجازه نمی دهید کسی را دعوت کنید تا توضیح دهد.»

به نظر من از نتیجه انتخابات اسکودا نگران و ناراحت هستید و اگر غیر از این رقم می خورد، حتما نظرات و مواضع متفاوت بود. به عنوان عضو کوچکی از کانون مرکز استدعا دارم از اعمال سلاخی جناحی و شخصی در تصمیمات خودداری شود.»

شرح کامل مذاکرات منتشر شده از چهلمین جلسه هیات مدیره کانون وکلا مرکز را می توانید در وبسایت این کانون بخوانید.

یادنامه زنده یاد رضا صمدی

۵ آذر ۱۳۹۷ خبر درگذشت وکیل رضا صمدی جامعه حقوقی خراسان را سوگوار کرد، مرحوم صمدی بیش از هر چیز به اخلاق مداری و انصاف شهره بود، فقدان چنین دردانه هایی در این دوران فقر اخلاق و انصاف صدمه مضاعف و سخت جبران است، کوشیدیم به حد مختصر مقدور یادش را گرامی داشته باشیم. آنچه در ادامه می آید گفته های فرزند گرامی آن عزیز در پاسداشت یاد پدر است:

«... البته یکی از آفت های ذکر گذشتگان از زبان نزدیکان، به خصوص فرزندان، شبهه آایش این یاد با ستایش نفس است، لیکن از آنجا که پدرم برای بنده علاوه بر وجهه نسبی، معلم و مراد نیز بودند، از این جایگاه به بیان مطالبی در خصوص ایشان خواهم پرداخت. شادروان رضا صمدی در سال ۱۳۲۸ در مشهد دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در سبزوار گذراند. سپس با توجه به انتصاب پدر به معاونت اداره ثبت تهران و مهاجرت خانواده به تهران دوران دبیرستان را در دبیرستان دارالفنون تهران گذرانده و سپس وارد دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی) شد. در دوران تحصیل از محضر اساتید برجسته حقوق آن زمان بهره برده و در سال ۱۳۵۴ در رشته حقوق از این دانشگاه فارغ التحصیل گردید. پس از اخذ پروانه وکالت از کانون وکلای دادگستری مرکز، مدتی در تهران مشغول به کار شد.

خانواده و نحوه تعامل با فرزندان

در سال ۱۳۵۷ ازدواج نمود که حاصل آن دو فرزند پسر و یک دختر است که به ترتیب دارای مدرک تحصیلی دکترای عمران، داروسازی و معماری هستند. همسر ایشان نقل می کند زمانی که پیش از ازدواج به علت عدم آشنایی دقیق با حرفه وکالت و تصور شبهه ناک از درآمد آن برای تحقیق از منشی ایشان سؤالاتی شده، با این پاسخ مواجه شده اند که آقای صمدی پیش از پذیرش وکالت در هر پرونده ای به متقاضی می گوید: «باید با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، امکان دفاع را بررسی کنم و در صورت وجود احتمال قابل اعتنای دفاع، آنگاه وکالت در پرونده را می-پذیرم.» او به حرفه وکالت عشق می ورزید. از این رو بسیار علاقه مند بود که حداقل یکی از فرزندان این رشته را انتخاب نماید. با این حال به-هیچ وجه بر این امر اصرار نرورزید و همواره اعتقاد و شیوه او در تربیت فرزندان شامل، بیان ارشادی نظراتش و در ادامه آزادی کامل تصمیم گیری همه اعضای خانواده بود. موضوع مهم دیگر ثبات و طمأنینه و آرامش روحی وی بود که علیرغم تنش های طبیعی شغل وکالت هیچگاه کوچک ترین تنش یا ناراحتی را به درون خانه منتقل نمی کرد.

علائق و اشتغالات زندگی شخصی

علائق ایشان منحصر به چند موضوع خانواده، طبیعت، ورزش و تحصیل علم و ادبیات بود. در خصوص طبیعت روح لطیفش چنان شیفته طرائف و لطایف طبیعت بود و چنان در اشعارش جزئیات طبیعت را به عنوان آیتی الهی به زیبایی توصیف می نمود که شاید با وجود تلخی های رشته کاری اش چنین لطایف روحی، شگفت به نظر می رسید. او در دو گرایش حقوق جزا و جرم شناسی و حقوق خصوصی در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرده بود و در حدود ۷ سال قبل نیز دوره دکتری حقوق را آغاز کرد که البته با کسالت عارض شده ناتمام ماند. در دهه ۶۰ که به وی پیشنهاد تدریس در دانشگاه داده شده بود، با قیاس خویش با اساتید مبرزشان و اظهار عدم صلاحیت، این موضوع را نپذیرفته بود. با این حال پس از تجربه ای بیست و چند ساله در حرفه وکالت بالاخره از دهه ۸۰ در دانشگاه های مختلف مشغول به تدریس شد.

با قرآن مأنوس بود و در کلام اشارات نابی به قرآن داشت و حدود ۳ جزء از قرآن را به صورت منظوم ترجمه نمود و مقالات متعددی در مجلات حقوقی و روزنامه ها از او به چاپ رسیده است.

خصوصیات روحی

ویژگی روحی بارز او وارستگی از دلبستگی ها و تعلقات پست مادی و دنیوی بود. به کرات به فرزندان توصیه می کرد که کسب پول و مادیات را وجهه همت خویش نسازند. شاید یکی از علل ثبات و آرامش و طمأنینه همیشگی اش همین امر بود. در یکی از اشعارش به خوبی این ذهنیت هویداست؛ چونکه عمرم گشت و رفت هوشیار گشتم ازعلاق دل بریده گشته و بیدار گشتم کاین علایق وقت ماندن لازم آید

گاه رفتن دل بریدن لازم آید ویژگی روحی دیگری دوری از رذایل نفسانی، غرور، حسد، کینه، دروغ، تظاهر و

ریا، بدخواهی و غیبت بود. به هر حال هر انسانی در طول زندگی در آزمون هایی قرار می گیرد که برخی از رذائل فوق ممکن است فرصت بروز یابند ولی بنده در بزنگاه های مهم زندگی اش شاهد بودم که هیچ گاه آلوده به هیچ یک از پلیدی های فوق نشد. از حق در هر حال و جمعی حتی اگر برخلاف منافع شخصی اش بود به صراحت دفاع می کرد. نسبت به همه افراد در زندگی شخصی و اجتماعی خویش حسن ظن داشت و از کسی کینه و کدورتی به دل نمی گرفت. در امور مختلف بسیار سهل گیر و اهل تساهل و تسامح بود. با علم به برخی روش های ناروای گرفتن پرونده و پیشبرد آن در محاکم هیچ گاه بدان ها آلوده نشد.

ویژگی دیگر او عدم اعتقاد به فهم انحصاری موضوعات توسط خودش و پرهیز از دیدگاه قیم مآبانه و پذیرش و استماع استدلال های دیگران بود. این امر باعث شده بود عمیقاً به جوان گرایی و میدان دادن به جوانان معتقد باشد. اما ویژگی اصلی روحی او شور و اشتیاق وصال محبوب بود. از یک سو چنان روح خود را پرورده و بالا برده بود که از کلیه تعلقات پست و گذرای دنیوی رها شده و از سوی دیگر به وصال یار بسیار شائق و مشتاق بود. این شوق در بسیاری از دلنوشته هایش منعکس است، از جمله ابیات زیر که در دهه ۶۰ سروده شده؛ در تنم این مرغ جان رقصان شده رهسپار آن دیار و مقصد جانان شده در هوای دیدن یار و دیار او نمود عزم سفر از این دیار آنچه هست ره توشه ما در طریق عشق توحیدی بود ما را رفیق عشق توحیدی به پیغام رسول مژده ای باشد به هنگام وصول ما گذشتیم و گذشت آنچه گذشت بر شما هم این گذشت خواهد گذشت

سرانجام زنده یاد رضا صمدی در آبان ماه ۱۳۹۷ بر اثر حمله قلبی، دارفانی را وداع گفت و در بهشت جوادالائمه طریقه به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



مدیر عامل موسسه حقوقی «دادخواهان شرق»؛ رعایت انصاف و احقاق حق سرلوحه کار مرحوم صمدی بود

در نخستین سال اشتغال من به وکالت، موضوع داغ روز مباحث صنفی وکلای دادگستری استان خراسان، تشکیل کانون وکلای دادگستری استان خراسان و انتخاب نخستین هیئت مدیره آن بود. در این میانه، شادروان صمدی با نگارش مقاله ها و نامه های سرگشاده ای پیرامون این موضوع، خود موجد و محرک جریان بود که بیش از هر چیزی بیانگر دغدغه های صنفی وکلا و بیش و پیش از آن، درد تخدیش روز افزون رکن استقلال کانون بود و من که نخستین گام های نوپایی خویش در این وادی را بر می داشتم، بی آنکه ایشان را بشناسم، شیفته بیان رسا و قلم توانای ایشان شدم.

از اوایل سال ۱۳۸۵ که فکر و برنامه تشکیل موسسه ای حقوقی به صورت جدی به دغدغه ای اساسی برای اینجانب بدل شده بود، موضوع را با آقای صمدی در میان گذاشته و از ایده ها و اندیشه های ایشان بهره ها بردم و با قبول زحمت همکاری و همراهی در این امر از سوی ایشان، موسسه حقوقی دادخواهان شرق از ابتدای سال ۱۳۸۷ پا گرفت. از بدو امر، ایشان بیش و بیش از هر چیزی رعایت جانب انصاف و تلاش در راستای احقاق حقوق اشخاص را سرلوحه برنامه کاری خود قرار داده و نه تنها خود به این مهم عامل بود، بلکه همواره مشوق و مروج جدی این باورهای ارزشمند در همکاران خود بود.

پس از بروز کسالت برای ایشان نیز توفیق دیدار ایشان به صورت متناوب نصیب من شد که در هریک از این دیدارها شوق و ذوق ادبی ایشان کماکان نمایان بود. خبرناگوار درگذشت حضرت ایشان در آبان ماه ۹۷ تمامی دوستان و دوستداران ایشان را سوگوار نمود و جامعه وکالت را نیز از حضور و وجود آن عزیز بی بهره ساخت.

صبحانه کاری

رییس دادگستری استان

ورییس کانون وکلای خراسان



با وجود پیگیری زیاد «وکلا» متأسفانه درخواست مصاحبه در مورد موضوعات مهمی چون عملکرد و دستاوردهای هیات مدیره کانون وکلای خراسان در همایش اسکودا، مباحث مالیاتی وکلا، نحوه تقسیم محل اشتغال وکلای خراسان و منع وکلای شاغل خارج از مشهد از ورود به ارکان کانون، از سوی کانون وکلا پذیرفته نشد و آنچه در مورد کانون وکلای خراسان در این شماره آمده، همگی براساس اعلام رسمی روابط عمومی کانون تنظیم شده است.

رییس دادگستری استان خراسان رضوی و هیات همراه دوشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۷، مهمان صبحانه کاری کانون وکلای خراسان بودند.

حجت الاسلام والمسلمین مظفری رییس دادگستری استان خراسان رضوی، صادقی دادستان مرکز استان خراسان رضوی، سلمانی رییس حفاظت دادگستری، به همراه فلاح، عبداللّهی و سیدآبادی، مهمان کانون وکلای دادگستری خراسان بودند.

در این جلسه که با حضور اعضای هیات مدیره کانون وکلای دادگستری خراسان برگزار شد، مهدی عامری مقدم رییس کانون وکلای دادگستری خراسان ضمن خیرمقدم به مهمانان و ابراز امیدواری برای استمرار جلسات مشترک گزارش مفصلی از خرید زمین و احداث بنای فعلی کانون و نحوه تامین هزینه های مربوطه و تعداد وکلای و کارآموزان شاغل در خراسان بزرگ ارائه دادند.

وی همچنین ضمن ابراز نارضایتی از نقض آراء هیات مدیره کانون مبنی بر عدم اعطاء پروانه وکالت به قضات و شاغلین قضایی که به دلیل سلب صلاحیت از دستگاه قضایی منکف شده اند در دادگاه عالی انتظامی قضات، گفت: هر سال حدود یک سوم از پذیرفته شدگان آزمون وکالت از خانواده های محترم شهدا، جانبازان و ایثارگران می باشند و تعداد قابل توجهی از قضات محترم بازنشسته و کارمندان قضایی دادگستری نیز به دریافت پروانه وکالت از کانون خراسان مفتخر می گردند.

رییس کانون در ادامه با توجه به بخش نامه اخیر قوه قضاییه و اینکه تمشیت مسائل امنیتی در دادگستری به استان ها واگذار شده است، تقاضا کرد برای تسهیل ورود و خروج همکاران به مجتمع های قضایی و امکان استفاده از اسکنر برای تهیه تصویر از اوراق پرونده همکاری لازم مبذول گردد.

همچنین رییس کانون با اعلام اعتراض شدید خود را به برخورد صورت گرفته با برخی از همکاران محترم مبنی بر اعلام جرم فرار مالیاتی علیه ایشان در آخرین ساعات اداری و صدور قرار تامین غیر متناسب که منجر به بازداشت برخی از همکاران محترم شده است، اینگونه رفتارها را در شان قضات و وکلای دادگستری و امری بزرگترین معضل حال حاضر دادگستری و کانون وکلای خراسان را موسسات حقوقی دانست که

بدون مجوز و بدون حضور موسس وکیل در خراسان به ثبت رسیده اند و در حال فعالیت هستند و گفت: مواردی وجود دارد که فردی با داشتن بیش از ۱۷ فقره محکومیت جزایی، اقدام به تاسیس موسسه حقوقی نموده است و هیچ نظارتی در این خصوص وجود ندارد.

دکتر عباس شیخ الاسلامی بازرس هیاست مدیره کانون وکلای دادگستری خراسان نیز در ادامه ضمن خوش آمد گویی به مهمانان محترم اعلام کرد وکلا خواستار همکاری متقابل و مستمر با دادگستری هستند و همواره به همکاران خود توصیه کرده ایم از آنجا که اصل پرونده های قضایی نیستند اقدام به شکایت انتظامی از قضات ننمایند.

وی ضمن اعلام خرسندی خود از برگزاری این قبیل جلسات گفت: زمانی که وکلا و قضات مدیران کانون و دادگستری را در کنار یکدیگر می بینند، متوجه می شوند که فضای فی مابین آرام و دوستانه است و خواستار استمرار این جلسات شدند.

غلامعلی صادقی دادستان مرکز استان خراسان رضوی نیز ضمن تشکر از میزبانی کانون خراسان و تسلیت ایام سوگواری رحلت حضرت فاطمه معصومه (س) خاطر نشان کرد: متأسفانه دیوار بی اعتمادی بلندی بین وکلا و قضات وجود دارد که برای رفع آن باید تلاش کرد.

وی افزود: اگر پای درد دل قضات نیز بنشینیم، گلایه هایی از وکلا دارند هرچند پسندیده نیست این بی اعتمادی باقی بماند و برای رفع آن لازم است کارگروه مشترکی برای بررسی و شناسایی مشکلات تشکیل شود و به صورت مستمر جلسات دائمی برای رفع مشکلات موجود برگزار گردد.

سلمانی رییس حفاظت اطلاعات دادگستری نیز اعلام آمادگی کرد در صورت دستور مساعد رییس کل دادگستری استان، آیین نامه استفاده از اسکنر توسط وکلا در حفاظت اطلاعات دادگستری تدوین و ابلاغ شود. سلمانی همچنین درخواست کرد گزارش موسسات حقوقی غیر معتبر توسط کانون به وی اعلام گردد تا به صورت مستقل نیز برخورد قانونی لازم صورت پذیرد.

در پایان این دیدار رییس کل دادگستری استان خراسان رضوی با تشکر ویژه از کانون وکلای خراسان

بابت میزبانی صورت گرفته، گفت: لازم بود بعد از چندین نوبت میزبانی از هیات مدیره محترم کانون در دادگستری، ما نیز مهمان کانون خراسان باشیم که خوشبختانه این موضوع محقق گردید.

حجت الاسلام مظفری برگزاری این جلسات را در تلطیف فضای فی مابین لازم و ضروری دانست و خواستار استمرار آن شد و افزود: در دوران کارآموزی قضات، ۸۰ درصد اساتید از وکلا هستند که به این موضوع افتخار می کنیم.

وی همچنین با اشاره به ۲۸ سال سابقه قضایی خود گفت: در طول این مدت همواره با کانونهای وکلا تعامل مفید و مستمر داشته ام و هیچگاه احساس نکرده ایم کانون وکلا دشمن دادگستری است، اما تکیه کانون ها به لایحه استقلال نیز بیش از حد منطقی است. وقتی کانون وکلا در مرکز تلاش می کند که در مقابل لوائح قوه قضاییه ایستادگی کند، نباید توقع داشته باشید که برای وکلا فرش قرمز پهن شود. استقلال زمانی مفید و موثر است که در مقابل دستگاه ظلم و جور باشد و استقلال کانون از سیستم قضایی نمی تواند آثار مناسب و مطلوب داشته باشد.

در ادامه رییس دادگستری استان ضمن انتقاد از برخی وکلا گفت: تعدادی از ایشان چهل خود را به پای دستگاه قضا می اندازند و به نام قضات رشوه اخذ می کنند که این اقدامات در شان وکلا نیست.

رییس کل دادگستری استان همچنین با توضیح در مورد دستورات و بخشنامه های قضایی خاص در خصوص دعاوی مهریه، اعسار از هزینه های دادرسی، مطالبه وجه اسناد لازم الاجرا و ... اشاره کرد: اقدامات دادگستری در این خصوص جهت حفظ کبان خانواده و کاهش آمار طلاق بوده است که موثر افتاده و نباید با دستورات اینچنین مقابله کرد.

وی ضمن اعلام آمار قابل توجه در برخورد با قضات متخلف از عدم برخورد کانون با وکلا انتقاد کرده و خواستار برخورد جدی تر دادرسی کانون با تخلفات اعلامی در خصوص وکلا شدند.

حجت الاسلام والمسلمین مظفری در پایان نیز ضمن تأیید درخواست دادستان محترم مبنی بر تشکیل کارگروه مشترک، آمادگی خود را برای تعامل بیشتر با کانون و رفع سوء تفاهات ایجاد شده اعلام کرد.

۶۶
حجت الاسلام والمسلمین مظفری ضمن تأیید درخواست دادستان محترم مبنی بر تشکیل کارگروه مشترک، آمادگی خود را برای تعامل بیشتر با کانون و رفع سوء تفاهات ایجاد شده اعلام کرد

دیدار و گفتگوی رییس کانون با رییس مجتمع قضایی عدالت

دهند که متأسفانه به همه وکلا تعمیم داده می شود و لغو برخی دستورات، نیازمند اقدام از ناحیه مقامات عالی قضایی است. در عین حال برای فراهم نمودن درخواست های همکاران محترم جهت اختصاص اتاق حتی با استفاده از سازه های پیش ساخته و اختصاص میز مطالعه و سهولت تردد همکاران به مجتمع اعلام آمادگی و قول مساعد جهت بررسی داد و درخواست کرد همکاران محترم هرگونه انتقاد و پیشنهاد خود را به صورت شفاف با ایشان در میان بگذارند.

در ادامه رییس کانون وکلا نیز ضمن اعلام آمادگی جهت برگزاری جلسات مشترک با روسای محترم مجتمع های قضایی به صورت حداقل ماهی یکبار، درخواست داشتند که خواسته های وکلا از طریق ریاست محترم مجتمع عدالت نیز به سمع مقامات عالی قضایی در استان برسد.

است و محتویات آن به غیر از پرونده، اوراق و لوازم نمی باشد و شان وکلا اجل از آن است که وسیله ممنوعه ای را حمل کنند، درخواست کرد در صورت امکان، بازرسی کیف همکاران نیز متوقف گردد.

دکتر حسینی، رییس مجتمع قضایی عدالت نیز ضمن خوش آمدگویی و بیان گزارش مختصر از نحوه عملکرد و اداره مجتمع، اعلام کرد وکلا و قضات را برای تحقق عدالت پایدار، لازم و ملزوم یکدیگر می داند و در دوران مدیریت خود، همواره جلسات مشترک با وکلا جهت ارتقاء سطح خدمات قضایی و تقویت روابط فی مابین برگزار کرده است. وی همچنین در خصوص بازرسی کیف همکاران گفت اگر موجداتی فراهم شود که وکیل با رضایت خاطر و لبخند وارد دادگستری شود، نتیجه مطلوب آن به قضات نیز سرایت خواهد کرد اما برخی از اشخاص که اندک و استثنا هستند، اقداماتی را انجام می

بنا بر اعلام روابط عمومی کانون وکلای دادگستری خراسان، مهدی عامری مقدم رییس و دکتر امین شهلا مدیر روابط عمومی کانون وکلای دادگستری خراسان روز چهارشنبه ۳۰ آبان ۱۳۹۷ با حضور در مجتمع قضایی عدالت با دکتر حسینی رییس این مجتمع دیدار کردند، رییس کانون وکلای دادگستری خراسان در این دیدار ضمن خوش آمدگویی به ریاست محترم این مجتمع و تشکر و قدردانی بابت حسن برخورد و رفتار مناسب با وکلا در زمان ورود به مجتمع، در خصوص پیش بینی درب مستقل برای ورود وکلا و کارشناسان و امکان حمل تلفن همراه برای وکلا در دادگاه و نیز ایجاد اتاق انتظار برای وکلا در مجتمع قضایی برای استقرار همکاران قبل از تشکیل جلسات رسیدگی و تعبیه میز مطالعه در دفاتر دادگاه مطالبی عنوان کرد.

وی همچنین با بیان این مطلب که کیف، وسیله کار وکلا

ماهنامه حقوقی وکلا
شماره ۱ بهمن ۱۳۹۷
● صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سیاوش هوشیار
● سردبیر:
سیاوش هوشیار
● دبیر تحریریه:
مونا زنده دل
● اعضای تحریریه:

سیده نسرين حسين پور
آذین آذرتاش
فرناز محمدیان
فرزانه صفری
دکتر اندیشه قدیریان
● طرح روی جلد:
زهیر آقاجانی
● صفحه آرایی:
استدینو نقطه شو
● نشانی:
مشهد
بلوار سجاد
چهارراه بزرگمهر
مجتمع سارسل
واحد ۱۰۴
● تلفن:
۰۵۱) ۳۷۶۰۰۳۴۸
● نمابر:
۰۵۱) ۸۹۷۸۱۴۶۱
vokalamag@yahoo.com
www.vokalamag.ir

دیدار هیات مدیره های کانون وکلای دادگستری و کانون سردفتران

سردفتران را هم نمی دهد.

رییس هیات مدیره کانون سردفتران در ادامه ابراز امیدواری کرد با تشکیل کارگروه مشترک، در خصوص مسائل و مشکلاتی که هر دو نهاد با آن روبرو هستند، جلسات مستمر و پایدار تشکیل و برگزار گردد.

رییس کانون وکلا نیز در موافقت با این پیشنهاد و تذکر این مطلب که برای تاثیر گذار بودن باید بدون داشتن توقعات ایده آلیستی و با عنایت به شرایط خاص استان برنامه ریزی نمود، با توجه به طرح اخیر مجلس در خصوص اخذ عوارض از دفاتر اسناد رسمی و دفاتر وکلا و لزوم استقرار دفاتر در مکان های دارای کاربری اداری آمادگی خود را جهت ایجاد کارگروه مشترک با کانون سردفتران به منظور بررسی موضوع اخیر و ارائه راهکارهای قانونی جهت جلوگیری از تصویب طرح مذکور در مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.



پیش رو، گفت: کانون سردفتران نیز از آسیب های مشابه مصون نبوده است و اخیراً به دلیل اعتراض به الزامی شدن ثبت اثر انگشت سردفتر برای راه اندازی سامانه دفترخانه مربوطه، امسال جشن روز ۶ دی ماه، روز دفاتر اسناد رسمی، را برگزار نمودند. همچنین از عدم حمایت سازمان متبوع خود انتقاد داشته و افزودند به عنوان مثال تعرفه های خدمات دفاتر مربوط به سال ۸۴ می باشد که پوشش هزینه های جاری

رییس و اعضای هیات مدیره کانون سردفتران و برخی از مسئولین کمیسیون های این کانون، روز دوشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۷ مهمان کانون وکلای خراسان بودند.

دکتر غلامپور رییس هیات مدیره کانون سردفتران و هیات همراه، در این دیدار با هیات مدیره کانون وکلای دادگستری خراسان به تبادل نظر در خصوص مسائل جاری و مشترک پرداختند.

مهدی عامری مقدم رییس کانون وکلای خراسان در این دیدار گفت: با توجه به مشکلات فراوانی که برای نهاد وکالت ایجاد شده است و پذیرش بی ضابطه دانشجویان حقوق و زمزمه های حذف آزمون وکالت، معلوم نیست کانون ها تا چه زمانی می توانند در برابر این هجمه ها مقاومت کنند.

دکتر غلامپور نیز ضمن تشکر از میزبانی کانون و ابراز همدردی با کانون وکلا در خصوص مشکلات فراوان

**خرید
مستقیم
از خود
کشاورز**



غُلَمَرِضای دُرودی

خرید زعفران



عیسی علی

خرید زعفران

کِشْمُون

از طریق کشمون می توانید با کشاورزهای زعفران کار منطقه قائنات در خراسان جنوبی آشنا شده، قصه ی کشاورز را مطالعه و محصولشان را که در آزمایشگاه تعیین کیفیت شده تهیه کنید.

www.keshmoon.com
@keshmoonia



کونه زنده ای که امروز ناپدید می شود، فردا دیگر سر بر نخواهد داشت

**نذر
طبیعت**

کمک های کوچک مردمی برای حفظ محیط زیست

www.nazretabiat.ir

